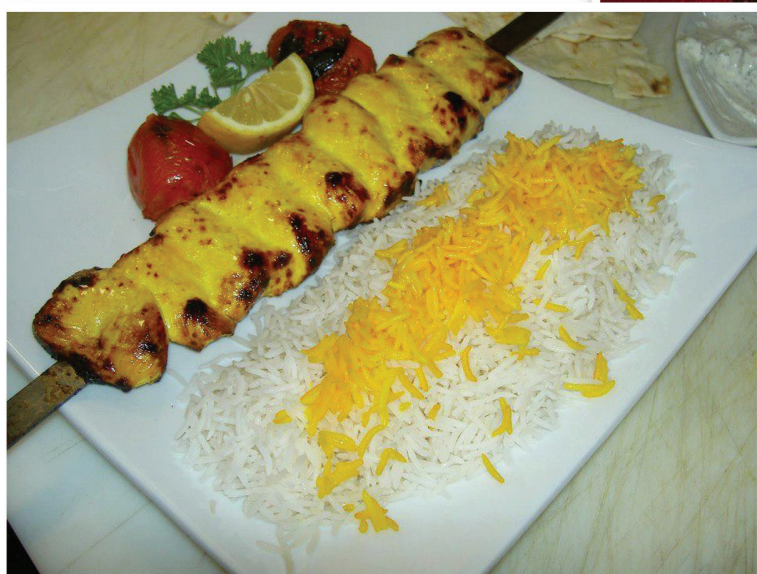




# سالن غذاخوری نور

آماده پذیرایی از جشن‌ها و میهمانی شما در منزل

## حاج اکبر بهبود و پسران



میدان امام خمینی - اول خیابان فردوسی - کوچه طبس - پلاک ۶

تلفن: ۶۶۷۱۷۰۲۲      فکس: ۶۶۷۶۳۷۰۵      موبایل: ۰۹۱۲۱۲۵۸۶۴۲

## پذیرش آگهی در فصلنامه پیام شبستر

فصلنامه پیام شبستر آماده درج آگهی‌ها و تبلیغات شما می‌باشد.

درج آگهی در این نشریه علاوه بر آنکه در معرفی شما به هم‌شهریان ابزاری مناسب خواهد بود، بدلیل نوع مطالب مندرج در آن که منجر به ایجاد انگیزه برای نگهداری طولانی مدت مجله می‌گردد، اثری طولانی خواهد داشت. ضمن آنکه با سفارش آگهی، دست‌اندرکاران را در تداوم انتشار مجله، که برای سال‌ها از آرزوهای مردم فرهنگ دوست شهرستان بود، باری نموده و از این جهت فعالیتی فرهنگی نیز محسوب می‌گردد.

شماره‌های دریافت آگهی:

فکس: ۰۲۱-۶۶۹۳۷۳۶۴

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۳۹۲۹۴

## فراخوان مقالات

دست به دست هم دهیم تا سرزمین مادری را به مکان بهتری برای زندگی تبدیل نماییم. فصلنامه پیام شبستر تریبونی برای تمامی اهالی منطقه و فرصتی برای چاپ مقالات، خاطرات، اسناد، عکس‌ها، داستان‌های شما و پیشنهادات و انتقادات در خصوص فعالیت‌های نهادها و ارگانهای دولتی و غیر دولتی می‌باشد.

● مطالب حتی الامکان کوتاه و حداکثر برای ۴ صفحه نشریه تهیه، تایپ و از طریق ایمیل ارسال فرمایید. چون مطالب به نام خودتان چاپ خواهد شد لذا درج نام و نام خانوادگی الزامی است.

- منابع مطالب در گیومه مشخص گردد.
- تحریریه در رد، تلخیص و ویرایش مطالب ارسالی آزاد است.
- مسئولیت مطالب و آگهی‌ها به عهده نویسنده و سفارش دهنده است.
- استفاده از مطالب مجله با ذکر منبع آزاد می‌باشد.

## طرح روی جلد:

هنر نمایی آقای حسین کاویان بر روی کاشی

صاحب امتیاز: جمعیت خیریه شبستریهای مقیم تهران

مدیر مسئول: جمشید صالحی شبستری

سردبیر: سید حسین غزالی

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر حسن امین‌لو، حسین روشن، محمد رضا رونقی، اکبر صالحی

شدنی، جاهد فیضی زاده، ابوالفضل موحد، ابوالفضل هدایتی آذری

مدیر مالی: جمعیت خیریه شبستریها

مدیریت پشتیبانی و تدارکات: جمشید کتانی - محمد فعال

مدیریت اجرایی: سید محمد ورن‌دیلی

روابط عمومی: حسین شوقی - فرج کریمی

مدیر هنری و ناظر چاپ: فرزانه عالمی

صفحه آرا و گرافیک: فاطمه تیموری

نسخه الکترونیک: امیر درخشان پور

همکاران: محمد چابک، فتح‌اله کمالی اصل، عباس امیر هدائی، حسین اقدسی

بهمن صالحی، مهدی فرید پور

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۹۱۸۸

فکس: ۰۲۱-۶۶۹۳۷۳۶۴

۰۲۱-۶۶۴۳۹۲۹۴

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۸۴۶۷

پست الکترونیکی: Payameshabestar@gmail.com

سایت: www.payameshabestar.ir

مجله پیام شبستر در کلیه نقاط به‌ویژه شهرستان شبستر و تهران نماینده می‌پذیرد. شما نیز در صورت علاقه همکار افتخاری ما باشید.

کلیه خیریه‌های شهرها و آبادی‌های شهرستان شبستر در صورت علاقه می‌توانند ما را در پخش فصلنامه شبستر یاری و پشتیبانی نمایند.

مشترک گرامی: فصلنامه پیام شبستر در آینده به دو صورت الکترونیکی و چاپی منتشر می‌شود. اشتراک سالیانه الکترونیکی ده هزار تومان و اشتراک سالیانه چاپی پنجاه هزار تومان است. لطفاً نوع اشتراک خود را اعلام فرمایید. ضمناً برای ماندگاری و نگهداری می‌توانید از حالا مجموعه چاپی را رزرو نمایید.

● عکس کوه میشو ● عکاس: محسن نوروزی



# فهرست

صفحه	سرفصل	عنوان	نویسنده/تهیه کننده
۴	مقالات	از انقلابی گری تا پوپولیسم	سید حسین غزالی
۶	مقالات	نگاهی به لایحه بودجه ۱۴۰۰	دکتر حسن امین لو
۸	مقالات	مروری بر زندگی و اشعار معجز	مجتبی کاویان
۱۲	مقالات	ترک‌های سفید، فارس‌های سفید	نادر صدیقی
۱۶	تاریخ و جغرافیای شبستر	مختصری درباره تاریخ «گونئی» و مراکز آن	دکتر محمد تقی زهتابی
۱۸	تاریخ و جغرافیای شبستر	محلّه چای	اسماعیل اسماعیل زاده شبستری
۲۰	مفاخر و نیکنامان	شیخ محمد خیابانی در آئینه اسناد و شعر و ادب	داور زمانخانی
۲۲	خیرین فرهنگی	خیرین فرهنگی شهرستان شبستر (شماره زمستان ۹۹)	
۲۴	ادبیات محلی	آنادیلی	حسین اقدسی
۲۶	ادبیات محلی	آذربایجان شیفاهی خلق ادبیاتیندا نغمه‌لر	علیرضا صرافی (ایکینجی قیسمت)
۲۸	ادبیات محلی	قورد ایله تولکو	حسین محمدخانی «گونئیلی»
۳۰	ادبیات محلی	چیلله نغمه لری: «گولوم گل نغمه سی»	ابوالفضل موحد
۳۱	ادبیات محلی	قورخو-جسارت !!	دوکتور زهتابی («شیخ محمد خیابانی» اثریندن)
۳۲	ادبیات محلی	اوستاد حبیب فرشباغ	اکبر صالحی «قاداش»
۳۳	ادبیات محلی	میللت لرهامیسی دوستدو، قارداش دیر / تبریز دئییه رک	بولود-قاراچورلو «سهند» مهناز صابونی «آیتای»
۳۴	ادبیات محلی	دوغا	اصغر ساعی «وولکان»
۳۵	ادبیات محلی	خوروز	رحیم کاویان
۳۶	ادبیات محلی	باریش دوست لوق اوچون	سوسن نواده رضی
۳۷	ادبیات محلی	یاز اولاجاقدیر	باقر موحد
۳۸	ادبیات فارسی	قیزلاریم	شرفخانالی ناظر «ملک پور»
۳۹	ادبیات فارسی	خاقانی شروانی	دکتر حسن امین لو
۴۰	ادبیات فارسی	شبستر / زمستان	محمد رضارونقی / ملک الشعرا بهار
۴۱	ادبیات کودکان	شب یلدا / پند پدر و مادر	آیلین جلیلی
۴۲	اندیشه	شخصیت پرستی	ابوالفضل هدایتی آذری
۴۴	دانستنی‌ها	تعریف سلامت و سالمندی (بخش اول)	دکتر رضا نیکوکار
۴۶	دانستنی‌ها	یئرکۆکی کوفته‌سی «کوفته‌ی هویج»	ام البنین خسروی
۴۷	دانستنی‌ها	از دریاچه ارومیه چه خبر؟	تهیه و تنظیم: جاهد فیضی زاده
۵۵	اخبار	اخبار	
۵۴	با مخاطبین	با مخاطبین	سید محمد ورندیلی
۵۵	جدول	جدول	غزل خواجویی





سید حسین غزالی

## از انقلابی‌گری تا پوپولیسم

نزاع این دو تفکر بوده است. پوپولیسم به لحاظ مفهومی در مقابل نخبه‌گرایی قرار می‌گیرد و شیوه‌ای است که دنباله‌روی و پیگیری مطالبات توده‌های مردم بر رفتارهای علمی و اصولی که ویژه نخبه‌گرایی است، ترجیح داده می‌شود، البته خواست‌های مردم از طریق تکنولوژی‌های شناختی با منویات رهبران سیاسی هم راستا می‌شوند. اینگونه خواست‌ها اولاً ظاهری عوام‌پسند دارند، ثانیاً تناسب عقلانی با هدف ندارند، ثالثاً پیگیری آنها منجر به اتخاذ تصمیماتی متناقض می‌شود. رابعاً اتخاذ چنین رویکردی در نهایت به زیان مردم عادی منجر می‌گردد.

اما انقلابی‌گری بعد از پیروزی انقلاب، اغلب راه‌حلی برای پارادوکس وجوه غالب و قوی است بصورت معمول از فردای پیروزی هر انقلاب، تناقضی بین تفکر حاکم انقلابی و ساختارها و مناسبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پیش از انقلاب که تغییر در آنها مستلزم صرف زمان است، بوجود می‌آید و انقلابی‌گری در واقع حاکم کردن تفکرات انقلابی بر ساختارها و مناسبات ضد انقلابی در یک برهه زمانی است تا آن ساختارها و مناسبات وفق تفکرات انقلابیون تغییر داده شوند.

با این تعریف اولاً انقلابی‌گری پس از پیروزی، زمان‌مند است و نمی‌تواند برای سال‌های طولانی باقی بماند، ثانیاً طولانی شدن مدت آن ممکن است به عجز انقلابیون در استقرار ساختارهای مورد نظرشان معنی شود، ثالثاً انقلابی‌گری دائمی اغلب مترادف هرج و مرج طلبی و آنارشسیسم است.

ضمن آنکه انقلابی‌گری بر خلاف عوام‌گرایی مبتنی بر تفکرات و اصول

کشور ما بیشتر در معرض ابتلا به این نوع مخاطرات هستند، اما رخدادهای اخیر در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و برخی کشورهای اروپایی خصوصاً ایتالیا نشان می‌دهد که حتی دموکراسی‌های جاافتاده نیز مصون از این قبیل آسیب‌ها نیستند

دموکراسی در کشور ما از همان اوان انقلاب با هر دو آسیب سیاست‌شبه علمی و پوپولیستی دست به گریبان بوده است.

در حالی که نیل به اهداف انقلاب اسلامی نیازمند پیروی از عقلانیت سیاسی بود و اولین الزام در عقلانیت اتخاذ راهکارهای علمی، اما اتخاذ رویکردهای هیجانی که تا حدودی ناشی از فضای انقلابی سالهای اولیه پس از انقلاب بود مرزهای بین علم سیاست و شبه علم آن و انقلابی‌گری و پوپولیسم را مخدوش نمود.

حاصل آن شد که از سالهای پس از جنگ تحمیلی اصلاح ساختارهای اقتصادی، سیاسی کشور تبدیل به دغدغه اصلی نخبگان سیاسی شد.

تداوم این دغدغه به روشنی نشان می‌دهد که تاکنون توفیق زیادی در رفع آن به دست نیامده است و به این تصور دامن زده که گویا آشفتگی‌های موجود محصول دموکراسی نیم‌بند کشور است.

این عقیده مشترک هر دو جناح اصلی کشور بوده، با این تفاوت که جناحی معتقد است راه برون رفت، حذف تدریجی یا تشریفاتی کردن نهادها و شیوه‌های دموکراتیک و بازگشت به حکومت اسلامی است و جناح دیگر درمان را در تعمیق دموکراسی، جامعه مدنی و جمهوری‌ت نظام می‌داند. در دو سه دهه اخیر عرصه عمومی کشور محل

از همان اولین روزهای تشکیل دموکراسی در دولت شهر آتن، نقاط ضعف این شیوه حکمرانی، مانند تاوولهای کودکان سرخک گرفته، ظاهر شدند. اولین دمل، سوفسطائیان بودند، معلمینی که با آموزش گونه‌ای از مغالطه از طریق تمثیل و خطابه و... (که امروز به متدولوژی شبه علم‌ها شهرت دارند) دانشجویان را برای اقناع ذهنی مردم عامی، بمنظور کسب قدرت تعلیم می‌دادند.

سقراط به مبارزه با این جماعت پرداخت و سعی کرد از طریق افشای روش‌ها، آنان را رسوای خلق نماید، اما خود نیز صید یکی دیگر از رخنه‌های دموکراسی گردید. جوان جوای نامی به تحریک برخی بدخواهان به محکمه شکایت برد که سقراط در پی سست کردن اعتقادات دینی مردم و از بین بردن بنیادهای مذهبی است. دادگاهی با حضور بیش از پانصد نفر از مردم به عنوان هیئت منصفه در میدان آتن تشکیل شد و نهایتاً سقراط نه به زعم افلاطون قربانی دموکراسی که در واقع قربانی پوپولیسم شد.

هر چند افلاطون حداقل در چهار رساله سیاسی خود به رخنه‌های دموکراسی پرداخته و این سیستم حکمرانی را از جهات مختلف نقد و نفی کرده است، اما دو جنبه از رخنه‌های دموکراسی که در بالا اشاره شد پس از ۲۵۰۰ سال و علیرغم تغییرات اساسی در شیوه‌های حکمرانی، بعنوان بخشی از ضعف‌های دموکراسی پابرجا مانده اند. البته بقول پوپر در کتاب جامعه باز و دشمنان آن، با تمام اینها دموکراسی هنوز بهترین شیوه حکمرانی است. با اینکه دموکراسی‌های نوپا مانند



تصویب شش قطعنامه تحریمی علیه کشورمان در شورای امنیت بود که شاید هیچ زمانی نتوان آثار سوء آنها را برطرف کرد.

جالب است که این رخدادها در مجلس یازدهم عیناً تکرار می‌شوند، نمایندگان مجلس در مدت حدود شش ماه، بیش از سیصد طرح به صحن علنی مجلس ارائه نموده اند برای مثال فقط در تاریخ ۳۰ مهر ۹۹ حدود ۱۷ طرح توسط نمایندگان به صحن علنی مجلس ارائه شده است، اغلب این طرح‌ها همانند اسلافشان در مجلس هفتم است.

مانند طرح فروش قیر رایگان، طرح نجات اقتصاد، طرح حمایت معیشتی از دهک‌های پائین، طرح حمایت از خبرنگاران!!! طرح استخدام مردودین آزمونهای گزینشی، طرح تخصیص سوخت به کارت ملی افراد، طرح خودرودار کردن اقشار ضعیف، طرح تعویق کنکور، طرح ساخت ۴ میلیون مسکن (در حالی که دولت از ساخت ۴۰۰ واحد آن نیز ناتوان و عاجز است و... و در نهایت طرح خروج ایران از برجام...

یکی از معیارهای احترام به مردم اعتماد به آنهاست و طرح‌هایی مانند پرداخت عوارض شهری به وزارت کشور بجای شوراهای منتخب مردم یا اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری و امثال آنها که نهادهای انتخابی را بلاموضوع می‌کنند با چنین ادعاهایی در تناقض هستند.

همچنین گریه بر مصائب مردم، اظهار همدردی با آنان، سلب مسئولیت از خود و انداختن مشکلات به گردن رقیب، تقلیل مشکلات مردم به اموری سطحی و وضع قوانینی که تنها به حجم گرفتاریهای آنان اضافه می‌کند اگر عوام گرائی تلقی نشود نشانه احترام به مردم نیز نمی‌باشد.

یوگسلاوی تیتو و... اتفاق افتاده است. اکثر این انحرافات از یک طرف ناشی از تقلیل منافع ملی به منافع افراد و احزاب و از طرف دیگر محصول عدم توانایی برای کسب قدرت از طرق مشروع بوده است.

**دلیل اخیر از عوامل اصلی نفوذ عوامگرایی به حوزه تفکرات انقلابی بوده و مرزبندی انقلابیگری و عوام‌گرایی را مخدوش می‌نماید، مانند آنچه در برخی برهه‌ها از جمله انتخابات مجالس هفتم و یازدهم کشور ما اتفاق افتاده است. این هر دو مجلس با کمترین میزان مشارکت مردم و در غیاب بخشی از نیروهای وفادار به نظام تشکیل گردیدند نگاهی به تصمیمات هر دو مجلس که اتفاقاً خیلی شبیه هم هستند تغییر و تقلیل انقلابیگری به عوام‌گرایی را روشن می‌سازد.**

مجلس هفتم که در سال پایانی دولت اصلاحات تشکیل گردید و هدف آن از جمله پیشگیری از به قدرت رسیدن مجدد اصلاح طلبان در انتخابات بعدی قوه مجریه بود، طرح تثبیت قیمت‌ها را به تصویب رساند.

این طرح یکی از پوپولیستی ترین مصوبات مجالس بعد از انقلاب بود و اقتصاد کشور را دچار معضلات و خسارات زیادی نموده که بعید است آثار آن را حتی چند دهه بعد نیز بتوان از بین برد. این اقدامات و مصوبات در کنار سایر عوامل منجر به تشکیل یک دولت عوام‌گرای خالص شد. لوایح مکمل دولت عوام‌گرا با پشتیبانی مجلس یاد شده مانند مسکن مهر و پرداخت یارانه نقدی و...

درست در پر درآمدترین ایام دولت‌های تمام تاریخ این کشور، تورم کمرشکنی را بر سر همین مردم عادی که داعیه طرفداری از آنها را داشتند تحمیل و ارزش پول ملی را به یک چهارم تقلیل داد. میوه فشار مجلس هفتم بر دولت اصلاحات در توقف اجرای توافق نامه سعد آباد نیز در دولت عوام‌گرای بعد،

مشخصی است و نمی‌تواند هر بار بر پایه خواست افراد و یا احزاب دستخوش تغییر گردد.

تشکیل صفوف انقلابیون در مقابل جبهه ضد انقلاب از شیوه‌های مرسوم در حین و پس از پیروزی انقلاب‌ها است اما این امر مرسوم در اکثر انقلاب‌ها مواجه با مخاطراتی بوده از قبیل:

**۱** رادیکالیسم شبه انقلابی که جبهه ضد انقلاب را مداوماً توسعه می‌دهد تا جایی که بخش بزرگی از انقلابیون و مبارزین را هم به داخل جبهه ضد انقلاب می‌راند و در نتیجه دایره انقلابیون (خودی‌ها) بصورت مستمر تنگ تر می‌شود. به اصطلاح انقلاب‌ها قرزندان خود را می‌خورند (می‌کشند)

**۲** تقلیل اهداف انقلاب به خواست‌ها و تفکرات یک گروه خاص از انقلابیون که معمولاً در فقدان رهبر اصلی و دعاوی جانشینی وی رخ می‌دهد. در خیلی از موارد گروه‌ها یا افرادی که پس از درگذشت رهبر اصلی انقلاب به قدرت می‌رسند برای حذف رقبای خود آنها را متهم به خروج از صف انقلابیون می‌نمایند. نمونه بارز این رخداد را در انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی سابق می‌توان مشاهده کرد. پس از درگذشت لنین، استالین به قدرت می‌رسد و شروع به حذف رقبای خود از جمله تروتسکی، که بصورت بالقوه امکان جانشینی لنین را داشتند می‌نماید در همه این اتفاقات برچسب‌های ضد انقلاب بودن و یا تجدید نظر طلب بودن مورد استفاده قرار گرفته است.

**۳** در برخی موارد محتوای تفکرات انقلابی بدون آنکه ظاهر آنها تغییر یابد در جهت تفکرات گروه حاکم دچار تحول می‌شود. این اتفاق هم وفاداران به مفاهیم اولیه را به صفوف ضد انقلاب می‌راند. مانند آنچه در چین پس از مائو، آلبانی انورخواجه، رومانی چائوشسکو،

# نگاهی به لایحه بودجه ۱۴۰۰



دکتر حسن امین‌لو

**۱ هزینه:** عبارت است از هر پولی که به صورت روزمره برای تأمین مایحتاج زندگی از جمله خوراک، پوشاک، بهداشت، تحصیل فرزندان، تفریحات و از این قبیل مصرف می‌شود.

**۲ خرید دارایی‌های سرمایه‌ای** مانند ملک و خودرو و نظایر آن (اصطلاح علمی این مورد «تملك دارایی‌های سرمایه‌ای» است. بنابراین در لایحه یا قانون بودجه این عبارت را خواهید دید).

**۳ باز پرداخت وام** (اصطلاح علمی این مورد، «واگذاری دارایی‌های مالی» است. بنابراین در لایحه یا قانون بودجه این عبارت را خواهید دید).

**نکته پنجم:** وضعیت اقتصادی خانوار یا کشور ۳ حالت دارد:

**۱** در یک اقتصاد شکوفا در آمد {یعنی مورد ۱ منابع} از هزینه {یعنی مورد ۱ مصارف} بیشتر است؛ بدیهی است مازاد آن تبدیل به خرید ملک یا سرمایه پایدار دیگر شده و تبدیل به پس انداز {مورد ۲ مصارف} می‌شود. اگر ملکی هم فروخته شود ملک دیگری با ارزش بیشتر از آن ملک خریداری می‌شود و اگر وام هم گرفته شود؛ تبدیل به ملک یا سرمایه پایدار دیگر می‌شود.

**۲** در اقتصاد متعادل یا سر به سر، در آمد {یعنی مورد ۱ منابع} با هزینه {یعنی مورد ۱ مصارف} برابر است اگر ملکی هم فروخته شود معادل آن تبدیل به خرید ملک یا سرمایه پایدار دیگر شده و تبدیل به پس انداز {مورد ۲ مصارف} می‌شود. و اگر وام گرفته شود ما به ازای آن ملک یا کالای سرمایه‌ای دیگر خریداری می‌گردد.

**۳** در اقتصاد بد، در آمد {یعنی مورد ۱ منابع} از هزینه {یعنی مورد ۱ مصارف} کمتر می‌باشد در این حالت شکافی بین درآمد و هزینه وجود دارد و هر چه نسبت این شکاف به میزان درآمد بیشتر باشد وضعیت بدتر است. در این حالت برای جبران کسری از موارد (۲) و (۳) مصارف استفاده می‌شود یعنی ملک فروخته می‌شود یا بدتر از آن وام گرفته می‌شود.

حالات سه گانه فوق را با بودجه کشور منطبق می‌کنیم.

این روزها اصلی ترین دستور کار دولت و مجلس شورای اسلامی بحث و بررسی لایحه بودجه است. شاید خیلی‌ها علاقه مندند که در جریان این بحث‌ها قرار گیرند اما چون موضوع تخصصی است و اصطلاحاتی به کار برده می‌شود که احتمالاً مفاهیم و مصادیق آن برای اکثریت نامشخص است، تصمیم گرفتم تا جایی که میسر است موضوع با زبان ساده تر بیان شود. بودجه کشور نیز مانند بودجه یک خانوار است فقط تفاوت آن در مقیاس و اندازه آن است. بنابراین برای این که موضوع ساده باشد در رابطه با بودجه خانوار و کاربرد مفاهیم آن در بوجه کشور مطالبی می‌نویسم.

**نکته اول:** کلیه پولها یا شبه پول‌هایی که در طی یک سال، به دست خانوار می‌رسد، به آن منابع می‌گویند.

**نکته دوم:** کلیه پولها یا شبه پول‌های که در طی یک سال، خانوار از دست می‌دهد به آن مصارف می‌گویند.

**تبصره:** اکثر مردم حتی گاهی برخی از متخصصین به جای منابع و مصارف اصطلاحات درآمد و هزینه را به کار می‌برند که اشتباه می‌باشد. چون طبق توضیحاتی که ذیلاً می‌آید؛ درآمد و هزینه جزئی از منابع و مصارف می‌باشد نه کل آن.

**نکته سوم:** منابع هر خانوار از سه محل به دست می‌آید:

**۱ درآمد:** عبارت است از هر پولی است که از طریق کار کردن، تجارت، سود بانکی، مستمری بگیری، درآمد مستغلات و نظایر آن به دست می‌آید.

**۲ فروش دارایی‌های سرمایه‌ای** مانند ملک و خودرو و نظایر آن (اصطلاح علمی این مورد، «واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای» است بنابراین در لایحه یا قانون بودجه این عبارت را خواهید دید).

**۳ دریافت وام** (اصطلاح علمی این مورد «تملك دارایی‌های مالی» است. بنابراین در لایحه یا قانون بودجه این عبارت را خواهید دید).

**نکته چهارم:** مصارف هر خانوار در سه محل می‌باشد: هرگونه پولی از دست برود در یکی از این سه عنوان طبقه بندی می‌شود.

## منابع و مصارف سال ۱۳۹۹ (ارقام هزار میلیارد ریال)

ردیف	عنوان منابع	رقم منابع	عنوان مصارف	رقم مصارف	تراز
۱	درآمد	۲۸۸۸	هزینه	۴۰۰۰	- ۱۱۱۲
۲	واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	۱۰۷۵	تملك دارایی‌های سرمایه‌ای	۸۲۰	+ ۲۵۵
۳	واگذاری دارایی‌های مالی	۱۳۲۷	تملك دارایی‌های مالی	۴۷۰	+ ۸۵۷
	جمع منابع	۵۲۹۰	جمع مصارف	۵۲۹۰	۰

## منابع و مصارف سال ۱۴۰۰ (ارقام هزار میلیارد ریال)

ردیف	عنوان منابع	رقم منابع	عنوان مصارف	رقم مصارف	تراز
۱	درآمد	۳۱۷۶	هزینه	۶۳۷۰	- ۳۱۹۴
۲	واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	۲۲۵۳	تملك دارایی‌های سرمایه‌ای	۱۰۴۰	+ ۱۲۱۳
۳	واگذاری دارایی‌های مالی	۲۹۸۴	تملك دارایی‌های مالی	۱۰۰۳	+ ۱۹۸۱
	جمع منابع	۸۴۱۳	جمع مصارف	۸۴۱۳	۰

البته در این سال‌ها از هر سه روش استفاده شده است مسلماً در سال ۱۴۰۰ نیز اینگونه خواهد بود.

**سؤال دوم:** چاره حل مشکل چیست؟

**جواب:** حل مشکل دو راه بیشتر ندارد:

**۱ افزایش منابع از طریق افزایش درآمد:** افزایش درآمد از طریق افزایش تولید میسر است باید بدین منظور برای سرمایه‌داران داخلی و خارجی تسهیلاتی باید فراهم شود تا سرمایه‌های خود را از دلالتی و معاملات کاذب به طرف تولید بیاورند در نتیجه با توسعه تولید و افزایش درآمد، مالیات می‌دهند و پیرو آن درآمدهای دولت { یعنی ردیف ۱ جدول منابع } افزایش می‌یابد و شکاف مزبور پر می‌گردد. هم چنین تسهیلاتی برای سرمایه‌گذاری کشورهای خارجی فراهم شود تا زمینه اشتغال فراهم شود. اگر وضع اقتصاد بهبود یابد و درآمد و هزینه‌ها برابر شود بدیهی است که ارقام مربوط به ردیف‌های دوم و سوم جداول فوق به عوض این که ناگزیر برای جبران کسری هزینه‌ها به کار رود؛ توسط دولت در توسعه کشور و سرمایه‌گذاری‌های مولد هزینه می‌گردد و به تبع آن تولید ناخالص ملی بالا می‌رود و پیرو آن درآمد سرانه افزایش پیدا می‌کند. یعنی رفاه بیشتر می‌گردد.

**۲ کاهش مصارف از طریق کاهش هزینه‌ها:** کاهش هزینه‌ها از طریق افزایش بهره‌وری میسر است و آن نیز از طریق انضباط مالی و کاهش هزینه‌های اضافی و ریخت و پاش‌های بی‌مورد و ..... قابل حصول است.

چون دخلت نیست خرج آهسته تر کن

که می‌گویند ملاحظان سرودی

اگر باران به کوهستان نبارد

به سالی دجله گردد خشک رودی

به امید اصلاح ساختار بودجه.

۲۴ آذر ۱۳۹۹

با ملاحظه مطالب فوق به اعداد و ارقامی که در دو جدول منابع و مصارف قانون بودجه سال ۱۳۹۹ و لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ مندرج در جدول فوق وجود دارد نظری می‌افکنیم.

ملاحظه می‌شود در ردیف یک جدول منابع، رقم در آمد برای سال ۱۳۹۹ معادل ۲۸۸۸ و در ردیف یک جدول مصارف، رقم هزینه معادل ۴۰۰۰ می‌باشد بنابراین رقم درآمد ۱۱۱۲ واحد از رقم هزینه کمتر است یعنی شکافی معادل ۱۱۱۲ هزار میلیارد ریال بین هزینه‌ها و درآمدها وجود دارد. اگر متناظر این ارقام را در لایحه ۱۴۰۰ در همان تصاویر منابع و مصارف بنگریم رقم درآمد ۳۱۷۶ و رقم هزینه ۶۳۷۰ می‌باشد.

تفاضل این دو رقم معادل ۳۱۹۴ می‌باشد یعنی شکاف درآمد و هزینه معادل ۳۱۹۴ هزار میلیارد ریال می‌باشد. مفهوم این ارقام این است که وضعیت اقتصاد در بودجه سال ۱۳۹۹ بد بود و در بودجه سال ۱۴۰۰ به علت افزایش شکاف، وضعیت بدتر شده است.

**در اینجا دو سؤال مقدر است.**

**سؤال اول:** شکاف درآمد و هزینه چگونه پر می‌شود؟

**جواب:** برای پر کردن شکاف سه حالت وجود دارد:

**۱ فروش دارایی‌های سرمایه‌ای یعنی استفاده از ردیف**

**۲ جدول منابع:** دارایی‌های سرمایه‌ای نیز عمدتاً فروش نفت و گاز و معادن است که جزو انفعال می‌باشند. یعنی استفاده از سرمایه بین نسلی برای تأمین هزینه‌های نسل حاضر. گرچه این پدیده ناگزیر است ولی خلاف عدالت است که نسل حاضر سرمایه‌های آیندگان را می‌خورد.

**۲ اخذ وام یعنی استفاده از ردیف ۳ منابع:** وام هم پیش

خوری از بودجه‌های سال‌های آتی است. در این صورت سال‌های آتی مشکلشان مضاعف می‌شود.

**۳ چاپ پول:** آن هم باعث افزایش نقدینگی و افزایش تورم

می‌شود.





## مروری بر زندگی و اشعار معجز



مجتبی کاویان

شانزده ساله بود که برای کسب و کار روانه ی غربت شد و با درد و رنج فراق میهن و خانواده آشنا گردید. آن زمان به دلیل مدیریت اسفبار کشورداری حاکمان نالایق هزاران تن از سرپرستان خانواده در بهترین زمان عمر و زندگی ترک خانمان نموده و برای کسب قوت لایموتی راهی دیار غربت می شدند که به دلیل تحمل سختی های طاقت فرسا دچار بیماریهای روانی می گردیدند، اینها را با گوشت و پوست خود لمس و اشعار ماندگاری از خود به یادگار گذارد:

چون یئتیشدیم وطنه آچما دهانین دئدیله  
دینمه ، دانیشما ترپتمه زبانین دئدیله  
قوی بئش اون توک چنه وه اوخشات اؤزون شیعه لره  
گده قیرخدیله باشیوی، چکمه دابانین دئدیله  
مسجده وارد اولان وقتده کرنوش ائيله  
وئر سلام، اؤپ گيله دستارین آغانین دئدیله  
دؤشدؤ دالیمجا بئش -اون دانه دیلنچی هرگون  
وئر گؤرک همشهری حقین فقرانین دئدیله  
دئدیم ائی وای، نه چوخدور فقراسی بو یئرین  
وار شبسترده فایبرقاسی گدانین دئدیله  
نویسنده و شاعر آلمانی برتولت برشت می گوید:  
آیندگان که در مورد ما قضاوت خواهد کرد، شرایط  
دشواری را که ما دچار بودیم، در نظر داشته باشند.  
معجز دقیقاً این شرایط را به نظم کشیده:  
نه تار وار، نه کمانچا، نه دف شبسترده  
آماندیر ائیلمه عؤمرون تلف شبسترده  
نه اوز گولر، نه کؤنول شاد اولار، نه گؤز روشن  
سونوب چیراق-سرور و شعف شبسترده

شبستر اهلینه کافر ده اولماسین آرواد  
نه خئیری وار بیزه اسم - بی مسمانین  
اون ایل گئدر، گلر اون گون قالار ولایتده  
نه ائيله وصلین اولئیدی نه بئيله هیجرانین  
وطن دن ال چکیپ ائی یار گئتمه ییم نئیلیم  
بویور گؤروم گذرانیهانی بو ویرانین؟  
یقین بیلین کی، قدم باسماز اؤزگه توپراغه  
وطنده خوش کئچه گر روزگاری انسانین  
سویوقدا قوربته گئتمک چتین دیر اؤلمک دن  
نه برک جانی وار الله بو خلق- ایرانین  
نه شاه شاد، نه درویش سنده ائی ایران  
نه امن وار، نه تجارت، نه شرع، نه قانون  
در استانبول با فعالیت در یک فروشگاه لوازم تحریر و کتاب  
فروشی و مطالعه کتب و مجلات و مشاهده امور از نزدیک  
توانست سطح معلومات خود را بالا برده و جهان بینی اش  
تغییر کند. بعد از ۱۶ سال یعنی در ۳۲ سالگی حدود سال ۸۴  
و ۸۳ شمسی به وطن باز می گردد. ولی وطن چه وطنی  
تیره و تار! بدبختی و فلاکت و خرافات از در و دیوار می بارد.

جرمومو ثابت ائدین، بیرجه گواهیله منیم  
 نه طلاقیله ایشیم وار، نه نکاهیله منیم  
 قیزی حاضرا ئدیب مجلسه دیندیرمه میشم  
 ائی شبسترلی داداشلار سیزه من نئیله میشم  
 من فیلانکس دئیلم صیغه مه ایراد ائده سن  
 گئت کین کسمه - دئییه، اوستومه فریاد ائده سن  
 بیخاسان خالقین ائوین، اؤز ائوین آباد ائده سن  
 من هله هیچ کسین قلیینی سیندیرمامیشام  
 ائی شبسترلی داداشلار سیزه من نئیله میشم  
 ائی عمو چک قیلیجین ائیله مربایه هجوم  
 شیربرنجه، خامایا، هم قارا دولمایه هجوم  
 بی جهت ائیلمه چوخ معجز شیدایه هجوم

من مگر ایله بش اون یول سیزی گولدورمه میشم؟!  
 او با زبان خود مردم به آنها ثابت می‌کند که  
 نباید به او تهمت بزنند. معجز می‌دانست روشنگری  
 و تاثیر در اخلاق و رفتار مردم نه کاریست خرد  
 !سالها پشتکار و مقاومت و ممارست نیاز دارد. با اراده  
 و ایمان قوی و خستگی ناپذیر وارد میدان می‌شود  
 و همچون مصلح اجتماع سی سال شب و روز  
 می‌نویسد و با شم تیز و نبوغ خود تمام مسائل  
 مبتلا به زمان را به قلم می‌کشد؛ طوری که هنوز  
 هم ماندگار است. مثل لزوم تحصیل جوانان، حقوق  
 زنان، حق اشتغال، ازدواج، مسائل بهداشتی، کمک  
 به هممنوع، وظایف حکمرانان و غیره را موشکافانه  
 بیان نموده و مطلبی ناگفته نگذاشته است. ولی  
 جای سوال است که چرا معجز وارد مشروطه  
 نگردیده است؟! در آن زمان که تشکیل خانواده داده  
 و اتفاقاً خانمشان اهل محله تبریز نیز بود، مصادف  
 است با قیام عظیم عدالت خواهانه مردم ایران که  
 کانونش تبریز می‌باشد. نقش آذربایجان در جنبش  
 مشروطه اساسی است. انجمن تبریز قدم به قدم  
 محمد علی شاه را وادار به عقب نشینی کرد. تا  
 این که متمم قانون اساسی را امضا نمود. و سرانجام  
 که توسط قزاقان روس مجلس را به توپ بست. این  
 مجاهدین آذربایجان بودند که در پشت بام مجلس  
 سنگر گرفته و دفاع می‌کردند. و زمانی که به قول  
 خودش مشروطه را از ایران برچید، این تبریز بود  
 که به رهبری گرد آذری ستارخان با مقاومت ۱۱  
 ماهه فوق طاقت انسانی در مقابل دو دولت داخلی  
 و خارجی و سه خان یاغی، که نیروهای هر کدام  
 به اندازه دولت بود، توانست مشروطه را به ایران

بیرسی ساقالا ایراد ائدر، بیرری بوغووا  
 هزار درده اولارسان هدف شبسترده  
 خدانکرده، باشیندا اگر اولا کاکول  
 یولار آخوند اونو مثل - علف شبسترده  
 جهنم اهلی کیمی، کارین آه و زار اولاجاق  
 بوغازیو سالاجاق غم قنف شبسترده  
 انسان آگاهی از استانبول وارد شبستر می‌شود. چه  
 حالی پیدا می‌کند؟ می‌تواند بماند؟ یا به قول  
 معجز  
 او نمی‌خواهد فقط گلیم خود را از آب بیرون بکشد  
 بلکه می‌خواهد با روشنگری‌های خود و تشویق  
 مردم به تحصیل علم و کمالات مردم را به حقوق  
 خود و حاکمان را به وظایف شان در قبال ملت آگاه  
 می‌سازد. او نیمه دوم عمر خود را شب و روز صرف  
 این هدف مقدس نمود.  
 مسئله مهم باسواد شدن مردم است حسن رشديه  
 پدر علوم جدید می‌گوید: می‌خواست پدرم مرا  
 برای تحصیل علوم دینی به مصر بفرستد، روزنامه  
 دستم افتاد و دیدم آمار داده: در کشورهای پیشرفته  
 ۱۰ درصد مردم بی سواد و در کشورهای عقب مانده،  
 ده درصد مردم باسواد وجود دارد. تصمیمم عوض  
 شد. رفتم دنبال علوم جدید تا آنها را در میهن خود  
 معجز درست این کار را کرد. ده‌ها پیاده نمایم.  
 شعر و هزاران دلیل و منطق آورد تا جوانان را به  
 تحصیل علم راغب کند. تشویق جوانان به خصوص  
 دختران به باسواد شدن، آن زمان گناه محسوب  
 می‌شد. (معما چو حل گشت آسان شود). حالا  
 فرزندان تکفیر چی‌ها در داخل و خارج مشغول  
 تحصیل علومند ولی آن زمان این گونه نبود، تیر  
 تهمت و تکفیر به سوی معجز روانه شد. شبسترها  
 به دلیل ارتباط با خارج آگاه بودند؛ ولی عده ای  
 بیسواد ساده لوح آن تهمت‌ها را باور می‌نمودند.  
 معجز به آنها می‌گوید:

باشیما زلف قویوب، ساقالی قیرخدیرمامیشام  
 خلقدن رشوت آلیب، کیسه می‌دولدورمامیشام  
 جدیزین وقف سویون ملکومه آچدیرمامیشام  
 ائی شبسترلی داداشلار سیزه من نیله میشم؟  
 گوروسوز من نه اژانم نه قازاق ائی کیشیلر  
 پانتولون گئیمه میشم بوغلاریمی بورمامیشام\*  
 ائی شبسترلی داداشلار سیزه من نئیله میشم  
 کفرومه حکم ائلیسیز\*، هانسی گناهیله منیم؟!\*

برگرداند.

مادران شبها از گیاهان حکم آباد می‌آوردند و برای فرزندان خود دمنوش درست می‌کردند، تا از گرسنگی نمیرند و در سنگرها مقاومت کنند.

علامه قزوینی که آن زمان در پاریس تحصیل می‌کرد، می‌گوید: روزنامه‌های پاریس عکس بزرگ ستارخان را در صفحه اول خود چاپ می‌کردند و من با افتخار می‌خریدم و به مردم پاریس می‌فروختم. خواسته‌های مشروطه خواهان آن اهل تبریز همان عصاره نظریات معجز بود و اراده آنان آن در مبارزه و ایستادگی چشم جهانیان را پیر نموده بود، چرا اشعاری از معجز نیست؟ در دو قدمی تبریز!

اینجا دو نظر مطرح شده:

اولی از جانب پروفیسور زهتابی که ایشان معتقدند به دلیل کم التفاتی دست اندرکاران مشروطه به زبان محلی معجز به مسئله بی توجه شده است

از طرفی آقای نقابی محقق عالیقدر که نکته به نکته در زندگی و آثار معجز کندوکاو نموده معتقدند معجز به دلیل تمایل به تمامیت ارضی کشور به جنبش‌های محلی به دیده تردید می‌نگریست.

در رابطه با نظر اول مستندی ارائه نشده ولی با بررسی نشریات آن زمان مشاهده می‌کنیم که نه تنها انجمنی به زبان محلی نبود بلکه به تهران فشار آوردند نشریاتی را که به زبان ترکی از باکو میامد و محمدعلی شاه دستور داده بود در پستخانه توقیف کنند، آنها را آزادانه در تبریز توزیع نمایند. روزنامه معروف آذربایجان به مسئولیت میرزا علی قلی نصف صفحاتش به زبان ترکی بود آقای عدالت نشریه آنا دلی را منتشر و روزنامه ملا عمی که به زبانی محلی بودند منتها علی رغم انتظار روشنفکران اینها را باسوادها می‌خواندند و بیسوادها راحت تر و زودتر به خاطر می‌سپردند. آنگونه نشد و استقبال لازم از نشریات محلی به عمل نیامد و بعد از چند شماره متوقف شدند.

حتی از ژورنالیست‌های برجسته ایران سید محمد شبستری معروف به ابو ضیا مدیرمسئول روزنامه مجاهد اینها همه هم همفکران معجز بودند. اما در مورد نظر دوم نیز بیتی به عنوان شاهد ارائه شده:

**دلگیرمیسن مگر مجاهدلردن**

**تنگ حوصله سن یالانچی شاهدلردن!؟**

**یاز بیر ایکی کلمه یوللا قاصدلردن**

**خلقدن نیه خوف ائدیب میزیدیرسان سن**

این شعر هم نمی‌رساند که معجز نسبت به مشروطه بدبین بوده. از طرفی مجاهدین گروه یکدست نبودند. به قول شهریار:

**بیر عده مجاهددی بو میداندا مسلم**

**بیر عده ده شیطان دی کی میدان آلیر ایندی**

جنبش مشروطه محلی نبوده و به تمامیت ارضی کشور پایبند. این عکس این محمدعلی شاه بود که به سرسپردگی روس استقلال ایران رابه خطر می‌انداخت. پس چرا معجز با این نشریات که دقیقاً نظرات وی را منتشر می‌کردند و مسئولین آن بارها به فلک بسته شده و مثل سید محمد شبستری بارها مضروب و مجروح گردید همکاری نکرده؟

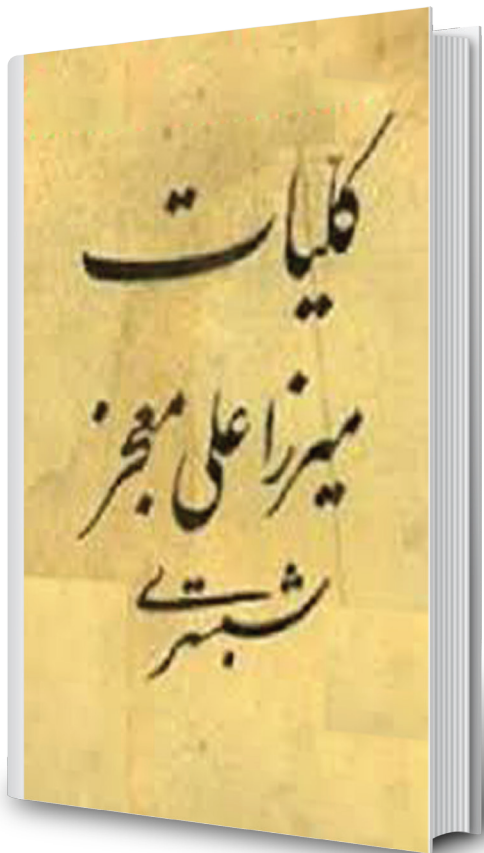
تنها دلیلی که مانده این است که معجز نتوانسته با آنها ارتباط برقرار نماید و اطلاعات و اخبار موثقی نداشته. اوایل معجز تازه از راه رسیده، با گروه‌ها و محافل آشنایی نداشت. بعد هم که راه‌ها شدید نامن گردید و تبریز از ۴ طرف در محاصره قرار گرفت. از شرق توسط نیروهای نظامی اعزامی محمدعلی شاه، از شمال حاج رحیم خان چلبیانلو (شاهسونها) ، از جنوب حاج صمدخان مراغه‌ای شجاع الدوله ، از غرب شجاع نظام مرندی و سالدات‌های روسی آنچنان تبریز را به محاصره در آورده بودند که هیچ گونه مواد غذایی به تبریز نمی‌رسید.

در چنین شرایطی هیچ گونه اطلاعات و اخبار موثق نیز به بیرون درز نمی‌کرد. فقط خط تلگراف کنسول خانه‌ها دایر بود. اخبار تبریز به خارج زودتر از تهران می‌رسید تا روسها اخباری را که خود می‌خواهند بفرستند. حتی تهران فریادهای دادخواهانه والی خود را در مورد فجایع روس‌ها باور نمی‌کرد.

بعدها هم که راه‌ها توسط سردار سپه کمی امن شد ، اخبار توسط مامورین وی انتشار می‌یافت. در مسئله گیلان به قدری اخبار نادرست توسط تیمورتاش و ... ارسال می‌شود که معجز در شعری میرزا کوچک خان را در ردیف خانهای چپاولگر و ارتجاعی آذربایجان قرار می‌دهد.

این همه می‌رساند که معجز در قصبه شبستر حصر بوده و هیچ گونه اطلاعاتی از جریانات سیاسی





نداشته این است که در اشعار وی جای ستارخان‌ها حتی خیابانی و ... خالیست.

ولی صابر و جعفر خامنه‌ای و نسیم شمال این خلا را پر نموده‌اند.

اینجا قسمتی از اشعار مناظره مانندی که صابر به تبریز می‌نویسد و تبریز پاسخ می‌دهد می‌آورم.

جریان این گونه بود که بعد از استقرار مشروطه می‌خواهند اتابک اعظم (امین السلطان) را که از آن ضد مشروطه‌چی‌های درجه یک بود و قبل از مشروطه صدر اعظم بود دوباره به سمت رئیس‌الوزرا وارد حکومت کنند.

تبریز می‌گوید ما نمی‌گذاریم او رئیس‌الوزرا گردد ولی آمد و شد. صابر به تبریز طعنه می‌زند:

هئی دئی گوروم نه اولدو بس آی بالا او دعالرین

تو تموش ایدی یئری، گوئیو، ناله لرین نوا لرین

یوخسا قانیلار عیبوی، بوشلامیسان ادالرین

ایندی حریف سیز همان من دئی ن اولدو، اولمادی؟

شعر بلندی پر از طعنه و طنز به تبریزی‌ها ولی همین زمان یک جوان تبریزی به نام عباس صراف در تهران اتابک را ترور می‌کند (اولین ترورهای سیاسی). این بار تبریز در آذربایجان به صابر پاسخ می‌دهد

هئی گورورسن یئرینده دیر بیر به بیر ادعامیزی

ناللا دیلار اتابکی، یاتدی بو نشئه دن سسی

گور نئجه مستجاب اذدیب تاری بیزیم دعامیزی

ایندی نئجه اولدو ملا عمی من دئی ن

اولدو، اولمادی؟ (ملا عمی= صابر)

دوباره صابر در ملا نصرالدین پاسخ می‌دهد:

قتل ائله دیز اتابکی من کی، او امری دانمیرام

وار گینه مین اتابکیز یوخسا عملی قانمیرام

کهنه قاچی\* بو تئزلیگه تازه لشه اینانمیرم

دینمه دانیشما یات بالام، سن دئی ن اولماییب هله

باز تبریز جواب می‌دهد:

گر اولاییم آخوش داماق، ساکن کوی ملک ری

ممکن اولورمو بو یولو بیردن ائدک تمام طی؟

تورکی دئییر، یاواش یاواش! لفظ عرب، شوی شوی

سنده کی یوخدو حوصله دینمه دانیشما صبر ایله

اینها همه شعرهای بلندی بود که صابر در

ملا نصرالدین باکو می‌نوشت و به تبریز می‌آمد و در

آذربایجان پاسخ می‌دادند.

واقعا جای اشعار معجز خالی. این شعرها را مردم با

شور و اشتیاق می‌خواندند.

اگر سید میر شبستری یا میرزا علی قلی معجز را می‌شناختند، اشعار دلچسب او را آذین بند روزنامه‌های خود می‌کردند.

شعر دیگری هست از جعفر خامنه‌ای از اولین‌های شعر نو که اشعارش به زبان ترکی و فارسی در کوچه و بازار و سنگرهای آزادیخواهان خوانده می‌شد.

من ای خدا بتو نالم ز زاهدان ریایی

که عالمی بفریبند با قبا و ردایی

بگاہ موعظه آزار مور را نپسندند

به قتل و غارت شهری کنند حکمروایی

بیا که خون شده جاری به جای آب به تبریز

به حکم شاه و به فتوای چند شیخ کذایی...

\* (معیار مذهبی بودن)

\* ائله بیرسینیز

\* کؤهنه قاچار

# ترک‌های سفید، فارس‌های سفید



نادر صدیقی

## تماشای جنگ قره‌باغ از مرز خداآفرین ایران

۱) آنچه اردوغان در باکو گفت «خاک آذربایجان به آب رودخانه «ترترچای» که سال‌ها در حسرت آن بود ملحق شد. مه فراز کوه‌های شوشا دیگر دردمند نیست. گل «خاری بلبل»

دیگر محبوس نیست [و] درخشان‌تر از سالهای اشغال شهر شوشا خواهد شکفت. ارس ترانه مردمی خود را قوی‌تر از دوران اشغال فریاد خواهد زد. ارس را جدا کردند، پر از شن و میل کردند؛ من از تو جدا نمی‌شدم. به زور جدا کردند، آی لاجین، جان لاجین، من سنه قربان لاجین، فدایت شوم لاجین»

۲) آنچه ظریف از متن مذکور شنید: «به اردوغان نگفته بودند شعری که به غلط در باکو خواند مربوط به جدایی قهری مناطق شمالی ارس از سرزمین مادری‌شان ایران است؟ آیا او نفهمید که علیه حاکمیت جمهوری آذربایجان سخن گفته است؟ هیچکس نمی‌تواند درباره آذربایجان عزیز ما صحبت کند.»  
\*\*\*میان متن نخست، یعنی آنچه

اردوغان واقعا گفت و متن دوم یعنی آنچه که ظریف واقعا شنید یک گسست واضح وجود دارد. چگونه می‌توان از دل سخن اردوغان ادعای ارضی بر ضد کشورمان و همزمان نقض استقلال حاکمیت جمهوری آذربایجان را نتیجه گرفت. اگر کسی علیه آذربایجان عزیز ما سخن گفت باید توی دهن او زد اما آیا واقعا اردوغان آن را گفت؟ اردوغان مگر چه چیزی در سخنرانی مذکور علیه آذربایجان عزیز ما گفت که به او بگوییم «هیچ کس نمی‌تواند درباره آذربایجان عزیز ما صحبت کند»؟

به هر ترتیب، کار به آنجا رسید که مقامات ترکیه سعی کردند توضیح بدهند که برای فهم یک متن باید جملات پس و پیش آن را کنار هم نهاد. آنها توضیح دادند که اردوغان هیچ اسمی از ایران و آذربایجان نیاورده، و نه به صراحت «و نه حتی به طور ایما و اشاره» چنین حرفی زده است.

یعنی خودمان در همان لحظه سخنرانی نمی‌توانستیم این چیزها

قرائت تک‌هویتی  
از هویت ملی اما  
چندآوایی را بر نمی‌تابد.  
از ورای عینکی که  
قرائت تک‌هویتی و  
سلبی از هویت ملی به  
دست می‌دهد نمی‌توان  
قفقاز را دید و به‌طور  
کلی سیمای همسایه  
را به تماشا نشست، با  
او چهره به چهره شد و  
قصه رنج‌های آوارگی‌اش  
را شنید.

یکدیگر می‌چسباند:

«ارس را جدا کردند، پر از شن و میل کردند؛ من از تو جدا نمی‌شدم. به زور جدا کردند، آی لاجین، جان لاجین، من سنه قربان لاجین، فدایت شوم لاجین» (این لحظه ای است که اردوغان به هنگام قرائت «فدایت شوم لاجین» به حرمت این شهر آزاد شده دست به سینه می‌شود)

خوشحالی مردم آذربایجان بعد از پیروزی، که ارتش آذربایجان توانست مناطق اشغالی را از دست حکومت خودخوانده جدائی خواهان ارمنی مورد حمایت ارمنستان آزاد نماید.

آن دو ترانه بارها در تهران و تبریز و دیگر شهرهای ایران اجرا شده‌اند. نخستین بار رشید بهبودف خواننده شهیر جمهوری آذربایجان در سال ۱۳۴۲ «آی لاجین» را در تهران اجرا می‌کند:

**آراز آخیر لی لی ایله، (ارس جاری است با گل و لای)**  
**دسته دسته گلی ایله (با دسته دسته گل‌های خود)**  
**آی لاجین جان لاجین من سنه قربان لاجین**

**ترک‌های سفید، فارس‌های سفید**  
«ترک‌های سفید» و «بیاض تور کلر» مفهومی است که در ترکیه توسط نیلوفر گوله جامعه‌شناس ترک برای توصیف واقعیتی جامعه‌شناختی و قشری تقریباً ۶ میلیونی به کار رفته که خود را طبقه ممتاز لائیک «مترقی» محسوب کرده اما ویژگی عمده آنان «دیگر سازی» بقیه قشرهای جامعه به خصوص دیگر سازی کردها و اسلامگرایان است. در ایران البته برخلاف ادعای پان‌ترک‌ها و تجزیه‌طلبان قوم خاصی به نام «فارس‌ها» نداریم؛ همه به‌طور مساوی شهروند ایران هستند، واقعیتی چند زبانی داریم که قانون اساسی حق تدریس همه آن زبان‌ها را به رسمیت شناخته و در کنار آن پدیده‌ای جامعه‌شناختی داریم که می‌توان آن را به تفکیک از فارس‌ها یا ترک‌ها، آن را «فارس‌های سفید» نامید. چیزی مشابه

را بفهمیم و لازم بود آن همه تنش‌زایی شود تا مقام کشور همسایه به ما بگوید خود متن را بخوانید و پیوند جملات را در نظر بگیرید؟ نمی‌شد قبل از هر چیز خود متن را ترجمه کرد و خواند و دید که اردوغان از همان ابتدا سخن از آزادی قره‌باغ و شهرهای قره‌باغ به میان آورده و تغزل آزادی منطقه اشغالی از کوه‌های شوشا تا ساحل ارس را می‌سراید و خواننده‌های آن شهر را (او اسامی «جبار»، «خان»، و «سید» یعنی سه خواننده شهیر و شامخ شوشا را ذکر می‌کند و بعد به ترانه‌های لاجین و ارس می‌رسد)، ترانه‌های آن کوه‌ها (ترانه «شوشانین داغلاری» که اشاره به مه فراز شوشا دارد) و ترانه شهر لاجین (آی لاجین) و ترانه ارس را به صدا در می‌آورد؟

هر شهری که آزاد شده ترانه‌ای دارد که در متون موسیقایی به آن فولکلور یعنی ترانه مردمی می‌گویند؛ ترانه‌هایی که خیلی قدیمی است و گاه عمری صد ساله و دویست ساله دارد، مثل ترانه «ارس را جدا کردند» که اردوغان وصل به ترانه لاجین کرد و سراینده آن ترانه خود مردم بودند، زمزمه‌ای است که مردم در عروسی و گاه حتی در عزا بر لب دارند.

اردوغان از همان ابتدا با توسل به شعری از مرحوم بختیار وهاب‌زاده، شاعر ملی جمهوری آذربایجان اثبات تعلق قره‌باغ به صاحبان رانده شده به قهر و خشونت و اشغالگری را با نام «قره باغ» و با ترانه‌های «قره باغی» پیوند زد. شعری که از بختیار وهاب‌زاده خواند:

هاردان سنین اولدو بیزیم قره باغ؟ (از کجا مال تو شد قره باغ ما؟)

آدی صاحبینی دمیر می‌آشکار؟ (اسمش صاحبش را نمی‌گوید آشکار؟)

اردوغان در آخرین منزلگاه جغرافیای اشغال، ترانه رود اشغال شده ارس را با ترانه شهر اشغال شده لاجین درهم می‌آمیزد. ترانه ارس و ترانه لاجین دو ترانه مستقل و جدا از یکدیگر هستند اما اردوغان شعری از ترانه لاجین و شعری از ترانه ارس را می‌گیرد و در دل یک منظومه واحد آزادی سرزمینی به

**فارس‌های سفید**  
**به خصوص حساسیت**  
**زیادی بر علیه اصل ۱۵**  
**قانون اساسی و ابرانیت**  
**تعریف شده در قانون**  
**اساسی و به خصوص**  
**اصول مکتوب این قانون**  
**درباره پیوند ملت-امت**  
**دارند و بر این باورند که**  
**باید از ایران در مقابل**  
**آنچه که آنها «مخاطرات**  
**قانونی اساسی»**  
**محسوب می‌کنند**  
**دفاع کرد. جماعت**  
**فارس‌های سفید بر**  
**مبنای درک تک‌هویتی**  
**از هویت ملی، هویت**  
**ترکیبی «جمهوری**  
**اسلامی ایران» را به**  
**علت ترکیب‌بندی میان**  
**جمهوریت و اسلامیت**  
**بر نمی‌تابند و خواهان**  
**گذار از هویت سه‌وجهی**  
**جمهوری اسلامی به**  
**هویتی آریا پرستانه**  
**و یا تک‌هویتی‌گری**  
**ایران‌شاهی-ایران‌شهری**  
**هستند...**



ترانه‌سرایی رهایی از اشغال و آوارگی مسلمانان آن سوی ارس را سرقت کند و خشونت و پرخاشگری را به جای شعر و غزل بنشانند. آیا این تصادفی بود که دو نوع خاص و ناهمگن از ناسیونال فاشیسم پان ترکیستی و ناسیونال فاشیسم «فارس‌های سفید» دست به دست هم داده و به شیوه‌های تصویرپردازانه یکسان سخن اردوغان را از منظومه اصلی آن جراحی کردند، فیلم را تقطیع کردند در کانال‌های خود کار کردند تا آب زلال ارس را گل کنند و هرکدام بر مبنای یک تقسیم کار اعلام نشده ماهی‌های تفرقه و کین و نفرت را از آن آب گل‌آلود صید کنند؟

اکنون که آن هیاهو به یمن توضیحات روشن‌گرانه و اعتدالی رئیس‌جمهور جای خود را به تعقل سپرده آیا هنگام آن فرانسیده که در تجانس ساختاری دو نوع تجزیه‌طلبی یعنی تجزیه‌طلبی «ترک‌های سفید» و «فارس‌های سفید» تاملی تازه داشته باشیم؟ رئیس‌جمهور درست می‌گفت: این همان اردوغان حافظ‌خوان و مولاناخوان بود که این بار در باکو به تناسب محیط از «سید» و «جبار» و از «خان» یعنی آن سه شهسوار اقلیم آواز گفت و سرود «ارس را جدا کردند» را به لاپچین به جان لاپچین وصل کرد تا حسرت سال‌های جدایی از تمامیت سرزمینی به سرآید. در سویه‌های کاملاً وارونه و معکوس، سایت و کانال‌های تمویل شده ناسیونال-فاشیستی ارس را که اردوغان به لاپچین و به شوشا به «ترترچای» و «کوندلن چای» اشغالی وصل کرده بود از جغرافیای اشغال جدا کردند تا به شکل یک قطعه تصویری تقطیع شده، به مقاصد تجزیه‌طلبانه متصل کنند و از دل زلال ارس و آن ترانه معصوم انواع و اقسام سوء قصدهای سرزمینی برعلیه حاکمیت کشورمان استخراج کنند. تفرقه‌افکن‌ها بیدارند، فعال‌اند، در همان لحظه سخنرانی اردوغان بود که یکی از آن سایت‌های ناسیونال فاشیستی با اشاره به ارس خوانی اردوغان نوشت بالاخره اردوغان پروژه نوعثمانی خود را در باکو رونمایی کرد و گفت «ارس را جدا کردند!» اندکی بعد

مردان آمریکایی سفید در سال‌های ۱۹۰۰ در عصر ماقبل جنبش حقوق مدنی و از آن دقیق‌تر مشابه «ترک‌های سفید» در عصر کمالیستی ترکیه و سخنگویان آن در روزنامه حریت آن کشور. آن همه پرخاشگری و آن توسل به قطبی‌سازی «ایران-جهان ترک» و تمسک به احیای خون‌های چالدران و سقوط به مغاک قطبی‌سازی‌های استعماری «صفوی-عثمانی» نشان داد که فارس‌های سفید هنوز ناسیونالیسم مدنی را کشف نکرده‌اند. قواعد مرزبندی «فارس‌های سفید» در کشورمان علیه ترک‌ها، و برعلیه همسایگان، شباهت شگرفی با کردهاسی و اسلام‌هراسی «ترک‌های سفید» دارد. نباید سفید و یا ترک‌های سفید را با ترک و فارس برآمخت؛ فارس‌های سفید همچون ترک‌های سفید یک واقعیت جامعه‌شناختی و عمدتاً نخبگانی

است و ناظر بر قشرهای فوقانی و الیت جامعه است و نباید آنها را با فارس‌ها و یا ترک‌ها اشتباه گرفت.

ترک‌های سفید در ترکیه عمدتاً از منظری «شرق‌شناسی» به همسایگان می‌نگرند و هویت ملی خود را به کمک فاصله‌گیری از ایران و دیگر همسایگان تعریف می‌کنند. آنها همچون و البته دهه‌ها پیش از جماعت ایرانشهری-ایرانشاهی ما ترکیه را به شکل یک ملت مطلقاً بیرون از دایره امت اسلام و عرب بازنمایی می‌کنند که گویا «تنها متحد غرب» است در خاورمیانه‌ای سرشار از عقب‌ماندگی.

در حقیقت تعریف هویت ملی ترک بر مبنای امت‌هراسی در همان سال‌های پایانی عثمانی و عصر گذار به جمهوریت آتاتورکی بیان روشنی یافت که امروز کلمه به کلمه آن را، پس از تاخیری تقریباً ۱۰۰ ساله در جماعت ایرانشهری-ایرانشاهی و به‌طور کلی «ناسیونالیسم پرخاشگر» می‌بینیم. بحران توثیت اخیر درباره سخنرانی اردوغان در باکو جلوه دیگری از رفتار هویتی فارس‌های سفید را به نمایش گذاشت. بر همین منوال ناسیونال فاشیسم اشغالگر قره باغ و کانال‌ها و سایت‌های همبسته با آن، آب ارس را گِل کرد تا سرور

ناسیونال-فاشیسم  
آن طرف قضیه یعنی  
پان ترکیست‌های  
شیکاگونشین و  
دست‌پرورده سیا نیز  
به همان شکل و شیوه  
سخنرانی اردوغان را  
تقطیع کردند تا مقاصد  
تجزیه‌طلبانه خود را  
بر آن بار کنند. یعنی  
آن فیلم تقطیع شده  
در دوکانال و فضای  
مجازی ناهمگن کار شد  
تا یکی به نام مبارزه با  
تجزیه‌طلبی و دیگری به  
نام دفاع از تجزیه‌طلبی  
معنای واحدی را  
بر سخن اردوغان تحمیل  
کنند؛ یعنی همان دولبه  
آن قیچی واحد که در  
مسیر خلاف یکدیگر  
فرود می‌آیند تا پیوستار  
واحدی را در معرض  
گسست قرار دهند

## تک‌هویتی

آنها که به گمان مورد تهاجم قرار گرفتن تمامیت ارضی میهن ما در سخنرانی اردوغان احساسات ملی خود را بروز دادند، محترمند و باید احساسات آنها را درک کرد. بسیاری از دوستان شریف من و برخی چهره‌های اصلاح‌طلب و غیراصلاح‌طلب نیز بر مبنای یک درک دست‌چندم و دستکاری شده و تحریف شده از سخن اردوغان به‌طور طبیعی احساسات میهنی خود را علیه آنچه فکر می‌کردند «واقعا اردوغان گفته»، بروز دادند. بی‌تردید اگر اردوغان و بالاتر از اردوغان کمترین جسارتی بر علیه مرزهای سرخ میهنی ما بکنند باید با پاسخ قاطع مواجه شود. اما چنین چیزی در سخن باکویی اردوغان وجود نداشت. با این وجود، باید حساب موج‌سازان و موج‌سواران حرفه‌ای را از حساب آنها که به اشتباه فکر می‌کردند اردوغان علم تجزیه‌طلبی را بر علیه میهن ما برداشته و با قرائت یک ترانه مردمی با قدمتی صد و چند ساله، قصد به زیر سوال بردن مرزهای میهنی را داشته تفکیک شود؛ از اعتراضات ۹۶ به این سو دیده‌ایم کسانی که جرعه اولیه را می‌زنند و لزوماً نمی‌توانند دامنه آن اعتراضات را کنترل کنند.

در این ماجرای اخیر نیز موج‌سواران حرفه‌ای و ناسیونال-فاشیست‌هایی که انواع قطبی‌سازی‌های «صفوی-عثمانی»، «ترک-فارس»، «ایران‌شاهی-ایران‌شهری‌گری»، و با «شیعی-ضد شیعی» را در دستور کار قرار داده‌اند، رخ نمودند. به این ترتیب یک‌بار دیگر مشخص شد آنچه که واقعیتی جامعه‌شناختی به نام «فارس‌های سفید» را متحد می‌کند، لزوماً همان چتر وحدت‌بخشی نیست که کل کشور را بتواند به زیر سقفی مشترک مسقف کند. عبور از هویت ترکیبی و سه‌وجهی «جمهوری، اسلامی، ایرانی» از هر سمتی که صورت بگیرد، از چپ یا راست، یک عبور تجزیه‌طلبانه است زیرا این ترکیب سه‌وجهی، مادام که توازن اجزای آن حفظ شده باشد و به شرط ابتنای بر قانون اساسی و نهادها و فضاها، دموکراتیک تعیین سرنوشت، ضامن بقا و مصونیت کشور از جنگ داخلی است. به این لحاظ عبور از جمهوری اسلامی ایران به سمت اشکال هویت‌های فرو ملی (کورووشی، بابکی، ایران‌شهری، صفوی و...) به یکسان می‌تواند تجزیه‌طلبانه باشد. اما آن نوع تجزیه‌طلبی که خاستگاه آن در مرکز باشد بسی خطرناک‌تر از تجزیه‌طلبی پیرامون است.

زمان انتشار: ۲۸ آذر ۱۳۹۹

این مقاله خلاصه شده است. برای مطالعه متن کامل آن به

آدرس زیر مراجعه فرمائید:

وبسایت مشق نو: <http://mashghenow.com>

تلگرام: [t.me/mashghenowofficial](https://t.me/mashghenowofficial)



امیر طاهری روزنامه‌نگار ویژه عصر شاه و پیش‌تاز جنگ روانی اتاق فکر تحریم شروع به تحریک برخی مسئولین کرد، توثیت پشت توثیت که چه نشستید اردوغان ارس و تبریز را برد و اگر دیر بجنید نوبت تهران و شیراز خواهد رسید. امیر طاهری توثیت زد که اگر وزارت خارجه شهامت دارد باید سفیر ترکیه را احضار کند و از سر تحریک مسئولین چنین القا و پیش‌بینی کرد که چنین شهامتی در وزارت خارجه وجود ندارد و بعد که احضار سفیر را شنید توثیت تحریک‌آمیز دیگری زد که احضار کافی نیست باید توضیح دهند و به خاطر قرائت یک ترانه پوزش بطلبند. و فقط امیر طاهری و امثال او و دیگر کانال‌های ناسیونال-فاشیستی همبسته در داخل نبودند که آن سخنرانی تقطیع و القا کردند تا جوسازی کنند برای تصمیم‌سازی‌های غلط و شتابزده در داخل، ناسیونال-فاشیسم آن طرف قضیه یعنی پان‌ترکیست‌های شیکاگونشین و دست‌پرورده سیا نیز به همان شکل و شیوه سخنرانی اردوغان را تقطیع کردند تا مقاصد تجزیه‌طلبانه خود را بر آن بار کنند. یعنی آن فیلم تقطیع شده در دو کانال و فضای مجازی ناهمگن کار شد تا یکی به نام مبارزه با تجزیه‌طلبی و دیگری به نام دفاع از تجزیه‌طلبی معنای واحدی را برساختند. اردوغان تحمیل کنند؛ یعنی همان دوله آن قیچی واحد که در مسیر خلاف یکدیگر فرود می‌آیند تا پیوستار واحدی را در معرض گسست قرار دهند: پیوستار ملی میان همه اقوام و همه مولفه‌های زبانی و فرهنگی این سرزمین را و پیوست این ملت با اقوام خویشاوند در حوزه تمدن اسلامی و جغرافیای همسایگان را. آن دو جریان ناهمگن، ناسیونال-فاشیسم پان‌ترکی «گوناز تی وی» (تلویزیون تجزیه‌طلبان) و ناسیونال-فاشیسم آریاپرست، و به تعبیری جامعه‌شناختی «ترک‌های سفید» آن سوی آب و «فارس‌های سفید» این سو، شعر «ارس را جدا کردند» را از جملات پیشین و پسین اردوغان جدا کردند، در معرض انتقال و تحریف قرار دادند و در دل راهبردها و عملیات تفرقه‌افکنی ادغام نمودند تا جدایی شومی میان همسایگان، میان ایران و ترکیه و جمهوری آذربایجان رقم بزنند و همزمان غسل‌های درونی را در معرض تعمیق قرار دهند.

گذار تجزیه‌طلبانه از جمهوری اسلامی ایران به ناسیونالیسم



دکتر محمد تقی زهتابی

## مختصری درباره تاریخ «گونئی» و مراکز آن

### شبستر و تسوج

بخش «گونئی» که، در اسناد دولتی «ارونق و انزاب» نوشته و گفته می‌شود، بخشی است تقریباً به طول ۱۲۰ کیلومتر که، در سمت شمال غرب شهر تبریز، بین کوه‌های میشوو و سواحل شمالی دریاچه ارومیه واقع شده است. این بخش دارای دو قسمت است: بخش شرقی یا ارونق که، مرکزش شهر شبستر / در زبان مردم چؤستر/ و بخش غربی یا انزاب که، مرکزش شهر تسوج / در زبان مردم تسی/ می‌باشد. گونئی / ارونق و انزاب/ تقریباً در قسمت مرکزی آذربایجان ایران قرار گرفته و دارای موقعیت جغرافیایی خاص و اهمیت تاریخی ویژه می‌باشد، لذا هم بخش گونئی به طور کلی و هم دو مرکز آن شهرهای شبستر و تسوج دارای تاریخ مخصوص خود می‌باشند.

تاریخ معلوم منطقه به طور کلی حداقل تا هزاره دوم قبل از میلاد پیش می‌رود. تشکیل حکومت «ماننا» از اوایل هزاره دوم و هجوم مستمر و متوالی شاهان میلیتاریست آشوری علیه آن برای نهب و غارت در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول قبل از میلاد حضرت مسیح معلومات گرانبهایی از وضع آن روزی منطقه گونئی، زندگی مردم و فرهنگ آنها در اختیار ما می‌گذارد. وقایع نگار «سارگون دوم» شاه آشوری که، در سال ۷۱۴ قبل از میلاد از این منطقه عبور کرده می‌نویسد: «منطقه مستور از سدها، چشمه‌ها و کانالهای آبیاری و سرتاسر آن باغ و درخت و جنگل بود.»

در آن دوران تمام دهات و آبادیهای منطقه در آغوش دره‌های بخش شمالی منطقه، یعنی در دامنه‌های جنوبی سلسله

این تپه‌های خاکستر که، بی شک محل آتشکده‌های زردشتی و خبر رسانی بوده، یکی نزدیک شبستر، شمال دهکده دیزج خلیل، دومی به فاصله چند کیلومتر از اولی در جنوب شبستر و دیگری در نزدیکیهای تسوج در دهکده «قره تپه» قرار دارد.

«گونئی» کلمه ایست ترکی و به معنای منطقه آفتابگیر است. «گون» در زبان معاصر آذری به معنی آفتاب و «ئی» پسوند قدیمی متروک ترکی است که تقریباً به مفهوم مکان بوده است.

در حقیقت امر نیز منطقه در دامنه‌های جنوبی، یعنی آفتابگیر سلسله کوه میشوو، در نقطه مقابل دامنه‌های شمالی آن، نواحی مرند یا «قوزئی» / کلمه ترکی به معنی ضد گونئی - آفتاب‌نگیر/ قرار گرفته است.

اسم «شبستر» و یا چنانکه مردم از قدیم الایام گفته و می‌گویند «چؤستر»، بی شک با اسم قدیمی دریاچه ارومیه، یعنی «چئیچئست» هم ریشه است، ولی معنی آنها تاکنون معلوم نشده است. همچنین معنای کلمه «تسوج» و یا چنانکه مردم ساده می‌گویند «تسی» و اسم اکثر دهات بخش شمالی - کوهستانی گونئی چون «سیس - بینیس - چنوان - دریان - خومنا - تیل - مئشین - هئریس - ... همچنین معنای بسیاری از اسمهای محل، کوه، چشمه و ... مانند میشوو - پولاسمان - گور - گور - ... معلوم نیست و بی شک این کلمات مانده از زبان قدیمی مردم این دیار، یعنی زبان مردم دوران دولت «ماننا» می‌باشد که، از هزاره دوم قبل میلاد / قبل از آمدن آریائیها به منطقه خاور نزدیک/ تا تشکیل حکومت ماد / ۵۵۰ ق.م. در آذربایجان حکومت نموده و دارای زبانی

جبال «میشوو» قرار گرفته بود، تا از هجوم بیگانگان مخفی و در امان باشد. وجود کانالها، سدها و چشمه‌های آبیاری نشان می‌دهد که، مسئله آب و آبیاری از قدیم الایام از مسایل حاد و اساسی منطقه بوده و امروز نیز چنین است. «گونئی» با اراضی منبت و خاکهای حاصلخیز و دشتهای هموار نه چندان بزرگ در طرف جنوب / شمال دریاچه ارومیه/ از بهترین مناطق گندم و جو و ارزن و ذرت و پنبه و از مراکز بهترین باغهای میوه و صیفی جات بوده و هست. طبق معلومات موثق حدود ۵۰-۶۰ سال پیش فقط در اراضی خود شبستر، در دشت بنام «یازی» / نه در سرتاسر منطقه/ سالانه حداقل ۴۰۰ خروار گندم و جو بذرافشانی می‌شد. از قدیم الایام در سرتاسر منطقه چشمه‌های حفر شده موجود بوده و امروز نیز آنها اساسی ترین منبع آبیاری و آب خوردنی منطقه بشمار می‌رود. بافندگی، فرشبافی، روغن گیری، ساخت شیره انگور / دوشاب/ و سفال سازی در منطقه گونئی سابقه تاریخی دارد. در گذشته نه چندان دور مغز بادام منطقه گونئی نصف بیشتر صادرات مغز بادام ایران را تشکیل می‌داد.

تقریباً تمام و یا قریب به تمام مورخین دورانهای باستان بر این عقیده اند که، مولد زردشت در آذربایجان و اطراف دریاچه ارومیه - چئیچئست بوده است. منطقه گونئی نیز بخش شمالی این دریاچه می‌باشد و لذا از قدیمترین مراکز زردشتیزم و محل نخستین آتشکده‌های آن بوده است برای این هم در سرتاسر این منطقه، از شرق تا غرب آن در فواصل معین تپه‌های عظیم خاکستر موجود می‌باشد که، در زبان مردم «کول تپه لری» نامیده می‌شوند. از

تاریخی شهر تسوج حمام تاریخی آنجاست که، بنایش به تاریخ بنای مسجد جامع شهر نزدیک است. این حمام تاریخی زیبا، بر اساس آثار باقی مانده گویا هنگام بنیانگذاری نه به شکل خزینه عمومی، بلکه به شکل نمره بوده و از لحاظ بهداشت و نظافت بی نظیر بوده است.

تسوج و دهات اطرافش از لحاظ هیكلهای قوچ عصر هشت هجری سابق الذکر، همچنین از لحاظ بعضی از آثار سنگی تاریخی قبل از اسلام غنی است. در طول تاریخ اسلام شهر تسوج علما، ادبا و دانشمندان بنامی تربیت نموده است که، با آثار خود فرهنگ اسلامی را غنیتر ساخته اند. از این دانشمندان مترجم کتاب مشهور فرهنگ اسلامی «هزار و یک شب» از زبان عربی به زبان فارسی «آخوند ملا عبدالنبی» تسوجی و مجتهد مشهور و شاعر شیرین کلام به زبانهای فارسی و ترکی آذری فتحعلی شاه قاجار آیه الله اشرف را می توان نام برد که از نواده های آخوند ملا عبدالنبی بوده است.



علاوه بر شبستر و تسوج بعضی از شهرهای دیگر منطقه نیز از مراکز علم و فرهنگ و زادگاه نویسندگان، روحانیون و سیاستمداران بزرگ بوده اند. از آن جمله اند شهر «خامنه» که، زادگاه نویسنده، عالم و فیلسوف شهیر شرق در سده نوزده میلادی «میرزا فتحعلی آخوندزاده» و روحانی مبارز و شهید راه آزادی، افتخار ایران و آذربایجان «شیخ محمد خیابانی» در سالهای مشروطیت و پس از آن میباشد. بعضی از دهات منطقه گونئی نیز در طول تاریخ شخصیت های هنری بارزی را در آغوش خود پرورش داده اند، از آن جمله اند ده «کولوا» بین شبستر و صوفیان که، زادگاه و محل زندگی نوازنده و شاعر خلقی «عاشق قشم جعفری» بوده و مزارش نیز در همان جاست.

شبستر ۱۲-۲-۱۳۷۱

استادش برای اولین بار، بیست و اند سال پس از وفاتش توسط امیر تیمور گورکان که، به زیارت مرادش به شبستر آمده بود، ساخته شده است این بنا که، تقریباً در وسط شهر شبستر واقع شده است، از بهترین ساختمانهای شهر بوده و در طول تاریخ بارها مرمت و تعمیر شده است و امید است که، در سایه توجهات مسئولین حکومت اسلامی بهتر و زیباتر گردد.

خود شهر شبستر و تمام دهات اطرافش و حتی دهات تمام منطقه گونئی دارای هیكلهای قوچ فراوانی است که، در قرن هشتم هجری / ۱۴ میلادی / توسط آغ قویونلوها و قارقویونلوها ساخته شده اند، که متأسفانه در اثر عدم اهتمام یا از بین برده شده و یا در حال از بین رفتن هستند. شبستر از لحاظ آثار تاریخی مدفون بسیار غنیست.

در طول تاریخ، شبستر شخصیت های بزرگ علمی- ادبی را به جهان اسلام تربیت نموده است.

مهمترین این شخصیتها در سده های گذشته شیخ محمود، یکی از سه قطب الموحدین و دیگری در دهه های اخیر میرزا علی معجز شیشتری شاعر بنام در سرتاسر جهان ترک می باشد.

شهر تسوج /تسی/، مرکز بخش غربی منطقه گونئی، یعنی انزاب از شهرها و مراکز علم و فرهنگ قدیم منطقه و آذربایجان می باشد. این شهر نیز همانند شبستر مشحون از آثار تاریخی مدفون و زنده می باشد. نظایر مرمرهای منقوش و نوشته شبستر در تسوج نادر است، ولی در عوض آجرهای بزرگ به طول نیم متر ضخیم جزء مواد ساختمانی این شهر در قدیم بود.

مسجد جامع بزرگ تسوج بنا به تاریخ مسجلش آخرین بار ۶۰۰ سال پیش مرمت و تعمیر گردید، لذا بی شک بنای آن به سده های نخستین هجری می رسد.

یکی دیگر از بناهای بسیار زیبای

بوده اند که، تمام مورخین و زبان شناسان آنرا از زبانهای التصافی می دانند و متأسفانه تا بحال به علل کمی حفاریات علمی در آذربایجان ایران و قلت نوشته به آن زبان خواننده و آموخته نشده است.



از زمانهای قدیم منطقه گونئی به علت طویل بودنش دارای دو مرکز اساسی بوده که، یکی شبستر در قسمت شرقی و دیگری «تسوج» در قسمت غربی منطقه می باشد. این دو مرکز از نخستین سده های هجری از مراکز شناخته شده علم و فرهنگ و آثار تاریخی بوده است. امروز این دو شهر تاریخی علاوه بر آثار بیشمار تاریخی قبل از اسلام که، اساساً در زیر خاک مدفون می باشند، دارای آثار تاریخی زیادی نیز است که، همگی مربوط به دوران پس از اسلام هستند. سنگهای مرمر سفید و یا خاکستری رنگ در محله های مختلف شبستر /هم زیر خاک و هم روی آن/ فراوان است که، طول آنها حدود دو، عرضشان نیم متر و ضخامتشان تقریباً هشتاد سانتیمتر می باشد. تمام این سنگها دارای شکل های هندسی نقاشی شده بسیار ظریف و خوب کنده شده که به احتمال قوی به دوران قبل از اسلام مربوط هستند. بخشی دیگر از این سنگها دارای نوشته هایی به زبان عربی است که شامل آیات قرآنی، اسامی رهبران دینی و غیره هستند. سنگهای بخش دوم اکثراً از مرمر سفید بسیار جالب و شفاف ساخته شده اند. اکثر این سنگهای منقوش و نوشته شده، متأسفانه در اثر عدم اهتمام در کنار جویها و چشمه زیر پای مردم گذاشته شده و یا در زیر زمین مدفونند.

شبستر دارای مسجد جامع بزرگ است که، تاریخ بنای آن به درستی معلوم نیست، ولی بی شک حدود هزار سال پیش ساخته شده است. مقبره فیلسوف و متصوف مشهور شیخ محمود شبستری، مؤلف «گلشن راز» و «سعادتنامه» و ... با



# محلہ چای



اسماعیل اسماعیل زاده شبستری

دوچیده چو خدور حاجی بالاسی  
(معجز)

چای کوچہ سی رشبر لرون<sup>۱</sup> یوواسی



محلہ چای در سمت غربی شبستر و مشرف به ارتفاعاتی معروف به محمد حنقیه داغی قرار دارد که در گذشته بعضی از خانمها جهت برآورده شدن نیت قلبی شان در آنجا، توزیع نان، نذر می کردند. دلیل اطلاق نام محلہ چای این بوده که در شبستر به رودخانه، چای گفته می شود. همچنین به علت جاری شدن سیلاب ناشی از آب شدن برفهای کوه میشو و بارش باران و عبور آن از سمت غربی محلہ یاد شده به طرف جنوب به چای کوچہ سی معروف شده است. در محلہ مذکور قناتی نیز وجود دارد که چای کهریزی نامیده می شود و با توجه به کم فشار بودن آب، حقایبه داران مجبور بودند مقدار سهم آب خود را در استخر موجود در پایین تر از سرچشمه قنات ذخیره نموده و پس از پر شدن آن نسبت به آبیاری باغ خود اقدام کنند. که اینک در مکان استخر مذکور، فروشگاه کوروش دایر گردیده است. همچنین چهارشنبه بازار شبستر که قبلا در سبزه میدان واقع در جنوب مسجد کوشخانه برگزار می گردید، هم اکنون در همان روز در محلہ چای دایر می شود. در روزهای چهارشنبه، فروشندگان از شهرهای مختلف اطراف به این بازار آمده و انواع کالاها را در معرض فروش قرار می دهند.

اسامی تعدادی از ساکنان محلہ مزبور که از زمان قدیم در خاطر من هست به

تیمسار جمشید صالحی شبستری افسر نیروی زمینی ارتش در رسته توپخانه که به مدت ۵ سال در جبهه های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران حضور داشته و آخرین سمت ایشان فرمانده پادگان جی واقع در شرق فرودگاه مهرآباد تهران بوده که پس از ۲۶ سال خدمت صادقانه و به درخواست شخصی خودشان در سال ۱۳۶۶ با درجه سرتیپ دومی به افتخار بازنشستگی نایل گردیدند و در حال حاضر نیز در کارهای عام المنفعه مشغول فعالیت می باشند. حاج محمدعلی، حاج کریم، حاج کاظم، پروفسور محمدتقی، صفر و

شرح زیر مرقوم می گردد:  
حاج مهدی، آقا جان، جعفر و مناف چابک، ملا عمو صالحی شبستری بنیان گذار وسایل نقلیه عمومی در شبستر و فرزندان ایشان عبارت بودند از علی، محمد و حسن صالحی شبستری که در زمینه حمل و نقل بار و مسافر مشغول فعالیت بودند. قابل ذکر است که فرزند مرحوم علی صالحی شبستری به نام مهندس حمید صالحی شبستری در تهیه نقشه مسجد نوبنیاد محلہ چای و نظارت در احداث آن، نقش قابل توجهی را عهده دار بوده اند. همچنین فرزند مرحوم محمد صالحی شبستری به نام

گوسفند در محله چای رایج بوده ضمناً تعدادی از اهالی این محل در بازار شبستر در خرید و فروش مغز بادام و سایر اقلام خشکبار فعال بوده اند. علاوه بر این تعدادی از اهالی محله چای در تهیه پوست و سالامبور و صدور آن به خارج از کشور مشغول بودند. لذا به دلیل وجود این مشاغل، نقش محله چای در توسعه اقتصاد شبستر ممتاز بوده است.

### مساجد محله چای:

نظر به اینکه بخشی از عرصه مسجد بزرگ محله چای در مسیر احداث خیابان، تخریب شده است، اخیراً مسجدی به سبک معماری سنتی و زیبا، با اهدای قطعه زمینی به مقدار کاهش یافته از مساحت مسجد به دلیل ساخت خیابان جدید توسط مرحوم حاج عبدالعلی خبازی، در قسمت پشتی مسجد تخریب شده بنا گردیده است. از دیگر بانیان و خدمتگزاران این مسجد، آقای مرحوم حاج آقا امامی و برادران عباس زاده بودند. این مسجد در محله چای بعد از مسجد جامع، دومین مسجد دارای گنبد در شبستر می‌باشد که بسیار زیبا و دارای دورنمای قشنگی هم است. قابل ذکر است در محله چای، دو باب مسجد کوچک تر نیز به نام‌های دهنه و بالا مسجد وجود دارد. لازم به یادآوری است که سخنان مسجد چای در مراسم‌های ماه محرم و سایر مناسبت‌ها حجت الاسلام حاج میرزا رسول آقا عالمی بوده است. کوچه‌های موجود در محله چای به نام‌های دیرمان، زنجان، حاج مراد، گول (استخر) می‌باشند. لازم به توضیح است که احداث قنات محله چای هم حدود صد سال قبل توسط خیرین انجام گرفته است همچنین با توجه به جاری شدن سیل‌های دهه ۱۳۳۰ شمسی، همکاری و تشریک مساعی اهالی محله چای در ایجاد سیل بند، قابل تقدیر می‌باشد.

امامی، مشهدی‌هاشم، مشهدی کاظم و عباسعلی عباس زاده، حسن جواد جعفرزاده، ابراهیم و صفر اناری، حسن عاشق وطن، رجب دلدار، کربلایی یوسف فسدقچی معروف به قیزیل دیش، قاسم پور دیزجی، چوبان محمود عمی، وهاب عمی، محمد حضرتی، فرزانه عمی، اقدمی، پادار، جعفر قره باغی، باقال جعفر، مهدی قولی، گلشن، افعالی، حسن روزی و ....

(از افرادی که سهواً نامشان

فراموش شده است پوزش می‌طلبیم)

### مشاغل رایج در محله چای:

با توجه به اینکه اکثر اهالی این محل دارای زمین‌های زراعی و باغات نسبتاً بیشتری در مقایسه با سایر محله‌های شبستر بودند و نظر به اینکه تعداد زیادی کارگر مهاجر از آبادی‌های اطراف در این محله سکونت داشتند لذا محله چای در تولید غلات و محصولات درختی، نقش بسزائی در توسعه اقتصاد شبستر داشته است. همچنین نگهداری دام و پرورش

غلام زهتابی، اسماعیل محمدلوئی، حاج عبدالغفار هدی، حاج کاظم غفاری، حاج آقا فطورچی، تیمور جمالی، مشهدی حسین و آقا علی نادى شبستری، ملک محمد شبان شبستری، ابراهیم، احمد و آقا لایق شبستری، حسین، محمد، اسماعیل، محمدعلی و رضا غسالی، محمدحسین، صادق، نجف، قاسم، عبدالعلی خبازی، حاج حسن و حاج یوسفعلی اقدسی، حاج مراد و فرزندان ایشان به نام‌های حاج رجبعلی، اسماعیل و ابراهیم رستم زاده، قربان و عبدالله آقازاده، اسماعیل عامری افندی، مصطفی، احمد، مشهدی رضا، یوسف و نقی حاج احمدی که همگی دارای وسایل نقلیه عمومی بودند و در امر جابجایی مسافر به شهرهای مختلف فعالیت می‌کردند. کرم عمو حیدرپور، رجبعلی دباغیان، کربلا حسینعلی دباغیان، مشهدی رضاعمو شریعتی مشهور به چلینگر، رجبعلی کارگر، حاج مناف قدکچی، حاج رجبعلی و حاج مصطفی پیروزفرد (چرچی)، حسنعلی پاداریان، صادق و علی





## شیخ محمد خیابانی در آئینه اسناد و شعر و ادب

گرد آورنده و نویسنده: داور زمانخانی

### امام خمینی (ره):

آذربایجانی همیشه طرفدار اسلام بوده است و در هر قضیه ای که پیش آمده پیشقدم بوده است آذربایجان که در صدر مشروطیت/ستارخان و باقرخان اش/ آن زحمات را کشید بعد خیابانی آن کارها را کرد/صحیفه امام ج ۱۱ ص ۵۲۵

### مقام معظم رهبری:

در قضیه ی مرحوم شیخ محمد خیابانی که تبریز یک تنه ایستاد مساله قرارداد و ثوق الدوله بود در تهران عمال حکومت ضعیف با یک قرارداد امور مالی و نظامی کشور را دو دستی تقدیم انگلیسیها کردند. تبریزیها ایستادند مرحوم خیابانی و دیگران در مقابل

این قضیه بود که ایستادند و آن حوادث عجیب تبریز پیش آمد تبریز همیشه این طور بود. ۸۵/۱۱/۲۸

در طول تاریخ پر فراز و نشیب ایران، هر گاه کشور ما دچار گرفتاریهای سیاسی، منطقه‌ای و استعماری می‌شد یا به سبب ضعف مدیریت به سوی رخوت می‌رفت، بزرگمردان و بزرگ زنان نامداری به پا می‌خاستند و با ایثار جان و مال خود در راه نجات کشور می‌کوشیدند.

شیخ محمد خیابانی یکی از این ابر مردان روزگار بود که برای تجدید حیات مشروطیت و خلع ید بیگانگان از کشور، جان بر کف در برابر مخالفان ایستاد و در این راه شهید شد.

او در سال ۱۲۵۹ در شهر خامنه از توابع شهرستان شبستر به دنیا آمد. پدر او عبدالحمید، یکی از تجار منطقه بود. شیخ بعد از اخذ تحصیلات مقدماتی، در مدرسه ی طالبیه

ی تبریز به تحصیل پرداخت. در این مدرسه با غلامحسین تبریزی هم حجره و با احمد کسروی هم‌دوره بود. در سی سالگی از طرف مردم تبریز به نمایندگی دوره ی دوم مجلس شورای ملی انتخاب شد. دوره ی چهارم نیز به مجلس راه یافت ولی امکان حضور در جلسات آن را پیدا نکرد. بعد از تعطیلی مجلس و به خاطر دور بودن از وثوق الدوله به خراسان رفت و مدت شش سال به تجارت در آن ایالت مشغول شد.

شیخ محمد برای رسیدن به استقلال، آزادی و پیاده کردن مشروطه ی واقعی و تبلیغ معارف راستین اسلامی در ایران، میوه چینان مرتجع را که همان درباریان پیشین بودند هدف قرار داد.

متأسفانه به دست همان عناصر خائن و جنایتکار نیز به شهادت رسید.

قیام او هم عصر با بحرانی ترین و فلاکت بارترین سال‌های تاریخ کشورمان بود. جنبش مشروطه با وجود تلفات جانی و مالی آذربایجانی‌ها نتیجه ی مطلوب به بار نمی‌آورد به گونه ای که مردم آرزوی سال‌های پیش از مشروطه را می‌کردند و مبارزان بنام یک یک حذف می‌شدند. ستار خان و باقرخان وعده ای از هم‌زمان آنها به تهران دعوت یا کشته یا به وضعیت اسفناکی گرفتار شدند ثقه الاسلام ضیاءالعلماء با دستور روس‌ها به بالای دار رفتند و مجاهدین دیگری در برابر اسلحه‌های آتشین روس‌ها به شهادت رسیدند.

در این وضعیت هولناک، شیخ محمد خیابانی قیام کرد و با همت یاران و همفکرانی چون حاج محمد علی بادامچی، حاج اسماعیل امیر خیزی، گنجه ای و تقی رفعت با نطق‌های



ملک الشعراى بهار از درگذشت شیخ محمد خیابانى  
چنین یاد می‌کند:

جمعی پی ترحیم خیابانى مظلوم  
اجلاس نمودند نجیبانه در این بوم  
رسم است که چون مردم مسلمان پی ترحیم  
قرآن به دعا ختم کند امت مرحوم  
این بوالعجبی بین که به جد حمله نمودند  
بر مجلس ترحیم خیابانى مظلوم  
غافل که از این حرکت مذبح نگردد  
آزادی معدوم و ستمکاری مکتوم

سرتاسر ایران کفن سرخ ببوشد  
گر خون خیابانى مظلوم بجوشد

دوبیت از احمدزاده قیامی (فضل اله سلیمی):

هر دم زبان به یاد تو شیخا بیان کند  
دل اشک حسرت از ره دیده روان کند  
سرازلحد برآرنه هنگام خفتن است  
ایران نگر ز بهر تو یکسرفغان کند

بیتی از اکبر مدرس اول (شیوای تبریزی):

شهید راه حریت یل میدان خیابانى  
نهاده دره میهن به دستش جان خیابانى

و ابیات تورکی از حمید سخا (مهر تبریزی):

نه قدری وار بشربو یثرا وزونده ظولم ده وار دیر  
وئرنده جان گتیردی بوسوزه ایمان خیابانى  
بوسئوداده شهیده هر زمان تاریخ وئریب قیمت  
بنله ظن ائتمه کی جانی وئریب ارزان خیابانى  
به غیر از شعراى یاد شده، شاعران و نویسندگان بزرگ  
دیگر چون استاد محمد حسین شهریار، هدایت، استاد حسین  
محمدزاده صدیق، مولانا صافی، احمد کسروی و استاد رضاهمراز  
و..... درباره ی این راد مرد نستوه و این شهید بزرگوار قلم  
فرسایى کرده اند.

### منابع

شیخ محمد خیابانى «پیش‌تاز آزاد یخواهی»: ناصر شفیعی  
شیخ محمد خیابانى حماسه سی: حسین محمدزاده صدیق  
منظومه ی شیخ محمد خیابانى: پروفیسور محمد تقی زهتابی  
مدرسه ی محمد به و قیام خیابانى: استاد رحیم رئیس نیا

آتشین و درج مقالات تند در نشریاتی چون تجدید و آزادیستان  
مردم را به افشاگری جنایت‌ها و خیانت‌های سردمداران  
فرامی‌خواند و آنان را با مضرات قرار داد ننگین ۱۹۱۹ با  
انگلیس، اولتیماتوم روس و اشغال تبریز به دست عثمانی  
آگاه می‌ساخت.

او رهبری نهضت آزادیستان را به عهده داشت. عضو فعال  
حزب دموکرات بود و از هر ابزار و موقعیتی برای ابراز عقیده  
ی خود و بیداری مردم استفاده می‌کرد.

وی در شماره ۵۸ روزنامه ی تجدید می‌نویسد: «برای این  
که شایعات فرصت طلبان را بی اثر سازیم. از هر گونه سوء  
تفسیری که درباره ی ایران و علائق آذربایجان با مرکز ایران  
در حذر باشیم، ناچار از اظهار این نکته هستیم که امروز در  
آذربایجان یک فکر اجرای حکم می‌کند. یک فکر ثابت و  
ایران شمول، عموم ترقی خواهان را به شدت مشغول داشته  
است و آن فکر ترقی و سعادت و عزم استقلال ایرانیان از هر  
گونه اسارت است. امروز تأثیرات انقلاب روشن است و هیچ  
جریان مطلوب و نا مطلوب نمی‌تواند این تصمیم ثابت را  
تغییر داده و دچار تزلزل سازد که آذربایجان جزو لاینفک  
ایران است.»

شیخ محمد خیابانى در بیست و دوم شهریور ۱۲۹۹ در  
سن ۴۰ سالگی در منزل دوستش ضمن درگیری با نیروهای  
قزاق به شهادت رسید و در محل مقبره الشعراى فعلی تبریز  
دفن شد.

بعد از مدتی فرزندان آن شهید جنازه اش را به تهران  
منتقل و در حرم عبدالعظیم حسنی، آرامستان باغ طوطی  
به خاک سپردند. روانش شاد و راهش مستدام باد.

استاد آرتین پور در مورد نهضت آزادیستان می‌نویسد:

ببار ای کشور ایران به زیر نور آزادی  
که آزادیستان آمد کنون و خروش آزادی  
توان سامان پاکستی که بود از دیدگاهانت  
به دل سودای استقلال و در سر شور آزادی  
کنون بردست بگرفتی درفش کاویانی را  
زدی فریاد استقلال اندر صور آزادی

بیتی از عارف قزوینی در رثای شیخ:

کسم به شهر نبیند شدم بیابان گرد  
ز غصه ی کلنل از غم خیابانى

بیتی دیگر از فرخی یزدی:

پرزده ز افق بر چرخ فواره ی خون هر روز  
تا غوطه زند خورشید در خون خیابانى



## خیرین فرهنگی شهرستان شبستر (شماره زمستان ۹۹)

آبادی	تعداد مجله	اسم و شهرت
شندآباد	۱۰۰ جلد	آقای مهندس محمد رستم پور
شبستر	۵۰ جلد	مرکز نیکوکاری گلشن نور اصناف
کافی‌الملک	۵۰ جلد	آقای حاج احمد احمدزاده
صوفیان	۵۰ جلد	آقای دکتر زلفی پور صوفیانی
شبستر	۵۰ جلد	سرکار خانم فیضی‌زاده (هاشمی)
شبستر	۵۰ جلد	آقایان حاج یوسفعلی و حاج احمد جاهی
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج یوسف کلاهی
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج جمشید کتانی
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج محمد عبدالرزاق زاده
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج پرویز فرجی و پسران
شبستر	۵۰ جلد	آقای مهندس بهزاد قدملی زاده
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج داود روح زنده و پسران
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج مهدی برقی مقدم
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج احمد زرگر زاده
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج مهدی جاهین
شبستر جهت ارسال به استانبول	۵۰ جلد	آقای فریدون حیدری
شبستر	۵۰ جلد	آقای حاج ایوب پورعباس
شبستر	۴۰ جلد	آقای حاج ستار شیراحمدی
نوجه ده	۳۰ جلد	آقای حاج فیروز تشکری
وایقان	۳۰ جلد	مجتمع فرهنگی، اسلامی وایقان
وایقان	۲۰ جلد	شرکت نگار آزمایش
بنیس	۲۰ جلد	آقای حاج محمدتقی خزانی
کافی‌الملک	۲۰ جلد	آقای حاج میرباباسیدی
کافی‌الملک	۲۰ جلد	آقای حاج محمدحسین بابائی
شبستر (آمریکا - کالیفرنیا)	۲۰ جلد	آقای دکتر جمشید جعفری
شبستر (کانادا - تورنتو)	۲۰ جلد	آقای مهندس محمدتقی پیروز فرد
شبستر	۲۰ جلد	آقای شهرام نمازی
شبستر	۲۰ جلد	آقای مهندس فرج کریمی
شبستر	۲۰ جلد	آقای حاج حسن افلاکی
شبستر	۲۰ جلد	آقای حاج سیدرضی بابائی
شبستر	۲۰ جلد	آقای محمد گزیده پور
شبستر	۲۰ جلد	آقای حاج حمید بی مثل شبستری
شبستر	۲۰ جلد	آقای حاج غلامعلی شیراحمدی
کافی‌الملک	۱۰ جلد	آقای حاج محمود بابالوئی

خیرین فرهنگی شهرستان شبستر (شماره زمستان ۹۹)

اسم و شهرت	تعداد مجله	آبادی
آقای مهندس وحید امیرهدائی	۱۰ جلد	شبستر (استرالیا- ملبورن)
آقای حاج میرجمال موسوی	۱۰ جلد	شبستر
آقای غلامرضا اجمالی	۱۰ جلد	شبستر
آقای حاج حسن پورمطلب	۱۰ جلد	دریان
آقای حاج احمد حسنی	۱۰ جلد	تیل
آقای حاج محمود عباس زاده	۱۰ جلد	شبستر
آقای فرهاد فکرت	۱۰ جلد	شبستر
آقای دکتر محمدباقر احسانی	۱۰ جلد	کافی الملک
پخش پرشیا	۱۰ جلد	تهران

با سپاس فراوان از خیرین محترم به اطلاع می‌رساند شمارگان اهدایی آنان در مراکز زیر توزیع می‌گردد:  
 دانشگاه‌های شهرستان، دبیرستانهای پسرانه و دخترانه شهرستان، کتابخانه‌های شهرستان، نهادها و مراکز فرهنگی و ورزشی و اجتماعی، سازمانها و ادارات دولتی، شهرداریها و شوراهای شهر شهرستان.



مشترک گرامی

فصلنامه پیام شبستر در آینده به دو صورت الکترونیکی و چاپی منتشر می‌شود. اشتراک سالیانه الکترونیکی ده هزار تومان و اشتراک سالیانه چاپی پنجاه هزار تومان است. لطفاً نوع اشتراک خود را اعلام فرمایید. ضمناً برای ماندگاری و نگهداری می‌توانید از حالا مجموعه چاپی را رزرو نمایید.

فرم اشتراک فصلنامه پیام شبستر

- فرم مشخصات را تکمیل فرمایید.
- وجه اشتراک را به شماره کارت ۳۵۴۶ ۴۹۰۳ ۱۰۱۱ ۵۸۹۲ در بانک سپه شعبه فاطمی به نام جمعیت خیریه شبستری‌ها و یا شماره حساب جاری طلایی ۱۷-۳۲۳۵۴۱۲۱۲ به نام جمعیت خیریه شبستری‌ها در بانک سپه شعبه فاطمی کد ۱۷۰ (مخصوص مجله پیام شبستر) واریز فرمائید.

فرم مشخصات:

نام و نام خانوادگی: ..... تاریخ تولد: ..... مدرک تحصیلی: ..... شغل: .....  
 نشانی دقیق پستی: ..... کد پستی: ..... تلفن تماس: .....

مراکز فروش مجله در تهران

- مجمع اسلامی نور شبستری‌ها واقع در میدان فاطمی (مسجد نور)، تلفن: ۸۸۹۶۰۲۲۲
- هیئت عزاداران قمر بنی‌هاشم واقع در خیابان پیروزی خیابان دهقان کوچه اول، تلفن: ۰۹۱۲۳۱۱۹۲۲۰
- میدان انقلاب اول آزادی بازار ایران طبقه اول کتابفروشی گلشن راز، تلفن: ۶۶۴۳۸۵۲۸
- خیابان سپهبد قرنی چهار راه سمیه روبروی دادگستری دفتر فنی سینا تلفن: ۰۹۱۲۵۳۳۶۱۹۸
- شهرک اکباتان مجتمع تجاری نگین فاز ۳ پلاک ۵۵ فروشگاه الکترونتلفن سعید ۴۴۶۶۳۷۶۰ - ۴۴۶۳۵۶۱۵

مراکز فروش فصلنامه پیام شبستر در شهرستان

- ارومیه: خیابان امام جنب بانک ملت شعبه مرکزی - داخل کوچه کتابفروشی بهار - احمد یوسفی، تلفن: ۰۴۴۳۲۲۳۸۴۴، همراه: ۰۹۱۴۱۸۶۶۵۹۷
- تبریز: خیابان امام روبروی مصلحان انتشارات شایسته - محمد زارع تلفن: ۰۴۱۳۵۵۶۱۹۶۱، همراه: ۰۹۱۴۱۱۴۸۹۳۳
- تسوج: خیابان مصلی امام خمینی، روبروی بانک کشاورزی، کتاب فروشی و مطبوعاتی خوش نیت تلفن: ۰۴۱۴۲۵۷۲۵۱۵
- کرج گوهردشت پایین‌تر از میدان رستخیز روبروی بانک پاسارگاد کوچه مسجد دفتر وکالت خانم مهری شمالی تلفن ۰۲۶۳۴۲۰۵۳۴۶
- شبستر: ۱- دهکده‌های روزنامه فروشی ۲- مقبره شیخ محمود شبستری ۳- تعاونی فرهنگیان ۴- املاک کمالی اصل

# آنادیلی



حسین اقدسی

رسمی شکلیده انکشاف ائتمک امکان وئرلمه بییدیر. لاکن بونا باخمایاراق یئنه ده بو دیل یاشاییر. بویوک عالیم و مشهور دیلچی پروفیسور زهتابی چوخ گؤزل سؤیله میش: هر میللت اؤز دیلینی دیری ساخلار، بیزی دیری ساخلایان دیلیمیزدیر.

ارسطو بیرینجی فیلسوف دئییرکی: دیلدن سؤز آچیر و آنا دیلینی اینسانین کاراکتئرلریندن ساییر؛ یعنی هر اینسان اؤز دیلی ایله اؤز آمال - آرزولارینی ترنوم ائدیپ و گله جک نسیلرله چاتدیرا بیلر. دئمک هر میللتی تمثیل ائتمکده او میللتین دیلی نین بویوک رولو اولور و او میللتین وارلیغی اؤز دیلی ایله بلله نیر. بویوک عالیم و شعر استادی حرمتلی سؤنمز، نه گؤزه ل سویله میش:

**دیلیم - دیلیم دوغرا قیزیل آلمانی**

**وئر هر گلن یئسین اوندان بیر دیلیم**

**اوج کلمه دیر وارلیغیمی بیلدیرن**

**بیر وطنیم، بیر منلییم، بیر دیلیم**

تاریخ بویو اولکه میزده چوخلو یازیچی و دیل شناسلار آنادیلی حاقیندا اثرلر یازیب و یارادیلار، آغیر باسقی و عدالت سیز لیبیه باخمایاراق، اؤز زامانلاریندا، یاراددیقلارینی چاپ امکانی اولماسادا، زامانی گلیب اثرلری یئنی نسله چاتیب دیر. میرزا علی معجز شبنستری دئمیشکن:

**اومیدین کسمه معجز یاز آنان تعلیم ائدن دیلده**

**گزر بیر ارمان تک دفترین بیل، چین و تاتاری**

توفیق بایرام آنادیلی نی بیلمه یین اینسانلار را بئله یازیر:

**بیرینه اصلینی دانیب دئسه لر**

**بو نیفرت اولونجه اونا بس ائیلر**

**بیر گون اؤز اولادی غنیم کسیرلر**

**اؤز آنادیلینی بیلمه ینلره**

**اولاد کی، یادلاشدی، درد بویوک اولور**

**چکدییی خجالت عؤمورلوک اولور**

**ویجدان دا، غیرت ده آرتیق یوک اولور**

**اؤز آنا دیلینی بیلمه ینلره**

کئچمیش دورولرده ایراندا یاشایان غیر فارس ملیت لرین آنادیللری یاساق اولدوغو حالدا، یازیچی و شاعیرلریمیز

دیل خالقین وارلیغی، مدنیت و او خالقین جانلی تاریخی دیر.

کئچمیشی، بوگونو و صباحی دیر. دیلینی سئومه یین خالق، وطنینی ده سئوه بیلمز. دیلینه یاد مناسبت بسله یین، اونا سوت وئرن، دوغما آناسینا دا بیگانه دیر. آنا دیلینی یاشادانلار اؤز خالقینی یاشادار، اونا گؤره دیرکی، هر مستبد دیکتاتور حاکمیت بیر خالق یوخ ائتمک ایسته ینده، اولجه اونون دیلینی، کئچمیش تاریخینی آرادان آپاریر. یئر اؤزوندو چوخلو میللت لر، خالقلار واردیر. هر بیر خالقین، اؤز وطنی، عادت عنعنه سی، اؤز عقیده سی، اولدوغو کیمی، اؤز دیلی ده واردیر؛ بو دیل آنا دیلی دیر. آنا دیلی او دیلدرکی، اوخالقا منسوب اولان اینسانلار او دیلده دانشیر، اونو بیلیر و اونو اوره کدن سئورلر.

آنا دیلی میللتین معنوی دیریلییی دیر؛ حیاتینین مایه سی دیر. آنانین سودو بدنین مایه سی اولدوغو کیمی، آنا دیلی ده روحون غذاسی دیر. هرکس اؤز آناسین و وطنین سئودییی کیمی، آنا دیلینی ده سئور. بیز آذربایجانلی و ایران تورکلری نین دانشدیغی دیل، بیرسیرا تورک قبیله و طایفه لر نین قووشماسی اساسیندا میدانا گلیب دیر. و اونا گوره آذربایجان تورکجه سی دئییرلر. دیلچی عالیم لرین نظرینه گؤره بو دیل اوغوز توکلری نین قورپونا منسوب دیلدر. دوکتور دادی زاده تبریزی یازیر: « ائتئوقیرافی علمی پرنسیپلرینه گؤره، هر میللتین تاریخ بویوندا وارلیغیندان و او میللتین یئر کوره سینده ائگزیستانی و یا حضوروندان سؤز آچاندا بیرینجی فاکتور او میللتین دیلی و سونرا او میللتین اراضی سی و دیلدن آسیلی اثرلری، یازیلی ادبیاتی و تمدونو نظره گلیر و آراشدیریلیر؛ سونرا او میللتین حضورو، اثرلری و دیگر میللت لرله علاقه لر و ایلگی لر و باغلانتی لاریندان دانشیلیر، ائتئوقیرافلار اینسانلارین کامیونتیلارین و اجتماعلارین آراشدیریب و مطالعه ائندنه هر عنصردن یا فنئومئندن اول بو اجتماعلاری، اینسانلاری دانشدیغی دیلرلرینین نوعو ایله تعریف ائدیبلر».

آذربایجان تورکجه سینده یاسلاقلاب و سونرالاردا



**اۆز شعرینی فارسا-عربه قاتماسا شاعر  
شعری اوخویانلار، ائشیدنلر کسپل اولماز  
فارس شاعری چوخ سۆزلرینی بیزدن آپارمیش  
صابیر کیمی بیر سفره لی شاعیر، پخیل اولماز  
تورکون مثل، فولکورو دونیادا تک دیر  
خان یورغانی، کند ایچره مثل دیر، متیل اولماز**

تاریخ بویو اۆلکه میزده، یازیجی، شاعیر، تاریخچی وهابئله آیدین لاریمیز، فرصت اله دوشنده اۆز قلم لری ایله آنا دیلیمیزدن دفاع ائدیپ و اۆز اثرلرینی امکان داخلینده دوغما آنا دیلرینده یازیب و نشر اتمه یه چالیشیلار. بوحو حاقدنا بعضن موفق اولوب و چوخ زامانلار دا چوخلو زحمتلره قاتلاشیلار، عدالت سیزلیکلره دوشوبلر، هئچ زامان دوغما دیلرینی اونودماییب لار. نییه کی، بو بیر اصل دیر؛ بشریت ایلك یارانیشدان، اۆزونه یئنی حیات آختاریب و هر وقت اۆز مدنیت و یاشایش دوروموندا ایره لی آپاریب دیر. اینسان هئچ وقت ایسته مه ییب باشقاسینا قول اولسون. ایندیکی دنیا دا شعورلو اینسانلار، اۆز آنا دیلرینی انکشاف ائدیپ و اونو باشقا میللت لره تانیدیرماق اوچون چالیشیلار. هابئله باشقالارین دیلرینی ده اؤیرنیب ، اونلاریله دییالوگ قوروب ، اونلارین یاشایش طرزلرینی بیلمک ایسته ییرلر. اونا گۆره ایندیکی دؤورده، بیر خالقی ازیب، دوغما دیلیندن محروم ائدیپ و اونون تاریخ ، فولکلور، اینسانی عادت و عنعنه سینی محو ائتمک، بشریتدن اوزاق و عدالت سیزلیک دئمک دیر. پروفئسور دکتر زهتابی نه گۆزل سؤیله میس:

**هرهانسى بىر اینسان  
طبیعتینی آناسی هرزادی دوغار آزاد  
یئری، گویو، چیچه یی،  
آیی، گونو، فله یی،  
نسیمی هم کوله یی  
مگر دوغولماز آزاد گۆی ائوینده قارپيله یی؟!  
بشر طبیعتین اوغلو، طبیعتین گولودور!  
سبب نه دیرکی، بو میللت، او میللتین قولودور؟!  
سبب نه دیرکی، بو آلچاقدیر، دیگری اولودور؟!  
عدالتین می بو یول، یا حقیقتین یولودور؟!  
عجب عدالتدیر؟!  
عجب حقیقتدیر.**

بو عدالت سیزلییه دوزه بیلمیدیلر و بو عدالت سیزلییه اۆز اثرلرینده ایستر شعر- مقاله لرده یازیب و چاپ ائتدیریدیلر. پهلوی رژیمى دؤرو بو عدالت سیزلیک و غیر فارس دیلرین یاساقلیغی و بعضن تحقیرلری دؤزلمز بیر غیر اینسانی دوروم ایدی. اینسانی هر شئی دن محروم ائدسه لر، یاشایشینه دوام ائدیر، لاکن او اینسانی اۆز دوغما دیلیندن اوزاقلاشدیرسان و اونو تحقیر ائيله سن دیلینی کسپ، باشقا دیلی زوراکى تحمیل ائده سه لر، داها یاشایا بیلمز. بالاش آذر اوغلو پهلوی دؤرونده آنا دیلیمیزین تحقیر ائدیپ و اونو یاساق ائتدییه زامان بئله یازیر:

**بیر گون اسیر دوشموش بیر قهرمان  
سورغویا سوآلا چکنده جلا،  
سیزین الیزده اۆلمه رم دئدی  
منی زامان - زامان یاشادار حیات  
دئدیلر: گۆزونو اویاریق سنین  
گۆره بیلمزسن  
دئدی: یاشارام!  
دئدیلر: ساغ قولونو قیراریق سنین  
سیلاحین. کسه رین دوشه ر الیندن  
دئدی: یاشارام!  
دئدیلر: قیچینا کونده، ووراریق  
دۆزه بیلمزسن  
دئدی: یاشارام!  
دئدیلر: نه بین وار آپاراریق بیز،  
بیرده کئچمیشینه دؤنه بیلمزسن  
دئدی: یاشارام!  
دئدیلر: دیلینی قوپاراریق بیز  
دانیشا بیلمزسن، دئییه بیلمزسن  
سوسدو قهرمان!  
نه یاشارام - دئدی،  
نه اۆللم - دئدی.  
سؤیله دی: نه بیلمسن ائيله ائی جلا  
دوران سنین دیر.  
دیوان سنین دیر.  
شهریار: آذربایجانین بویوک شاعری تورک دیلی حاقیندا  
بئله یازیر:**

**تورکون دیلی تک سئوگیلی، ایستکلی دیل اولماز  
اۆزگه دیله قاتسان، بو اصیل دیل، اصیل اولماز**



# آذربایجان شیفاهی خلق ادبیاتیندا نغمه‌لر



علیرضا صرافى (ایکینجی قیسمت)

## ۴-۲- توی نغمه‌لری

توی مراسیمینده ده اؤزونه مخصوص ماهنیلار اوخونار. اؤرنک اولاراق:

چیخدیم بیین اوتاغینا،  
گلینی آلیب یانینا،  
قادان آناوین جانینا.  
تویلار موبارک، موبارک باده  
ائی گولو ریحان موبارک باده  
حیطلری باز ییلیدی،  
کاتان کۆینک یاز ییلیدی.  
آنا کۆنلوم آرز ییلیدی.  
تویلار موبارک موبارک باده  
ائی گولو ریحان موبارک باده.  
فخر ائدیر گلین آناسی،  
هونر لیدی بو بالاسی.  
گلین دئمه نار داناسی.  
تویلار موبارک، موبارک باده  
ائی گولو ریحان موبارک باده.

## فرهاد اردبیلین یورتجو ماحالینین توی قایدالارین یازارکن گلینین تعریفینده اوخونان بو نغمه‌لری قئید ائتمیشدیر.

توی دویوسون آریتمیشام؛  
دامدان - داما داغیتیمیشام؛  
قیز آناسین قاریتمیشام.  
گۆروم آی قیز تویون موبارک اولسون،  
قوهومون، قارداشین، ائلین، وار اولسون.  
کربلا یولوندا سالدیردیم گونیز،  
تویونو ائیله سین گۆزه گۆرونمز.  
او خودو قورآنی دئدیله بیلمز.  
گۆروم آی قیز تویون موبارک اولسون،  
قوهومون، قارداشین، ائلین، وار اولسون.

## بیین تعریفینده ده بئله اوخونار:

خونچایا دوز موشم نوغولنان بادام،  
تویونو ائیلرم اورکدن شادام.  
تویونو ائیله سین حضرت آدم  
گۆروم آبی تویون موبارک اولسون،  
ساغدیشین، سولدوشون، ائلین وار اولسون.  
بی بزندی چیخدی دامین اوستونه،  
شفق سالدی دووارلارین اوستونه،  
گندین دئیین دوشمانینا، دوستونا:  
گلین گلیر دولو قازان اوستونه.  
گۆروم آبی تویون موبارک اولسون،  
ساغدیشین، سولدوشون، ائلین وار اولسون.

## ایلخیچیدا بئله نغمه‌لر اوخونار:

ساغ دیشینا روستم اولماز برابر  
سول دیشینا ایسفنندیار یالان دیر.  
بی اوزو کوچه‌نی ائدیپ مونور  
گۆروم آبی تویون موبارک اولسون  
گلینی آپارماغا گلن اوغلان آداملار بئله اوخورلار.  
آپارماغا گلیمیشیک،  
یار آلمار گلیمیشیک.  
اوغلانین آدامی بیق  
آپارماغا گلیمیشیک.  
وئرین بیزیم گلینی!  
قاینی باغلا بئلینی!  
قیزیل گوللر کولدادیر؛  
ال چاتمایان قولدادیر.  
قیزین باختی آغ اولسون؛  
قوهوملاری ساغ اولسون  
گۆروم چیلچیراق اولسون

## خراسانین دره گز بؤلگه‌سینده گلین آپاراندا بو ماهنینی

### اوخورلار:

آت گتیرین آتلان سین،

قدملری گۆز اوسته  
گلین بئلی اینجه دیر  
واریمیزدان اوجادیر.

**گلین آتا ائویندن چیخان گون بیین کیچیک قارداشی  
گلینین بئلینه شال باغلایار و بو باباتینی اوخویار:**

آنم، باجیم، قیز گلین،  
ال آیاهی دوز گلین.  
یدی اوغلان ایستیرم،  
بیرجه دته قیز گلین.

### ۳- اووسون نغمه لری

**آشاغیدا قئید ائتدیگیمیز نغمه لر، جادی و اووسون کیمی،  
طبیعتده تاثیر قویماق نیتی ایله اوخونور:**

**اووچولار اووو نیشانلاییب، اوخ آتارکن بئله دئییرلر:**

هاش گنده،  
هوش گنده،  
بو اوخ سنه  
توش گنده.

**اووچونو یولا سالارکن اونون دالینجا بو ویردرلی  
اوخویارلار:**

اوواگندن، اووون توش  
اووون اولسون مارال، قوش  
قورد-قوشو سحر-آخشام  
لرزه-لرزه سالان گل  
بدهئیتدن، بداصیلدن،  
بدنظردن دولان گل.

**بیراوشاغین بوغازی آغریبباندان اونون بؤبوگو ایله بوغازینی  
سیغارلاییب بو ویردی اوخویار:**

گنجه گلیمسن، گنجه قاییت  
گونوز گلیمسن، گونوز قاییت  
هاواخت گلیمسن، او واخت قاییت

**وبئله اینانارلار**

**کی خسته لیک، نوخوشلوق گونون هانسی ساعاتیندا  
گلمیشدیسه ائله او ساعاتدا دا نوخوشون جانیندان  
چیخیب، گنده جک.**

آتی کهر یار، یار  
گلین گلین تنز مینسین  
آدی گوهر یار، یار  
روخت وئرین قیز چیخسین،  
اولدو سحر یار، یار،  
یولا سالین تا گنتسین  
وئریدی خبر یار، یار.  
اوچ باجیدان بیرسی،  
آتلانادی یار، یار  
ایندی اونون گونوسو  
پاتلانادی یار، یار.  
گلین بئلی اینجه دی  
اینجه بئلی یار، یار،  
اول چاغا اوغلان دی  
بیلین ایندی یار، یار.  
نئچه صانددیق جاهازلار،  
قیفیل تؤلویار، یار،  
بیزدن سیزه قیز گلر  
زولفو تؤولویار، یار.

**قاشقایار دا بئله اوخویارلار:**

اوبامیز سرحدده دیر،  
مئیلیمیز شربتده دیر  
بیز کی قیزی آپاردیق  
دوشمنلر حسرتده دیر.  
گلینه باخ گلینه،  
الین ووروب بئلینه،  
گلینه پیس دئمه بین  
قاچار گندر ائوینه.  
گلین گلیر، خان گلیر،  
بیزیم ائله جان گلیر.  
آت گتیرین چوللا بین  
طاووس نقشی یوللا بین.  
لیباسینی تنز گئیسین  
یولا سالین تا گلین.  
بیزیم اوبا ایراقدیر  
گلین گلین، تنز مینسین.  
اوچ باجینین بیرسی،



## قورد ايله تولكو



حسین محمدخانی «گونئیلی»

### سؤیله‌ین: علی محمدخانی حسین اوغلو

بیرگون واریدی، بیرگون یوخدو، تانری دان سونرا  
هئچ کیم یوخودو.

بیر تولکو ايله بیر قورد یولداش اولموشدولار. اونلار  
هر نه تاپسایدیلار، بیرلیکده یئیر، بیرلیکده دولانار  
و بیرلیکده ایلنردیلر.

بیرگون تولکو یولداشلیغی پوزوب، اؤز الی- اؤز  
باشی اولماق فیکرینه دوشدو. آما سؤزون  
آچیغی نی دئمکدن چکینیردی، چون کی، قورد  
تولکودن گوجلویدو. اگر قورد تولکونون فیکریله  
راضیلاشماسایدی، تولکونون جانی خطر  
دوشه‌بیلردی. بونا گؤره ده تولکو دیرمانا گئدیپ،  
اوز- گؤزونو اونلاییب، قوردون یانینا گلدی، قورد  
اونو بئله گؤروب دئدی:

● قارداش بس بئله نییه؟

تولکو تزه‌لیکده دیرمانچی اولدوغونو، هر واخت  
آج اولاندا، اون گلدی، بوغدا گلدی یئدیینی قوردا  
سؤیله‌ینده قورد دئدی:

● چوخ یاخشیدی، منه ده بئله بیر ایش تاپ!

بئله بیر سؤزو ائشیتمه‌یی گؤزله‌ین تولکو دئدی:

● ائله منیم بیر کؤمه‌یه احتیاجیم واردیر، سن  
اولسان داها دا یاخشی اولار.

بونو ائشیدن قورد تولکونون یانینا دوشوب، دیرمانا  
گئتدیلر. تولکو چیخیب سوجاقدان دیرمانین  
سؤیونو سوودو، سونرا دیرمانا گیردیلر. تولکو قوردا  
دئدی:

● قارداش ایندی یه کیمی سن دیرمانچی لیک  
ائتمه‌میسن، بونا گؤره ده گرک من دئنه باخسان،  
یوخسا دیرمانچی اولایلمزسن.

قورد تولکونون سؤزونو باخاغاغینا سؤز وئردی. بۇ  
واخت تولکو دیرمانین اوست تایی نی قوزاییب،  
قوردا دئدی:

● گل دیلینی دیرمانین آلتداکی داشی نین اوستونه  
قوی، تا دیرمانچی لیغین دادینی آنلایاسان.

بیزلرده بئله بیر اینانج واردیر کی اوزرلیک دنه‌لرین  
اودا توتوب یاندیرساق ائودن قادا، بالا سوووشاجاق،  
پاخیللارین، گؤزو پارتلایاجاق و دوشمنلر کور اولاجادیر.  
اوزرلیگی اود اوستونده کی قبا تۆکه تۆکه بو شعرلری  
اوخیارلار:

اوزرلیکسن هاواسان.

مین بیر درده داواسان.

درد قاپیدان گیرنده،

سن باجادان قوواسان.

بیر، ایک، اوچ، دؤرت، بئش، آلتی، یئددی،

قادا، بالا قویدو گئتدی.

### خوراسان تورکلری ایسه بئله شعرلر اوخورلار:

گؤز وورائین گؤزو چیخسین

دیل وورائین دیلی شیشسین

گؤتوره بیلمه‌نین بئلی سینسین

قادا بالا بیزدن گئتسین.

### بیر بارا اووسونلار دا واردیر کی نثر پارچالاریدیر. مثلن:

اوشاغی بله‌یندن سونرا آناسی اوچ یول الینی یئره

چالیب، اوشاغین کورگینه وورار و دئیر:

-هامی نین یوخوسو سنین اولسون.

و اینانیر کی اوشاق آغیر یاتاجاق.

### ایرانین قوزئی دوغوسوندا اولان شاهرود شهرینین بیر پارا

کندلرینین اهالیسی تورکدور. "ابر" آدلی همین کندلرین

بیرینده شوملانمیش زمیلره توخوم سپمک موعین مراسیم

ایله کئچیریلیر. اکینچیلر توخومون آغیرلیغی جا خورما

یا دا قاوون زمینین بیر گوشه‌سینه قویارلار سونرا اوزو

قیبله‌یه، ساغ الیه یئره توخوم سپیب، بونلاری اوخیارلار:

خودایا سنین امودونا شو بوغدا، شو خورمایا اوزوم یا انار کیمی

عمل ائتسین، توپا خرج بولسون

قوزئی دوغوسو: شمال شرقی

اؤرنک: نمونه، مثال

خودایا سنین امودونا شو بوغدا، شو خورمایا اوزوم یا انار کیمی عمل ائتسین،

توپا خرج بولسون: خدایا، سنین اومیدین ايله بو بوغدا، بو خورما، اوزوم و نار

کیمی حاصل وئرسین، توپا خرج اولسون

چیرپې قیریب قۇردون یانینا گتیردی. قۇرد اونلاری گۇروب سوروشدو:

● تولکو قارداش فیکیرین نهدیر؟  
تولکو جاواب وئردی:

● بونلارلا بیر سبد توخویاجاغام. سنی اونا قویوب، دایلمدا باغا آپاراجاغام، اونداهنچ کس سنی گۇرمز. بۇ سۇزدن قۇردون یادینا اوزوم دوشوب، آغزی سۇلانیر و سبدین توخونماسینا تلسیردی. تولکو سبدي توخوماغا باشلادی. بیر آز توخویاندان سونرا، قۇرد قارداشاندان سبدین ایچینده اوتورماغي خاهیش ائتدی. اوزوم یئمەیه تلسن قۇرد یاریمچیق سبدین ایچینده اوتوردو. تولکو تر- تلسیک توخوماغا ادامە وئیریر و گنتدیكجه سبدین آغزینی بوزوردو کی، قۇرد دئدی:

● تولکو قارداش، چیخماغا یول قویمورسان؟  
تولکو جاواب وئردی:

● داریخما قارداش، باغدا اوزوم آغزینی آچاجاغام. بو سۇزلره اینانان قۇرد داها بیر سۇز دئمەدی. تولکو سبدي توخویوب، آغزینی بوزدو. سونرا سبدي آرخاسینا آلیب، باغا آپارماق یئرینه، بیر اۇجا تپەنین باشینا چیخاریب، اورادان آشاغي دیغیرلاتدی.

بیر آزدان سونرا بیر ناخیرچی ناخیری اوتارا- اوتارا اورایا گلدی و بیردن قۇردون اولدوغو سبدي گۇروب، اونا یاخینلارشدی. سبدین دلیک- دئشیکلریندن باخیب، قۇردون گۇزلرینی پاریلداماسینی گۇرندە، ائله خیال ائلهدی کی، سبدین ایچی دولو قارا اوزومدور. بونا گۇره ده سبدي آخشاما کیمی گۇزدن قویمایب، آخشام چاغي اونو آرخاسینا آلیب کنده گتیردی. ناخیرچی نین اۇشاقلاری سبدي گۇروب، بۇ نهدیر؟- دئیە سوروشاندا، ناخیرچی: - دینمەیین، سیزه اوزوم گتیرمیشم،- دئیە جاواب وئردی. او، چاریقلارینی چیخاریب شامینی یئیر- یئمز سبدي آچماغا حاضرلاندى. اوزومدن اۇترو ال- آیاقلاری تیرەین اۇشاقلار دایان- یۇوره سینی آلمیشدیلا. آما سبدین آغزینی بیر آزینی آچمیشدیلا کی، اوزوم یئرینه سبدن بیر قۇرد ائشیکه سیچرادی. قۇردون قورخوسوندان رنگی قاچمیش آرواد اۇشاقلارین بیرى داش، بیرى آغاج، بیر شیش، بیرى کۇسۇو، بیرى بالتا، بیرى ناجاق گۇتوروب، دیلسیز قۇردون جانینا دوشوب، او قیدر وۇردولار کی، قۇرد چۇل کیمی یئرە سریلیب، اۇلدو.

قۇرد دا اینانیب، دیلینی ایکی داشین آراسینا قویدو، تولکو اینده ساخلادیغي اوست داشی قۇردون دیلی- نین اوستونه قویدو. دیلی ایکی داشین آراسیندا قالان قۇرد ال- آیاق چالماغا باشلایاندا تولکو دئدی:

● گزک دۇزه سن، آتالار دئییلر: - «ایشین اۇلینی نه دوست گۇرسون، نه دوشمان»، قارداش، هله ایشین اۇلی دیر.

قۇرد چابالامقادیدی کی تولکو ائشیکه چیخیب، سوولموش سۇبو دییرمانا دۇندردی. دییرمان یولا دوشوب، قۇردون دیلینی دارتیب، دۇیولموش ات کیمی ائلهدی. تولکو ایچری گلیب، دییرمان داشینی قانلی، قۇردو ایسه دیلسیز گۇرندە سوروشدو: نییه بس بئله؟

دانیشماغا دیلی اولمویان قۇرد، نئجه قاندرمالییدیس، تولکویه قاندردی کی، من بیلیرم ایشی بۇرایا یئتیرن سنسن. آما تولکو اوزونو گناهسیزلیغا وۇروب دئدی:

● یوخ، قارداش، دییرمان ایشه دوشندە، سن دیلینی دالی چکمه ایله بئله بیرگونه قالدین، بیر آز دۇزه- یدین بئله اولمازدی.

ایشی بئله گۇرن قۇرد، تولکودن کوسوب گتندی، آما آتالار دئمشکن، «ایت موتالدان ال چکدی، موتال ایتدن ال چکمدی»، قۇرد تولکودن آیریلیب گتندی، آما تولکو قۇرددان ال چکمه دی، بئله کی بیرگون او بورونونون هر دلیگینه بیر گیلە اوزوم سوخوب، قۇردون یانینا گلدی. دیلینی الدن وئریب، گۇزو اونون- بونون اینده قالان قۇرد تولکونون بۇرنوندا اوزوم گیلەلرینی گۇروب، ایشاره ایله سوروشدو:

● بۇرنوندا نه وار؟  
تولکو جاواب ئردی:

● گئچن گئجه بیر باغا گتدیم، اورادا او قدر اوزوم یئمیشم کی، ایندی بۇرنوندان گلیر. بونو ائشیدن قۇردون آغیزی سۇلانیب، یالتاقلانا- یالتاقلانا تولکودن اوزوم یئمەیه گئندە، تک گتتمە- میینی خاهیش ائتدی. تولکو قۇردون بۇ خاهیشیندن سئوینسه ده سالیندیرماییب دئدی:

● یوخ، قارداش، سنی آپارا بیلیرم، چون سنی گۇرسه لر، داها منی ده باغا قویمازلار.

آما قۇرد ال چکمه دیکده، تولکو سۇیلهدی:

● قوي گۇزک، بلکه سنه ده بیر ایش گۇره بیلدیم.  
تولکو صاباح گندیب، آغاجلاردان چوخلو شوموش و





ابوالفضل موحد

## چیلله نغمه لری: «گولوم گل نغمه سی»

نوروزا هله ۹۰ گون قالمیش، یعنی قیشین بویوک چیلله سی نین گیرمه سیله باغلی، چیلله شن لیک لری کئچیریلیب، موختلیف نغمه لر اوخوناردی. بعضی یئرلرده بو مراسیم لره «چیلله کسدی»، «چیلله» و ائله جه ده «چیلله دن چیخما» نغمه لری دئییلردی.

کئچمیش دوشونجه ده، قیش؛ چیلله لره و بوز آبی نا بؤلونردی. اینسانلارین خیال و تصورونده کی، قیشین بیر چوخ اوبراز لارینا موناسیب و موختلیف مراسیملر قورولاردی. بوگون بیز بو خصوصیت و اونلارا باغلی اینانچ و دوشونجه لری فولکلوروموزدا یاشایان چیلله نغمه لرینده گۆره بیله ریک. مثلن، «گولوم گل» نغمه سینده «قار»، آغ اؤرپک شکلینده ترنوم ائدیلیلر.

آغ اؤرپه بییم تولوم گل

آی آغ گولوم، گولوم گل

اکینیمین یورغانی

قارا کلین درمانی

آغ اؤرپه بییم تولوم گل

آی آغ گولوم، گولوم گل

«گولوم» بیر سیرا مراسیم نغمه لرینده، اسطوره وی و آلت قاتلاردا ساخلانان بیر شخصیت و ایلاهی کیمی دیر کی، اینسانلارا «بوللوق و برکت» گتیریر. مثلن: باشقا بیر چیلله نغمه سینده اونون نه ایش گۆره جه یی (فونکسیونو) بئله آچیقلائییر:

«گنجه یاری گلین باجی

جیک جیککه جیککه لندی:

قورخو دوردو قصدیمه

قلینچ چکدی اوستومه

اود- اوجاغیمی سؤندوردو

فولکلور، اینسانلارین حیاتی نین معنوی ثروتی و اونلارین کئچمیش دوشونجه لرینین گوزگوسودور. شفاهی خالق ادبیاتی هله یازیدان و یازیلی ادبیاتدان داها چوخ-چوخ اؤنجه یارانمیشدیر و بونا گۆره ده اونون قاباریق ایزلری ادبیاتدا اوزونه یئر آچمیشدیر.

بوگونوموزده، فولکلور و بیغماق، اویرنمک و عئلمی آراشدیریب و تدقیق ائلمه سی هر بیر جمعیتین حیاتیندا واجیب مسئله یه چئوریلیدیر.

عئلمی تدقیقاتدا ایستفاده اولونان فولکلور ماتریال لاری، اساسن «سؤیلنجه»، ناغیل و داستان متن لریندن عیبارت دیر.

میف و اسطوره نین تعریفینده بئله دئمک اولار: «اینسانلار دانیشیب، قونوشماغی اؤیرندیی گوندن یئر اوزونده یاشامین تۆره نیشی حاققیندا طبیعت اولایلاری، آلاهلار، روحلار و افسانه وی قهرمانلار حاققیندا اینسانلارین ان قدیم دوشونوش و اینانجیلاریندان یارانان روایتلر.»

اساطیر و میفولوژونون نظری مسئله لرینده هر شئی دن اول بیز کئچمیش اینسانلارین دنیا گۆرولشلی و دنیا دان نجه دوشونوندوکلری حاققاتانیش اولوروق.

میف و اسطوره یه گنیش معنادا حئکمت دئمک اولار. چون ابتدائی اینسانلارین، داورانیش یینی، اخلاقینی تنظیم ائیله یین قانون و قایدالار مجموعه سیدیر.

میف دار معنادا بیرسؤزدور. بو سؤزون سیمبوللاری آلتیندا چوخلو اعتقادلار، اینانچ لار، میفیک دوشونمه قابلیتی گیزلنیر.

آشاغیدا، بیر اؤته ری باخیشدا بیر نجه چیلله نغمه سی و اونلارین اسطوره وی آنلامی، گۆز قاباغینا گتیریلیدیر.



۱- فولکلور (folklore): خالقین کئچمیشیندن گلیمیش شفاهی فرهنگ و ادبیاتی

۲- قاباریق: برجسته

۳- سؤیلنجه: اسطوره، افسانه myth, mif

۴- دکترم. ع. فرزانه - فولکلور بدیعی ادبیات ترمین لرینه آچیقلاما (ال یازما) ص ۱۳۷

۵- دنیا گۆروشو: جهان بینی

۶- داورانیش: یاشاییش طریزی

۷- بوز آی - بهمن آبی منظوردی.

## قورخو - جسارت !!

دوکتور زهتابی («شیخ محمد خیابانی» اثریندن)

قورخو انسانلیغین طبیعتینده  
اهرمن نفسلی بیر هیجاندیر.  
قورخو شرافته گئدن یوللاری  
قارا پرده کیمی اؤرتن دوماندیر.



قورخاق، جسارتسبز هرھانسی ملت  
شرفلی حیاتا حسرت قالاچاق.  
ظالم بیر جلا دین جاینقلاریندا  
مدام ازیله جک، دائم سولاچاق.



قورخاق بیر ملتی قول ائتمک اوچون  
تانیش دونلو بیر قورد تاپیلاچاقدیر.  
فرعونو شیشیردیب فرعون ائله ین  
اونون اؤز گوجو یوخ، رذیل قورخاقدیر



هرھانسی ملتی گؤرسز اسپردیر  
بیلمین کی، سببی قورخاقلیغی دیر.  
کیم کی، اؤز قانیله ساخلار شرفین  
ان کیچیک ثمری آزادلیغی دیر.



زورا باش اندیرن ایتیرر اؤزون  
گؤز یومار حقیندن، شرافتیندن،  
کیملیگین، منلیگین آياقلار اؤزو  
کنچر تاریخیندن، اصلتیندن.



قورخو بیر ملتین قلبینه سئرسه  
یئنیلمز قدرتین هنج ائدر اونون.  
جسارت کؤینگین چیخاردیب آتار،  
گئییه ر اؤز الیه اسارت دونون



حیاتین معناسی او دئیل دیرکی،  
نه یئییب، نه ایچیب، نه گؤره جکسن.  
حیاتین معناسی اوندادیرکی، سن  
گله جک نسیله نه وئره جکسن!



قورخمایان ملتین اوجادیر باشی.  
سعادت جرأتین گيرووندادیر.  
اسارت آزادلیق یارادا بیلمز،  
آزادلیق دؤیوشون آلووندادیر!

جایناق: چنگال

سئرمک: گیرمگ

یئنیلیمک: شیکست یئمک

اوزون مندن دوندردی؛

«گولوم» گلدی، کؤسؤو لری اودلادی؛

«گولوم» گلدی، اوجاغمی خودلادی.»

چیلله لره باغلی نغمه لرده، چیلله دؤورونده کی، هاوادان  
سؤز آچیلیر. شاختانین شیدت لنمه سیندن دانیشیلاراق،  
اینسانلا اونون بوی - بوخونو، گوجو و عمومیتله ایچه ری  
عالمی حاقیندا سؤز گئدیر. بو مراسیم لرده بؤیوک چیلله  
نغمه لری گؤزل سسلریلهاوخونولور. گؤزل سسلریله  
اوخوماق اوندان اؤترو دور کی، بؤیوک چیلله اینسانا چوخ  
زیان وورمور. بو مسئله کیچیک چیلله ده عکسینه دیر:

«بؤیوک چیلله بویو بیر بئله (الرله ایشاره اوزونلوغا)

گلدی ائله گوله، گوله

آغ گولونوده گؤستریدی

آل گولونوده گؤستریدی،

نه، ننه می داغلاتدی!

نه، بیر اوشاغی آغلاتدی!

تای قویدوم کروانینا

تایلی اولسون!

پای قویدوم خورجونونا؛

پایلی اولسون!»

بؤیوک چیلله نین شخصی لندیریلیمیش شخصیتی نین،  
عکسی اولاراق؛ کیچیک چیلله داها سرت و سویوق طبیعت  
لی و آمان سیز دیر. اونا گوره ده کیچیک چیلله بئله تصویر  
اولونور:

« کیچیک چیلله بویو بیر بئله، (الرله ایشاره اولاراق قیسالیغا)

هیککه سی وار بیر بئله، (الرله ایشاره انلی اولماغینا)

گلیشی اولدو «های» - ینان،

گئدیشی اولدو «وای» - ینان

الینده قیرمانچ

ائلی - گونو، یاندیردی.»

بو نغمه لر ده بیر آرزوی قیشین قورتولماسی، اینسانلارین  
چتین لیک لری باشا وئریب، یازا چیخماسی ایستکلری  
گؤرسه نیر.

۸- اوبراز: خصوصیت و شخصیت

۹- آغ اورپک: آغ رنگیده اوست اورتوک، گلینین آغ لباسی

۱۰- تول / دول : تور؛ گلینین پرده اورتوبی

۱۱- کؤسؤو: اود آلیشدرماق اوچون کؤر - کؤس

۱۲- آل: قیرمیزی

۱۳- هیککه : ان ؛ قالینیق

۱۴- قیرمانچ: قامچی - چوبوق باشینا باغلانان گون شاللاق



## اوستاد حبیب فرشباف



اکبر صالحی «قاداش»

حبیب فرشباف توخوبور.

ایپی، ایپک سئوگیسی، اینسانلیغا!

آلقاجی، خالقییلا قایناییب، قاریشان، آل قانی!

بوپو، آتا-بابا اؤیودلری نین-

دیوارلاریندان بویلانان اخلاق!

گؤلؤ، چیچک لنن خیباوان اوشاقلاری!

نه آراشییه،

نه بالاشییه،

حاشییه سیز دیر بو توخویان قالی

اونون چیچکلری اوستونده بولبول اؤتور

چنگیزین سازی کیمی!

چنگیزین سازی سسلنیر،

مئشه پارائین دلی سوو بازی کیمی،

ایلدیریملی شاخان-

کور اوغلونون قیلنجی سایاق،

اییق، ساییق، دایاق قارداغ اوشاقلارینا!

گون آیدین حبیب معلم!

دان یئرین، قارداغ کندلرینده گورونور.

گۆنشینین ساچی،

ورزقان دا هؤرونور.

نییه هؤرونمه سین؟!

توخودوغون قالییا ایپ گره کیر،

اؤزوده ایپک دن!

نه ده دوغال توخویورسان،

قباقدان هئچده نقشه سی-

چکیلیمه یین، بو ایپک قالی نی!

توخودوغون قالی نین،

هر ایلمه سی بیر اینسانی حیاتا دیویول هییر!

بو قالی دا اینسان، اینساندیر.

آغی دا گؤزل، قاراسی دا،

تورکوده گؤزل، فارسی دا!

یولداشلیغا، باریشیغاسالینیب،

بویلاردان بویلانیر ایلمکلر.

یورغون پییادا لارا،

آت توخویور ایلمک لرین!

اوشاقلارین بارماقلارینین اوجوندان

اوچماغا-

کپه نه هیه قاناد وئریر، ایلمکلرین!

بؤیوکله اؤرنک اولان، کؤرپه چوبان،

کیبریت وئریر ایلمکلرین!

حیات وئریر ایلمکلرین!

نه گؤزل داد وئریر ایلمکلرین!

آخی اوجقار کندده توخودوغون-

بیر جوت نار،

اؤبه اؤ دولانیب، پایلانیب،-

بیر نار دن هسی ده منه چاتیب، دئی هسن!

په هویونه! ایکی نار، بو قدهر پایلانا

بیلریمیش!؟

هه! هله پایلانا جاقدیر!

سرگییه قویولوب او ایکی نار!

هله، چوخ خسته لری ساغالتماغا-

ایمکان تاپا جاقلار.

حاشییه سیز دیر بو قالی

نه آراشییه،

نه بالاشییه!

زنجیره سی متن دن باشلانان،

سرحدلری آشان،

سئوگی سارمانشیغی!

متنی نین باشلانیشی،

باغ مئشه!

بو قالی یا قورتولماق سؤزو-

گلمز ایشه!

هله توخوماقدان یورولمایا جاق-

بو قالینی حبیب فرشباف!

۹۶/۱۷/۲۸

اوستاد حبیب فرشباف، شاعیر، یازیچی وهامیدان آرتیق، اینسان سئون، بوتون حیاتیینی چتین شراییط ده درس اوخوماق

ایسته یین اوشاقلارا حصر ائدن اینساندیر. او ورزقان زلزله سینده آیلارلا زلزله گؤرموش اوشاقلاری تک قویمادی، ایندی

ده تهراندا خیباوان اوشاقلارینین تعلیم و تربیه سینه مشغولدور.

آراشییه و بالا شییه: قالی نین قراغینداکی نظم ایله توخونموش حاشییه لره دئییلر. آرا حاشییه و بالا حاشییه، (شییه،

آغیزدا حاشییه نین قیسالمیش شکل)

آلقاج: قالی نین افقی چکیلیمیش بویلاری بی-بیرینه باغلایان انبیدان اولان ایپ

زنجیره: قالی نین قیراغیندا نظم ایله توخونموش لاپ اینجه حاشییه

بوی: قالی نین بویلوقدان چکیلیمیش ساپلاری دئمک دیر، تارقالی

متن: قالی نین اورتا و گنیش پارچاسینا دئییلر.

مئشه پارا: قارا داغ اورمانلاریندان (جنگل) دیر.

چنگیز: اوستاد چنگیز مهدی پور، ساز دونیاسینین سؤسوز صنعتکاری، اوستاد فرشبافین مدرسه و اخلاق شاگردی

یورغون پییادا لارا، که په نک، نار: و بو کیمیلر اوستادین یازدیقلارینا اشاره دیر.

باغ مئشه: تبریزین محله لریندن، اوستادین دوغوم یئر

## تبریز دئییه رک

مهناز صابونی «آیتای»

منده بیر قوش یووالانماقدادی تبریز دئییه رک

دامغالار ایچره بوتون وارلیغیالقیز دئییه رک

قورو گؤل دن چایا اوچماقدادی سون دویغولاری

آجی دردین بو غریب اولکه ده سس سیز دئییه رک

و سوکوت تورمه له ییب گوزگو تک آیدین دیلینی

نیسگیل ایله قه هرین هر گنجه گوندوز دئییه رک

اؤیونور قوچ نبی، ستار خانا مشروطه چی تک

تاریخین چینیینه گورکملی مین اولدوز دئییه رک

داریخیر، چیپچالاییر هئی اوزونو دام\_ دوواری

ارک ائدیب حسرتینی «ارگینه» سیز \_ سیز دئییه رک

ائل گؤلونده اوتوروب اورمویا دیز چؤکمه ده دیر

گوزیاشین آخماسینی دوزلاغینا ایز دئییه رک

گؤی مچید دن اوجالیر آخ وایمیز عئینالیا

چن ده، چووغوندا ایترکن سونا، کهریز دئییه رک

تبریزین بیتگی لرین قیرماسین «آیتای» بو قده ر

باسیریق آغریمیز اوسته نانا، یاریبیز دئییه رک.

میللت لرهامیسی  
دوستدو، قارداش دیر

بولود-قاراچورلو «سهند»

...من دئمیرم اوستون نیژادانام من

دئمیرم ائللریم ائللردن باش دیر

منیم مسلکیمده، منیم یولومدا

میللت لرهامیسی دوستدو، قارداش دیر



چایماق ایسته میرم من هئچ میللتین

نه دیلین، نه یئرین، نه ده امهیین

تحقیر ائتمه میرم، هده له میرم

کئچمیشین ایندیسین یا گله جهیین



پوزماق ایسته میرم من بیرلیکلری

انسانلیق بیرلیی ایدئالیم دیر

قارداشلیق، یولداشلیق، ابدی باریش

دونیا دا ان بؤیوک آرزولاریم دیر



آنجاق بیر سؤزوم وار، من ده انسانام

دیلم وار، خالقیم وار، یوردوم-یووام وار

یئردن چیخمامیشام گؤبه لک کیمی

آدامام حاققیم وار، ائلم- اوبام وار



قول یارانمامیشام یاراناندا من

هئچ کسه اولمارام نه قول، نه اسیر

قورتولوش عصری دیر انسانا بو عصر

اسیر اولانلاردا بوخوون کسیر...



## دوغا



اصغر ساعی «وولکان»

بۇل حشره، جر-جناوار مین تیره  
میغمیغا، میلچک، بۆوه، کرتله  
پیس پیسا عقربدی، سیچان، بیت-بیره  
چوخدو سایه هرنه یازام وار هله  
کیف توتاسان آشغالی آتسان چۆله



فاریق اولوب مزبله ده بیر سیچان  
بئش بالاسی آجدی، سوتو یوخ گومان  
پالم لی سوت قورخورو وئرسین زیان  
سن ده دور گنت، یاردیم ائله، آچ، بله  
کیف توتاسان آشغالی آتسان چۆله



چایلاری، اورمانلاری یاندیر، قوروت  
قورخما تاپیلماز داها گۆیده بولوت  
بیر دنه ده گل دۆزدک آیری لوت  
باشلا بو صحرا ده ایلان تک مله  
کیف توتاسان آشغالی آتسان چۆله



دوشدو آیقاندان دوغا تبتیر دیزی  
اورمو گۆلوندن قالیب آنجاق ایزی  
کیم قورتارار تهلیکه لردن بیزی  
دؤنمه سه بو وعده-وعیدلر فئله  
کیف توتاسان آشغالی آتسان چۆله



بیز کیمه ترپتمیشیدیک دیل، دوداق؟  
قارغیدی کیم بیز لری، اولدوق سالاق؟  
کیم قویار اؤز وار-یوخو اوسته آیاق؟  
عقلی اولان کندینه قورماز تله  
کیف توتاسان آشغالی آتسان چۆله



«وولکان» ا دئینه ن(دئ گیله)، بیراق، اولما کنه  
عاغلی یوخ آخماق، دؤدمه، بوش چنه،  
دنگ ائله ییب، بئینینی قاتما گینه  
دئینه(دئ گیله) پول هاردان گلیر آسان اله؟  
کیف توتاسان آشغالی آتسان چۆله

هاممی دئییب، من ده دئییم بیر کره  
هم سنه هم قنبر ایله صفدره  
ضربعلی یه، پنجهلی یه، اژدره  
خججه، ربابه، بطولا، افطله  
کیف توتاسان آشغالی آتسان چۆله



کامبیز- آزیتا، پری یه، ساغره  
ائنانزیه، سولمازا، نیلوفره  
یاسر ایله، میثم ایله بوذره  
قارنیکه، اندموندا، روبیک، مائله  
کیف توتاسان آشغالی آتسان چۆله



قیرمیزی، ساری، قارا نایلون پاکت  
چیپس، پۆفک کاغدی، یانمیش موکت  
پیسی کولا بو طریسی، قیپ سیز راکت  
داغ، دره، دؤز اولدو بوتون مزبله  
کیف توتاسان آشغالی آتسان چۆله



کۆهنه پالاز پارچاسی، دیشسیز داراق  
ساخسی، شوشه، خیردا سینق فیشقیراق  
پانبیغی پیرتلاق، یایی چیخمیش یاتاق  
اولدو سیچان، بیت-بیره یه سیلسیله  
کیف توتاسان آشغالی آتسان چۆله



باخ بوکیفیر صحنه یه اوغلان آلیش  
کۆهنه دۆکچه، اؤزو بیرتقیق بالیش  
تور سوز الک، تسمه نوار، تایی قالیش  
بؤیرو دلیک دولچا، دییی یوخ سله  
کیف توتاسان آشغالی آتسان چۆله



بیرکره قوللانمالی بوشقاب، چاناق  
سؤفره، چاتا قاشیغی، بارداق، پیچاق  
بور-بولاشیق اسکی، پوشاک، قاخ پاپاق  
حاییف اولایا، زیبیل، پئشکیله  
کیف توتاسان آشغالی آتسان چۆله

## خوروز



رحيم كاويان



تويوغون نازائله ينده نيهه بس هيزلنيسن  
سنى اوغلان تانيريق هئى گولوسن قيزلنيسن (قيزلانيسان)

كيشى سن تولكو گورنده نيهه بس گيزله نيسن  
تويوغو قوردا وئريب بئيله قودوزلانما، خوروز!  
كيشيلىك ساتما بيزه، چوخدا خوروزلانما، خوروز!



سن مۇدنسن اگر چيخ دامام هرگون وئر اذان  
قاضى سان ميلتى آلداتما گيله، ساتمايالا  
لوطوسان بيغلارى بور، گئت چالا مئيداندا دولان  
هله سن دارغاشاييرد سان بئله بۇزلانما، خوروز!  
كيشيلىك ساتما بيزه، چوخدا خوروزلانما، خوروز!



تولكو - چاققال نه زاماندير كى يئريكليز ايتينه  
توتسا همسايه سنى دوزآتاجاقدير ايتينه  
هامينى تنگه گتيردين گنده، لعنت سوتونه!  
مئيدانى خالى گوروب بوش يئر تۇزلانما، خوروز!  
كيشيلىك ساتما بيزه، چوخدا خوروزلانما، خوروز!

بئله مغروردولانيب بيزلره پوزلانما، خوروز!  
كيشيلىك ساتما بيزه، چوخدا خوروزلانما، خوروز!

نيهه واعيط كيمي واقتسيز يئر هئى بانلاييسان  
اۇزون عاليم بيليسن اۇزگه لرى دانلاييسان  
ائله بودونيدا پيس - ياخشينى سن آنلاييسان؟  
لاپدا دوزسوزدو جمالين، بئله دوزلانما، خوروز!  
كيشيلىك ساتما بيزه، چوخدا خوروزلانما، خوروز!



باشينا تاج قويوب شاهلارا اوخشاتدين اۇزون  
اوزاديب ساققالينى طالبانا قاتدين اۇزون  
نه شاه اولدون نه ده داعيش يئنه آلداتين اۇزون  
هله قيشدير قودوروب بوش يئر يازلانما، خوروز!  
كيشيلىك ساتما بيزه، چوخدا خوروزلانما، خوروز!



كيشى سن پول قازان آل آروادينا بوغدا - دارى  
كيشينين اولماليدير دوولتى، مالى، ووقارى  
قويمورسان بيرجه يومورتا، فالانى ايچمه بارى!  
بانلاياندا اوزاديب بوينونو قازلانما، خوروز!  
كيشيلىك ساتما بيزه، چوخدا خوروزلانما، خوروز!

نانجيب! گونده بئش - اون آرواد آليسان موفته  
نه كيبين سالديريسان، نه وئريس چك - سفته  
يئيسن بوغدانى - دارينى اولورسان كوفته  
چوخ شيشيرتمه اۇزونو بوش يئر نازلانما، خوروز!  
كيشيلىك ساتما بيزه، چوخدا خوروزلانما، خوروز!



# باريش دوست لوق اوچون

حاضر لادی: سوسن نواده رضی



اۆزبکیستان جمهور باشقانی نین حۆکمو ایله «تورک دوست لوق میدالی»، ایران آذربایجان نین تورک یازار و آراشدیرماجیسی، دوکتور حسین محمدزاده صدیق (دوزگون) -ه وئریلدی.

اۆزبکیستان نین دوست لوق نیشانی، اۆزبکیستان جمهور باشقانی شووکت میرضیایئو-ین قراری ایله، اۆزبکیستان جمهور و سونون باغیمسیزلیغی نین ۲۹-نجو ایل دؤنومو موناسیبتی ایله فرقلی اۆلکه وطنداش لارینا و یورددیشیندا یاشایان اۆزبک وطنداش لارینا وئریلدی.

بومراسیم چارشنبه، ۱۹ آذر ۱۳۹۹، ساعات ۱۳ اۆزبکیستان جمهور و سونون تهران داکی سفارت خاناسیندا کئچیریلدی.

عالی دوستلوق نیشانی نی تقدیم ائتمه مراسیمینده دوکتور حسین محمدزاده صدیق-ین دانیشماسی نین متنیندن بیر بؤلومونو قوللوقونوزا چاتدیر ماغی اۆزوموزه بوج بیلیریک.

## باريش ودوست لوق اوچون

ائلچی لری اولوبلار. بوداهی لردن بیبری، هئچ شوبهه سیز، بؤیوک امیرعلیشیرنویای دیرکی اصلینده ایران و اۆزبکیستان یین اورتاق مدنیتینه عایددیر. اونون ادبی و بدیعی اثرلری اۆزبکیستان، ایران، تورکیه، افغانستان، تورکمنیستان، قازاغیستان و تاجیکستان خالقی نین معنوی دهیرلریندن ساییلیر.

امیرعلیشیرنویای بو اۆلکه لری نین مسلمان خالقی نین بیر چوخ مادی ومعنوی دهیرلری نین یارادیجیسی دیر.

مجالس النفاثس-ین فارسجایا چنوپره نی، فخری هراتی نین دندیبینه گۆره، امیرعلیشیرنویای فضل و کمال اوستادلارینی یئتیشدیرمک دن علاوه، ۳۷۰ بقعه، توربه، بینا و خئیرات لار تیکیب دیرکی، اونلاردان غریب امامیمیزین مطهر حرمی نین عتیق صحنی نین گونئی ائیوانینی، مشهد-ین ایچمه لی سوبونو، شاه قاسم انوارسرابی-نین توربه سی (تربت جام-دا)، شیخ عطار نیشابوری-نین مزاری، رباط سنگ بست-دن آد آپارماق اولار. نوایی ایکی ایل (۸۸۷-۸۸۹)، سولطان حسین بايقرا طرفیندن استرآباد ولایتی نین والی سی عنوانیندا گرگان-ا گؤندریلدی و بو مدتده گرگان- مشهد زیارت یولوندا ۴۸ کروانسارای تیکدیردی. دولت شاه سمرقندی دئییر، امیرعلیشیرنویای-نین تیکدیردی بینالار اوقدر چوخ دورکی، سایا گنیره بیلیمیر.

اونون امری و همتی ایله تیکیلن «اخلاصیه» مجتمعی، تبریزین «ربع رشیدی» سینه بنزه دیلیب و اونونلا توتوشدورولوب. «اخلاصیه مدرسه لری» اونون چاغینداکی ان اؤتملی

بسم الله الرحمن الرحيم

خانیم لار، آغالار:

دوست اۆلکه لری نین سفیرلری و بیلیم آدام لاری و مدنیت خادیم لری نین دوست لوق و قارداش لوق قورماق اوچون بو یئره توپلان دیغینی گۆردویومه چوخ خوشبختم و دوست لوق نیشانی قازانماغا لایق گۆرولدویوم اوچون فخراندیرم. و بوندان دولای اۆزبکیستان جمهور و سونون پرئزیدنتی، جناب شوکت میرضیایئو و بو اۆلکه نین اسلامی ایران داکی سفیری، جناب باها دور عبداله نیو، هابنله داشکند دؤولت بیلیم یوردونون نوایی شناس لوق شعبه سی نین علمی هئیت عضولرینه ده تشککورلیمی بیلدیریم.

بیلیم سل و ادبی آکتیویست لییمین بؤیله سینه خئیرلی بیروالایا نه دن اولدوغو اوچون غرور دویورام و منندارلیغیمی یئرینه گتیریم دئییه، سیزلره بیلیریکده باریش، قارداش لوق، دوست لوق و اؤزگورلوک چاغیری سیندا بولونورام. دوست لوق، یاردیم لاشماق، یول بیلیریک، اورک بیلیریک، قارداش لوق و خئیر خواه لوق دئمک دیر. دوست لوق کینه به، نفرت، دوشمانچیلیغا ایغیری دیر. مولاعلی (ع) دوست لاری، آیری- آیری جیسملرده اولان بیر جان کیمی توصیف ائدیپ.

شعروادب اهالی سی اۆلکه لر آراسینداکی دوست لوقونان یاخشی ائلچی لری دیرلر. تاریخ بو یو شاعیرلر و ادیب لر دوشمانچی لیغی و نفرتی مغلوب ائتمه یی هدف آیبیلر و سئوگی ایله باریش



## یاز اولاجاقدیر

باقر موحد

تئز- بئواقت یاز اولاجاقدیر اولاسان، اولمایاسان

یئر گۆیه گول دولاجاقدیر اولاسان، اولمایاسان

بیر سئوینجین گولو هریندرده یاشاتسان قالاجاق

آیری گوللر سولاجاقدیر اولاسان، اولمایاسان-

بیردنه یاردوداغین گولدوره نه دک بو سئوینج

چوخلو تئلر یولاجاقدیر اولاسان، اولمایاسان

یاشاییشدان پاییمی گل ایه (اگر) چوخ اولسا آزالت

گۆزلریمدن یولاجاق دیر، اولاسان، اولمایاسان

دۆز گۆزل قیش گونونون عؤمرو اوزون اولمایاجاق

تئز-بئواقت یاز اولاجاقدیر، اولاسان، اولمایاسان

ائیتیموآراشدیر مامرکز لریندن سایلیردی ویوزلرجه بیلیم آدمی، مفسر، قران قاری سی، مؤذن، شاعیر، کاتب، یازیچی، تاریخ یازار، خوشنویسوس... اورادا ائیدیلیمیشلر.

مثلن دئییلیر، هرات مسجدی نین مجموعه سی تیکیلنده (۹۰۳-۹۰۴). اونون شخصن اوردا حضور و وارایدی. مکارم الاخلاق دا گلیب، مسجد بیناسی نی تکمیل ائتمکده رسام «خواجه میرک» کتیبه لرین یازماسینی تاخیره سالدی و سبب اولدو کاشی تراش لار بیرسوره ایش سیز قالسینلار. بو اوزدن حکومت دیوانی اونا ۵۰۰۰ دینار جریمه یازدی و مامورلار جریمه نی آماق اوچون اونون سوراغینا گئتدیلر. خواجه میرک امیر علی شیر-دن یاردیم ایستیمک مجبوریتینده قالدی. امیر شرط ائله دی اگر کتیبه لری تئزلیکله باشا چاتدیرسا اونون تقصیریندن کئچرلر و جریمه آلمازلار. خواجه میرک ایسه اؤز ائوینده ایشله ییب، ۱۵ گونون ایچینده کتیبه لری بیتیردی.

نویای هرات شهری نین ائشییینده طب اؤیره نن لرین اوردا اشتراک ائندیک لری بیر معظم خسته خانامجتمعی تیکدیردی.

نویای سفرده- حزرده سولطان بایقرا-نین ندیمی و همراهی اولسادا، آنجاق حکومت منصب لرینده قالماغا هئچواخت گویلو یوخ ایدی و اؤزودئیمیش کن «مؤهور سیندیریب، استعفا ائتمیش». او، مدنی ایش لره و اخلاقی فضیلت لرین یایلماسینا گویول وئردی و اؤزیک تورکجه سی ایله کلاسیک فارس دیلینده اوتوزا یاخین منظوم و منثور اثر یاراتدی کی، هامیسی قالارقی و ایز بوراخان دیر. بوگون مولانا-نین «گلین گئجه سی» آدلانان اولوسلار آراسی آنما گونودور. منه «دوست لوق میدالی» نین وئريلمه سی نین بو موبارک گونویله اوست- اوسته دوشمه سینی اوغورلو ساییرام و اومید اندیرم بومیدالین وئريلمه سی، ایران و اؤزبکیستان خالقی آراسیندا آرتان دوست لوق وهم رای لییین قورونوب ساخلانيلماسی و گئنیش لندیريلمه سی آنلامیندا اولاجاق و دونیا اؤلکه لری نین اورتاق گلیشمه سی و چیچک لنمه سی ایدئالینا گوج و معنا وئره جکدیر.

میلتلر و حکومت لر آراسیندا کی امکدانش لیغین گلیشمه سی دونیا بارشیغی نین واستقراری نین قورونماسیندا اهمیت لی تاثیره مالیک دیر.

تهران- ۱۳۹۹/۹/۱۹

قوزئی دوغوسو: شمال-شرق

اورتاق: مشترک

ائیتیمو: کلمه آراشدیرماق

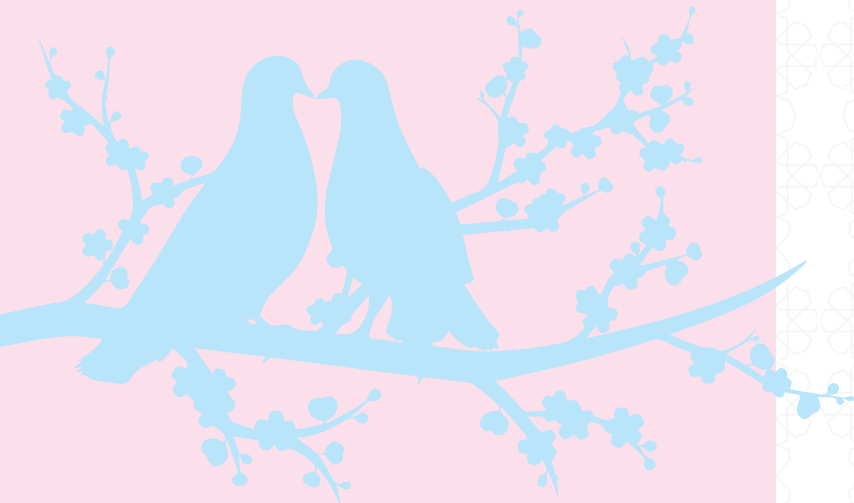
ائیدیلیمیش: رشد و تربیت اولموش

بیلیم یوردو: دانشگاه

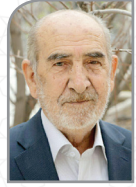
اولوس: ملت

آنما گونو: روز تجدید خاطره، بزرگداشت

آیغیری: آیری، مقابل، عکس



## قیزلاریم



شرفخانالی ناظر «ملک پور»

کلبه سنین (کلبه حسن) آذانی

یولا گتیره ر آزانی

«شیناور» ین سه ضربی

ائده ر کباب قلبی

«مشتی ایمان» ین شورایله

ذکر مصیبت لری

جاهیل لاری گولدورر

آغلادار آروادلاری

قارا داغلی «ذوالفقار»

قیها چکر باش یارار

حضرت قولو زونوزلو

سوزلری دادلی، دوزلو

«میرزاغا» نین دوکانی

اولموش اونون مکانی

پاریلداردی گوزلری

دئیه ردی بو سوزلری:

● ● ●

آدین نه دیر؟ حاققالی

گئت دارا بیر ساققالی

دور حاجی باققاله باخ

گور نه سوبور چاققالی

● ● ●

آدین نه دیر؟ میرزاده

آنلاماز اول دونیادا

آنلایان حسرت سالار

دونیادا هر بیرینا

آدین نه دیر؟ یدوللا  
ائششکی ترسه چوللا  
ایستیر ایشین دوز گله  
یا سید اول یا موللا

● ● ●

آدین نه دیر؟ اردشیر  
قولاقلاری ترپه شیر  
هاردا اولو بول اولسا  
شیللاق آتار میرده شیر

● ● ●

آدین نه دیر؟ خان پاشا  
اوبماپار او، یولداشا  
پوللاری دولدور جیبه  
دونیادا راحت یاشا

● ● ●

آدین نه دیر؟ خانباچی  
دوغ ایکی اوغلان باچی!  
اکبره «کیشدان» اویره ت  
اصغره «تولانباچی»

● ● ●

سارا! سورا! سریه!  
گندین دئیین پریه  
پری دئسین قیزبسه  
قیزبس دئسین زریه

دعا اندک قیش چیخا  
قار قیرولار اریه

هامار، هامار داملارا  
آخیب دولار دریه

سئل کیمی آخا - آخا  
ساللاریبیخا - بیخا

دوشمانلاری آپارا  
دوستلاریم باخا - باخا

سندنه آپولدار کیشی!  
بوشلاگیلن ایش - میشی

وئر ربایا پوللاری

چک کئفینیبای - قیشی

دیل - دماغی چاغ ائیه!

اوزگهپئرین باغ ائیه

پاییز پیشیر قیله نی

کباب پیشیر فیله نی

اتی، یاغدا چوخ قووور!

قووورماسان اییله نی

آدام داماخلیباشار،

بیلنده هر هیله نی

● ● ●

بیر اوره بیم او تاید

«قئی قالاها - قئی قالا»

بیر اوره بیم بو تاید

«قئی قالاها - قئی قالا»

سارا بوغولدو چایدا

«قئی قالاها - قئی قالا»

«بیر قوشوم وار بو بویدا»

«قئی قالاها - قئی قالا»

بو سوزلری قیزلاریم

من دئمه سم ائل دئیهر

اسکندرین بوینوزون،

ئل دئمه سه، یئل دئیهر



# قافله سالاران شعر و ادب فارسی آذربایجان

## این قسمت: خاقانی شروانی

گردآوری: دکتر حسن امین لو

خویش است. سروده‌های خاقانی از منظر مقام سخنوری و توانایی، خیلی غامض و پیچیده است و به همین سبب، در بین عامه مردم از توجه کمتری برخوردار است. چون فهم درست و لذت بردن از اشعارش نیاز به سطح بسیار بالایی از چیرگی به زبان پارسی و دیگر دانش‌ها مانند پزشکی کهن ایرانی، نجوم، تاریخ، قرآن‌شناسی و حدیث‌شناسی دارد؛ همچنین خواننده باید با شعر پارسی از دیدگاه فنی و به اصطلاح صنعت شعر، به حد کافی آشنا باشد تا بتواند به اشعار پرمغز خاقانی به درستی پی ببرد. به همین جهت از زمان خود خاقانی، تلاش برای دریافت و درک شعر او وجود داشته است و شروح گوناگونی از دیرباز بر شعر خاقانی نوشته‌اند. از برجسته‌ترین خاقانی پژوهان ایرانی به سید ضیاءالدین سجادی، میرجلال‌الدین کزازی، معصومه معدن کن، نصرالله امامی و استعمالی می‌توان اشاره کرد. به عنوان نمونه چند بیت از قصیده‌ی هفتاد و دو بیتی که او هنگام درگذشت فرزند بیست‌ساله اش سروده آوریم:

- ۱ صبحگاهی سر خوناب جگر بگشایید / زاله صبح دم از نرگس تر بگشایید
- ۲ دانه دانه گهر اشک ببارید چنانک / گره رشته تسیح ز سر بگشایید
- ۳ خاک لب تشنه خون است و ز سرچشمه دل / آب آتش زده چون چاه سقر بگشایید
- ۴ نونو از چشمه خوناب چو گل تو بر تو / روی پرچین شده چون سقره زر بگشایید
- ۵ سیل خون از جگر آرید سوی باغ دماغ / نودان مژه راه گذر بگشایید
- ۶ از زبر سیل به زیر آید و سیلاب شما / گر چه زیر است رهش سوی زبر بگشایید
- ۷ چون سیاهی عنب کآب دهد سرخ، شما / سرخی خون ز سیاهی بصر بگشایید
- ۸ تف خون کز مژه بر لب زد و لب آبله کرد / زمهریری ز لب آبله ور بگشایید

دیوانش ثبت است، برمی‌آید، یک سالی را در حبس گذراند. بعد از چندی در حدود سال ۵۶۹ قمری به سفر حج رفت و بعد از بازگشت به شروان در سال ۵۷۱ قمری فرزند بیست‌ساله خود رشیدالدین را از دست داد و بعد از آن مصیبت مرگ همسر و مصائب دیگر بر او وارد شد. خاقانی پس از چشیدن داغ مرگ فرزند و فوت همسرش افسرده شد و از آن پس میل به عزلت یافت و از خدمت دربار شروانشاهان کناره گرفت. او در اواخر عمر در تبریز به سر برد و در همان شهر درگذشت و در مقبره الشعرا در محله سرخاب تبریز مدفون شد. سال وفات او را ۵۹۵ و بعضی ۵۸۲ قمری نوشته‌اند. خاقانی شروانی از بزرگترین شاعران ایران در قرن ششم هجری است. وی به خصوص در قصیده، صاحب سبک و از قوت اندیشه و مهارت کم نظیری در ترکیب سازی و مضمون پردازی برخوردار است. دیوان خاقانی شامل قصاید، ترجیعات، مقطعات، غزلیها و رباعیات است که به تصحیح سید ضیاءالدین سجادی در سال ۱۳۳۸ شمسی در تهران به چاپ رسیده است. دیگر اثر خاقانی تحفة‌العراقین است که در نخستین سفرش به مکه و عراقین در سال ۵۵۱ سروده، و در ذکر هر شهر از رجال و معاریف آن نیز یاد کرده و در آخر هم ابیاتی در حسب حال خود آورده است. تحفة‌العراقین به تصحیح یحیی قریب در سال ۱۳۳۰ شمسی در تهران به چاپ رسید. دیگر اثر خاقانی منشآت است که به بزرگان زمان خود نوشته، و غالباً مشحون از کلمات و جملات عربی دشوار و مترادف و گاهی از اشعار خودش می‌باشد. خاقانی اشعاری به زبان ترکی سروده که در باکو به چاپ رسیده است. بین خاقانی و نظامی‌رشته‌های مودت مستحکم بود و چون خاقانی درگذشت، نظامی در رثایش چنین سرود:

به خود گفتم که خاقانی دریاگوی من باشد

دریا من شدم آخر دریاگوی خاقانی  
خاقانی از سخنگویان قوی طبع و بلند  
فکر و یکی از قصیده‌سرایان درجه اول عصر

افضل‌الدین بدیل بن علی خاقانی شروانی در سال ۵۲۰ هجری قمری در شهر شروان به دنیا آمد. پدرش نجیب‌الدین علی نجار مردی فقیر و تنگدست بود به همین سبب تربیت او را به عمویش کافی‌الدین عمر سپرد. خاقانی تا بیست و پنج سالگی در سایه حمایت عمویش بود. اگر عمویش که طبیب و عطار و مرد روشنفکری بوده از او حمایت نمی‌کرد و به استعداد و هوش کم نظیرش توجه نمی‌نمود، کودک در خانواده پیشه‌ور چون درختی خودرو بار می‌آمد. عموی خاقانی همچون پدری مهربان و معلمی دلسوز در فقدان پدر خاقانی، نقشی ویژه در زندگی و نشو و نمای وی ایفا نمود. خاقانی در نزد او انواع علوم ادبی و حکمی را فرا گرفت. چندی نیز در خدمت ابوالعلاء گنجه‌ای شاعر بزرگ معاصر خود که در دستگاه شروانشاهان به سر می‌برد، کسب فنون شاعری کرد. پس از آنکه ابوالعلاء وی را به خدمت خاقان منوچهر شروانشاه معرفی کرد لقب «خاقانی» بر او نهاد. از آن پس خاقانی نزدیک به چهل سال وابسته به دربار شروانشاهان بود. مادر خاقانی مسیحی نسطوری بود که به اسلام گرویده بود. شاعر اطلاعات و معلوماتش از مسیحیت را مرهون مادر و محیط خود میدانند. دیوان خاقانی از نکات خاص مسیحیت سرشار است که با افکار و عبارات ویژه اسلام به هم می‌آمیزد. خاقانی در حدود سال ۵۵۰ قمری عزم خراسان کرد وقتی به ری رسید، در آنجا بیمار شد. والی ری او را از ادامه سفر بازداشت. خاقانی مجبور به بازگشت به شروان شد. پس از مدتی توقف در شروان به قصد حج و دیدن امرای عراقین از شروانشاهان اجازه سفر گرفت و در زیارت مکه و مدینه چندین قصیده سرود. در حدود سال ۵۵۱ یا ۵۵۲ قمری سرگرم سرودن مثنوی تحفة‌العراقین بود. در راه سفر به بغداد، از ایوان مدائن گذر کرد و قصیده‌ی غرای خود را درباره آن ساخت. در بازگشت به شروان باز خاقانی به دربار شروانشاه پیوست. لیکن میان او و شروانشاه به علت نامعلومی کدورت ایجاد شد. آنچنانکه از قصیده‌های حبسیه که در



## شبستر



محمد رضارونقی

به پا خیز ای جوان شور در سر  
به وجد آور تو این ملک کیان را  
به نور دانش و مهر و محبت  
بیا روشن بکن این آشیان را



شبستر. مادر شیرین تر از جان  
تورا من کودکانه می‌پرستم  
چو «رونق» از پس کوه و در و دشت  
به صد دل دوست دارم تا که هستم

به سر سودای آب و خاک دارم  
به دل صد قصه از شهر شبستر  
بسازم نغمه‌های مهربانی  
به نام معجزه، آن مرد سخنور



هزاران خاطرات تلخ و شیرین  
ز کوی و کوچه‌های خسته دارم  
برای مردم شیرین زبانش  
به سینه صد سخن سر بسته دارم



دگر بیدار شوای خفته در خاک  
بزن عاشیق قشم مضراب بر ساز  
برای دوستداران نغمه سر کن  
سراسر ملک را پر کن ز آواز

شبستر پایگاه علم و دانش  
شبستر شهر شور و حال و مستی  
ز فیض شیخ محمود به آیین  
شده مشهور در اقلیم هستی



به کوهش چشمه‌های آب جاری  
به دشتش سرو ناز و بید و صرصر  
به باغش نسترن. نسرين و نرگس  
سراسر خاک آن در است و گوهر



به بالا کوهسار برف در سر  
به پایین آبگیر نیمه جانش  
زمینش سفره ی گسترده در گل  
شبانگه پر ستاره. آسمانش

## زمستان



ملک الشعراي بهار

دوش چون برف بر زمین افتاد  
بر شد از خانه بانگ واویلا  
کودکان جمله در خروش ونفیر  
هریک اندر عزای کفش و کلاه  
پسران در غریب‌و‌هایاهی  
دختران در خروش وواهاوا  
همه گرد آمدند در بر من  
همچو عشاق گردمهر گیاه  
که زمستان رسید و برف نشست  
خیز و پیرایه ده به حجره و پگاه  
گرم کن توشه ی زمستانی  
از ره وام یازدیگر راه  
من ز خجلت فکنده سردر پیش  
که چه بود این بلیه ی بیگاه  
روز من شد سیه ز برف سپید  
وز کفم شد برون سپید و سیاه

دوش چون بر شد آن درفش سیاه  
گشت پیدا طلایه ی دی ماه  
تیره ابری بر آمد از بر کوه  
که بپوشید پرده بر رخ ماه  
وان قنادیل ز رفرو مردند  
از برای فراشته خرگاه  
بادی از مرز شهر یاردمید  
که به پیل دمنده بستی راه  
سوز سرما گذشتی از روزن  
راست چون نوک سوزن از دیباه  
برف روشن میانه ی شب تار  
چون به هم در شده ثواب و گناه  
حال ازین گونه بود شب همه شب  
تابه هنگام بامداد پگاه  
برفی افتاد پاک و روشن، لیک  
روز ما جمله تیره کرد و تباہ  
من از این برف قصه ای دارم  
قصه ای غم فزای شادی کاه



رسید، شبی که از سالیان پیش با جشن و شادی همراه بوده است. امسال هم کمی متفاوت با هر سال شادی این جشن را تجربه خواهیم کرد. امسال شب یلدا را با دل‌هایمان جشن می‌گیریم. دل‌هایمان را دور هم جمع می‌کنیم و از دور یکدیگر را در کنار هم احساس می‌کنیم. این نیز بگذرد...

## شب یلدا

آیلین جلیلی  
دانش آموز ششم ابتدایی

امسال همه چیز نسبت به سال‌های پیش متفاوت بود و خاطرات تازه‌ای در دفتر زندگی‌مان در حال رقم خوردن است، خاطراتی که اولش با تعجب، بعد با ترس و در آخر با عادت کردن رقم خورد. بگذریم... همه این اتفاقات افتاد اما در همین شرایط شب یلدا هم

## پند پدر و مادر

کند. فردای آن روز پسر در سر سفره ی مهمانی گفت چند هفته است که موشی در خانه ی ما پیدا شده امکان مارا بریده و دندانهای تیزش دسته ی‌هاون را ریز ریز می‌کندومی خورد. دوستان در دلشان به ساده لوحی او خندیدند ولی برای خوش آیند او گفتند موش دندانهای تیزی دارد و به راحتی دسته ی‌هاون را می‌خورد. پسر نزد مادر آمد و گفت داستان عجیبی از خودم ساختم ولی آنها به احترام من همه اش را قبول کردند مادر گفت: دوست خوب آن است که حقایق را بپذیرد و دروغ تو را گوشزد کند. مدتی بعد مادرش هم مرد. و پسر به کارهای خود ادامه داد تا همه ی ثروت پدر را به باد داد. روزی که آهی در بساط نداشت و خیلی هم گرسنه بود. به دوستانش برخورد که سر سفره نشسته و غذا می‌خورند. در کنار آنان نشست به این امید که تعارفی بکنند او هم لقمه ای از غذای آنها را بخورد. ولی هیچ کدام از آنها به او اعتنا نکردند. پسر شروع به تعریف کرد که دیشب قرص نان. تکه پنیری کنار گذاشته بودم صبح که بیدار شدم دیدم موش همه آن را خورده است. دوستانش او را مسخره کردند و گفتند. چطور ممکن است موش یک قرص نان و تکه پنیری را بخورد. پسر به فکر رفت و گفت چطور موش می‌تواند دسته ی‌هاون را بخورد ولی نمی‌تواند یک قرص نان را بخورد. به یاد پند پدر و مادرش افتاد. متوجه شد چقدر در انتخاب دوست اشتباه کرده است. ولی کار از کار گذشته بود و پشیمانی سودی نداشت

دهقانی بازن و تنها پسرش در روستایی زندگی می‌کردند. خدا آن‌ها از مال دنیا بی‌نیاز کرده بود و چیزی کم نداشتند. پدر همیشه پسرش را نصیحت می‌کرد تا در انتخاب دوست دقت بیشتر بکند و افراد مناسبی را برای رفاقت برگزیند سال‌ها گذشت و پدر از دنیا رفت و اموال او به پسر رسید. پسر کم کم نصیحت پدر را فراموش کرد و با دوستان ناباب به خوش گذرانی پرداخت. هر هفته مهمانی می‌داد و کلی خرج می‌کرد روزها می‌گذشت و پسر در چند گانه برای تامین هزینه‌ها و ولخرجی‌ها تکه ای از زمین‌های پدرش را می‌فروخت. مادرش که شاهد کارهای او بود سعی می‌کرد او را متوجه اشتباهش بکند ولی گوش پسر به این حرفها بدهکار نبود. یک روز برای این که خیال مادرش را راحت کند قول داد دوستانش را امتحان





# شخصیت پرستی



تهیه و تنظیم: ابوالفضل هدایتی آذری

حمایت بکند، در این صورت کیش شخصیت مسبب تخلف آشکار از دموکراسی، مدیریت عقیم، انواع انحرافات، لاپوشانی کمبودها، و وارونه جلوه دادن واقعیات است. بعضی ممکن است از ما بپرسند: پس جای افراد جامعه کجاست؟ چرا مردم خودشان به موقع در مقابل کیش شخصیت فردی نمی ایستند؟ می توان نگاه های مختلفی نسبت به این مسائل داشت. ممکن است، بسیاری از مردم در ابتدای فعالیت فعالانه از چنین شخصیتی پشتیبانی کنند، چرا که در ابتدا چنین شخصیتی می تواند یکی از قویترین افراد باشد و منطق او، قدرت او، و اراده او تاثیر زیادی داشته باشد، ولی وقتی که بیش از حد ستایش شده باشد. در حالی که فروتنی بخش ذاتی روحیه درست هر شخصیتی است، ما باید یک بار برای همیشه کیش شخصیت فردی را برچینیم. ما باید دیدگاه های مربوط به کیش شخصیت را در تاریخ، فلسفه و علوم تصحیح کنیم، و به صورت سیستماتیک کاری درست انجام دهیم؛ کاری که شاخصه آن رهبری جمعی و انتقاد از خود است.

هرچند شخصیت یا اسطوره سازی و به دنبال آن اسطوره یا شخصیت پرستی همیشه از دیرباز و در دوره های مختلف حیات بشر وجود داشته و همواره انسانهایی بوده اند که بواسطه برخی قابلیتها و جذابیتهای خود، توجه مردم را به خود جلب

بحث این شماره در مورد شخصیت پرستی است، تعریف استادملکیان از شخصیت پرستی این است: «کمتر مردمی به اندازه ما شخصیت پرستند و شخصیت پرستی جز این نیست که شخصیتی خود را بر خود عرضه می کند و خوبی هایی که در زندگی اطراف خودمان نمی بینیم از سر توهم به او نسبت می دهیم و او را به دست خودمان بزرگ می کنیم.» به عبارت دیگر شخصیت پرستی پدیده ای است که در آن یک شخص با استفاده از رسانه های گروهی و تبلیغات سیاسی از خود وجهه عمومی آرمانی و قهرمانانه ای ارائه می دهد. این پدیده با استفاده از تعریف و تمجید در رسانه ها و نیز ایجاد جوی که در آن شخص فارغ از پاسخگویی یا مصون از اشتباه است به وجود می آید. کیش های شخصیت غالباً در حکومت های تمامیت خواه، حکومت های دینی و غیر مردم سالاری برپا می شوند. کیش شخصیت الزاماً در سطوح وسیع و گسترده مثل حکومت ها و کشورها اتفاق نمی افتد بلکه می تواند خیلی ساده در یک اجتماع کوچک هم رخ بدهد.

در واقع موقعی که شخصی به جای همه عمل کند و به هیچکس اعتماد نداشته باشد و از هیچکس مشورت نگیرد، وقتی کیش شخصیت فردی به اندازه غول آسایی برسد، و حتی بیشتر به این خاطر که خود شخص هم از تجلیل شخصیتش



شخص اسطوره معمولاً از این می‌هراسد که مبدا منتقدانش روی ذهن طرفداران تأثیری ناخوشایند بگذارند و از این نگرانند که وجهه اجتماعی اش تضعیف شود. شخص اسطوره گاهی تلاش می‌کند با وسیله قرار دادن طرفدارانش، مَهر سکوت بر لبان مخالفانش بزند. میدان دید افراد اسطوره معمولاً محدود به طیف طرفداران خود می‌شود. برخی اسطوره‌گان برای مخالفین خود هیچ ارزشی قائل نمی‌شوند و از همه انتظار دارند که آنها را در حد بت پرستش کنند.

سوء استفاده از طرفداران برای پیشبرد اهداف شخصی، موضوع دیگری است که بسیار دارای اهمیت است. برخی افراد اسطوره از احساسات، تعصبات و اعتقادات ایجاد شده در بین هوادارانشان به نفع خود و در تحقق مقاصد شخصی بهره‌برداری می‌کنند. آنها می‌دانند که در بین مریدانشان دارای جایگاه ویژه هستند و اگر بخواهند می‌توانند از حمایت آنها نهایت استفاده را ببرند.

جنبه دیگر اسطوره سازی به اشخاص اسطوره پرست برمی‌گردد. خصلتهایی که در بین افراد شخصیت پرست شکل می‌گیرد و به دنبال آن معضلات اجتماعی بی‌پایان پدید می‌آید، گاهی می‌تواند سرنوشت یک ملت را تغییر دهد. انسانهای شخصیت پرست دارای تعصبات خشک، کور و بی‌منطق می‌شوند. آنقدر جایگاه کسی را بالا می‌برند که دیگر نمی‌توانند عیوب و اشتباهات وی را ببینند و درک کنند. اگر دیگران هم متوجه این اشتباهات شوند و آنها را بیان کنند با مقاومت بسیار شدید و خشونت آمیز افراد شخصیت پرست روبرو می‌شوند.

افراطی‌گری، خشونت طلبی، اقتدار گرایی و دشنام‌گویی از ویژگی‌هایی است که ممکن است در افراد شخصیت پرست پدید آیند که در نهایت فضایی را فراهم می‌آورد که به کل بدنه جامعه صدمات جبران‌ناپذیری وارد می‌کند. کسی که شخصیتی را می‌پرستد و از وی بت می‌سازد، همیشه در پی بسته بندی افکار خود در سمت و سوی هواداری و حمایت از شخص اسطوره است و در این میان عنصر منطق و اعتدال هیچ جایگاهی نخواهد داشت چون هدف او صرفاً حفظ جایگاه اسطوره و خدشه دار نشدن اوست. افراد اسطوره پرست هرگز دوست ندارند آن ذهنیت بی‌عیب و نقصی که از فرد اسطوره در ذهن خود ساخته‌اند صدمه ببینند.

ممکن است کسی به اوج شهرت برسد اما این دلیل نمی‌شود که شخصیتش مورد پرستش قرار گیرد. همه انسانها قابل احترامند ولی از هیچکس نباید بت ساخت. باید دانست که هر انسانی در هر جایگاهی که باشد احتمال اشتباه و خطا در وی وجود دارد و هیچگاه نباید با بالا بردن افراط گونه جایگاه افراد، امکان قضاوت عادلانه از رفتار، گفتار و پندار آنها سلب شود.

کرده‌اند. سیاستمداران، ورزشکاران، هنرمندان و دانشمندان از جمله کسانی هستند که افراد جذب شخصیتشان شده و به نوعی خواستار الگوبرداری از سبک زندگی، اخلاقیات و نگرشهای آنها هستند. اینکه فردی به کسی دیگر علاقه پیدا کند و به عبارتی طرفدار وی گردد امری کاملاً طبیعی و قابل قبول است، اما مشکل از آنجایی پدید می‌آید که این علاقه تبدیل به شیفتگی افراط گونه می‌شود به نوعی که انسان مرید و دلباخته بی‌قید و شرط و بی‌چون و چرای فرد مورد علاقه اش می‌گردد. شخصیت پرستی و اسطوره سازی از دیگران به نوعی منشاء بسیاری از معضلات اجتماعی می‌گردد که از جنبه کلی قابل بررسی است: مسائلی که در خصوص شخص اسطوره پدید می‌آید و مسائلی که در خصوص شخص یا اشخاص اسطوره پرست پیش می‌آید.

کسی که تبدیل به اسطوره شده و از شخصیتش بت ساخته شده، همیشه انتظار پرستش از دیگران را دارد چون غرور و تکبری کاذب سراسر وجودش را فرا گرفته و دیگر حاضر نیست از موقعیتی که در آن قرار گرفته ذره‌ای افول کند. او به این دلیل که دیگران شیفته اش هستند، خود را در مرکز توجه می‌بیند و سعی در تحمیل افکار و نگرشهای خود در بین طرفدارانش می‌کند چرا که می‌داند آنها آنقدر نسبت به او ارادت دارند که چه درست و چه غلط، حاضرند گفتمان ارائه شده توسط او را بپذیرند.

معمولاً انتقاد پذیری در انسانهایی که توسط مردم بت شده‌اند به پایین‌ترین سطح خود تنزل می‌یابد و گاهی اصلاً امکان پذیر نیست. به عنوان مثال خواننده‌ای را در نظر بگیرید که بسیار محبوب است و طرفدارانی سرسخت دارد.

اگر جمله‌ای بیان کند یا رفتاری انجام دهد که از لحاظ اخلاقی برخلاف عرف جامعه باشد، چون خودش را در لایه‌ای محافظت شده از طیف وسیعی از هواخواهانش می‌بیند که حاشیه‌ای امن برایش مهیا می‌کنند و با طرفداری کور و متعصبانه روی هرگونه گفتار و رفتار او صحنه می‌گذارند، دیگر نگران انتقاد مردم نیست.

خود بزرگ بینی یکی دیگر از خصیصه‌هایی است که اغلب در بین اسطوره‌ها با شخصیت‌ها دیده می‌شود. بالا بردن افراط گونه شخصیت افراد این توهم را در ذهن آنها ایجاد می‌کند که چند پله از عامه مردم بالاترند و اینگونه سطح توقعات و انتظارات آنها از کل جامعه بالا می‌رود و تصور می‌کنند که لایق احترامی بی‌حد و حصر از جانب عموم مردم هستند.

خودشیفتگی ایجاد شده به دلیل محبوبیت بیش از حد در شخص اسطوره سبب می‌گردد که او دیگر نتواند مخالفانش را ببیند و تحمل کردنشان برایش بسیار دشوار می‌گردد.

# تعریف سلامت و سالمندی (بخش اول)



دکتر رضانی‌کوکار

جدا می‌کند. به‌عنوان مثال، سالمندی به‌عنوان « اختلال پیش‌رونده کلی در عملکرد که موجب از دست دادن توانایی پاسخ به انواع استرس و افزایش خطر رو به رشد بیماری‌های مرتبط با سن » تعریف شده است. لازم به ذکر است که هنوز هم در مورد تعریف این دو فرآیند تحقیقات ادامه داشته و در حال تکمیل است. مفهوم « سالمندی فعال (active ageing) » که در حال حاضر توسط سازمان جهانی بهداشت بیان می‌شود شامل، «فرآیند سالمند شدن بدون سالمندی با حفظ فعالیت‌های فیزیکی، اجتماعی و معنوی در طول زندگی» می‌باشد. به‌عنوان مثال، بیماری دیابت (مرض قند) و دیگر بیماری‌های مشاهده‌شده در سنین بالا جزئی از سالمندی نمی‌باشد، به عبارتی این‌طور نیست که بگوییم هر فردی که سالمند است بیماری دیابت هم دارد. سالمند از نظر فردی، فرهنگی، بومی و جنسیتی یک واژه اختصاصی است. این تعاریف از نظر جنس نیز می‌تواند متفاوت باشد زیرا حوادث دوره زندگی به گذار از سالمندی کمک می‌کنند، برای مثال بازنشستگی از کار. بااینکه در قدیم سالمندی بر اساس سن بازنشستگی رسمیت می‌یافت، در بسیاری از کشورها این تعریف با زندگی ناسازگاری داشت و بر اساس ظرفیت کار فیزیکی، سالمند در ۳ دسته قرار می‌گرفت:

سازمان جهانی بهداشت، سلامت را «وضعیت کلی سلامت جسمی، روحی و اجتماعی و نه فقط فقدان بیماری یا ناتوانی» تعریف می‌کند. این تعریف جامع را می‌توان به‌طور یکسان در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و در هر دو جنس (زن و مرد) به کار برد. سلامتی، تجمیعی از وضعیت‌های دوران زندگی جهت حصول اطمینان از بهره‌مندی کامل از منافع در سال‌های آتی عمر می‌باشد. سلامتی خوب برای حفظ کیفیت قابل قبول زندگی در سالمندان و اطمینان از مشارکت مستمر در جامعه حیاتی می‌باشد. مهم است که فرآیند سالمندی (ageing process) یا سالمندی طبیعی را از فرآیند سالمند شدن (process of ageing) یا چگونگی سالمند شدن، متمایز سازیم.

فرآیند سالمندی نشان‌دهنده تغییرات بیولوژیکی (زیست‌شناختی) عمومی است که با افزایش سن رخ می‌دهد و تحت تأثیر بیماری و اثرات زیست‌محیطی قرار نگرفته است. بدیهی است که همه این تغییرات مرتبط با سن اثرات بالقوه ناگوار ندارند.

در مقابل، فرآیند سالمند شدن به‌شدت تحت تأثیر محیط‌زیست، شیوه زندگی و بیماری‌ها است که به‌نوبه خود با سالمندی مرتبط بوده یا موجب تغییراتی می‌شوند، اما به دلیل خود سالمندی نمی‌باشد. در این زمینه، تعاریف مشترک از سالمندی به‌ندرت دو فرآیند فوق را از هم

۱ سالمندی که هنوز فعال بوده و فعالیت‌های عادی را بدون حمایت انجام می‌دهد.

۲ سالمندی که کار کردن برای او مشکل است و فعالیت‌ها کاهش یافته.

۳ فرد بسیار پیر که به‌سختی در خانه کار می‌کند یا به‌طور کلی کار نمی‌کند.

به‌مرور زمان نقش اجتماعی، مانند تبدیل شدن به پدر و مادر یا از دست دادن توانایی تولیدمثل، به‌عنوان شاخص‌های سالمندی در بسیاری از جوامع آفریقا در نظر گرفته می‌شد واژه‌هایی که برای توصیف افراد مسن در بسیاری از فرهنگ‌ها استفاده می‌شود مترادف باخرد، تجربه و بینش، حافظ سنن و روابط بین خانواده می‌دانند. به‌طور کلی در حال حاضر مرز تعاریف سالمندی ۶۰ سالگی بوده و داده‌های سازمان ملل متحد با عنوان سالمندی نیز مربوط به سنین ۶۰ و ۶۵ سال و بالاتر می‌باشد.

آذر ۱۳۹۹

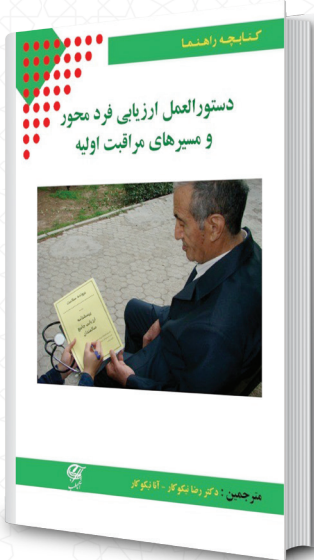
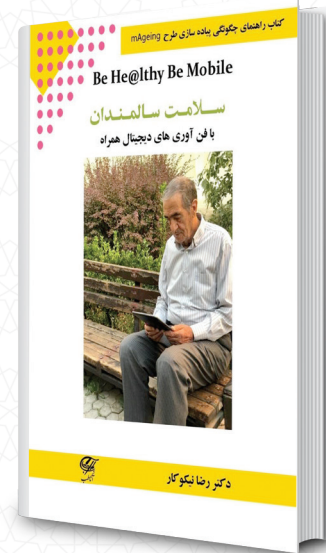
Nikookar616@gmail.com

منبع: سازمان بهداشت جهانی سالمندی افراد و سلامت (Men Ageing And Health)



## کتاب «سلامت سالمندان با فن آوری‌های دیجیتال همراه»

راهنمایی برای برنامه‌های ملی سازمان‌های مسول مراقبت از سالمندان و حتی مدیران کانال‌های فضای مجازی در سطح جامعه جهت توسعه، اجرا، نظارت و ارزیابی یک « برنامه mAgeing » جهت کمک به سالمندان برای حفظ توانایی عملکرد و زندگی مستقل و سالم تا حد امکان از طریق اثربخشی مداخلات خود-مراقبتی و خود-مدیریتی، به وسیله فناوری‌های دیجیتال همراه می‌باشد.



## کتاب «دستورالعمل ارزیابی فرد محور و مسیرهای مراقبت اولیه»

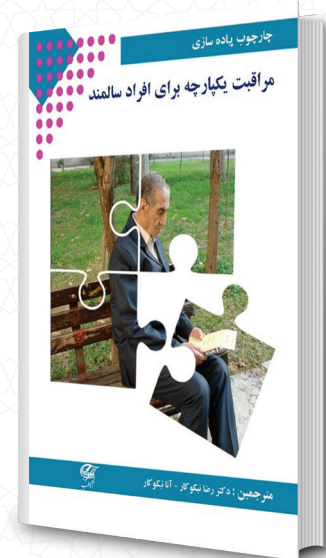
راهنمایی جهت مراقبت مناسب سالمندان می‌باشد. نکته اصلی در داشتن دوران سالمندی سالم، بهینه‌سازی ظرفیت ذاتی (درونی) و توانایی عملکردی است. اگر کاهش ظرفیت ذاتی به سرعت تشخیص داده شده و مدیریت شود، می‌تواند از وابستگی به مراقبت افراد سالمند، پیشگیری کند. [www.Anateb.Net](http://www.Anateb.Net)

## کتاب «چارچوب پیاده سازی مراقبت یکپارچه برای افراد سالمند»

دستورالعمل‌هایی جهت توسعه سیستم‌ها و خدمات جهت پشتیبانی از پیاده سازی استراتژی‌ها و دستیابی در سطح سیستم (کلان)، سطح خدمات (میانی)، ارایه شده است. سازمان جهانی بهداشت سه استراتژی زیر را برای ایجاد سیستم‌های مراقبت طولانی مدت و پایدار را پیشنهاد می‌کند که عبارتند از:

- ۱ توسعه و بهبود مستمر زیر ساخت سیستم‌ها از طریق قوانین مناسب و مکانیسم‌های تامین اعتبار پایداری که دسترسی به خدمات را امکانپذیر می‌سازد.
- ۲ ایجاد ظرفیت نیروی کار با یا بدون پرداخت حقوق با ارایه آموزش، پشتیبانی و فرصت سازی.
- ۳ تضمین کیفیت خدمات مراقبت‌های اجتماعی.

لازم بذکر است که دستیابی به خدمات یکپارچه مراقبت‌های اجتماعی و سلامت و سیستم‌های مورد نیاز سالمندان، احتیاج به تغییر در سطح سیستم (کلان)، سطح خدمات (میانی) و سطح بالینی (خرد) دارد.





## يتر کوکی کوفته‌سی «کوفته‌ی هویج»

تهیه و تنظیم: ام‌البنین خسروی

## ● مواد لازم

- ۱- گوشت چرخ کرده ۲۵۰ گرم
- ۲- روغن نصف پیمانه
- ۳- هویج متوسط ۳ عدد
- ۴- پیاز متوسط ۲ عدد
- ۵- تخم‌مرغ ۱ عدد
- ۶- آرد یک قاشق غذاخوری پر
- ۷- سبوس برنج یک قاشق غذاخوری سر صاف
- ۸- آب گوجه‌فرنگی یک لیوان و یا دو قاشق غذاخوری رب گوجه
- ۹- آب لیمو ۲ قاشق غذاخوری
- ۱۰- سیب‌زمینی زیر به اندازه‌ی گردو یا سیب‌زمینی خرد شده به شکل مکعب هم اندازه‌ی کوفته‌ها به مقدار لازم.
- ۱۱- نمک، زردچوبه، فلفل، دارچین و زنجبیل به مقدار لازم

## طرز تهیه

هویج و یک عدد پیاز را با رنده‌ی ریز، رنده می‌کنیم و در صافی قرار می‌دهیم تا آب آن گرفته شود و این آب را بعداً در داخل آب کوفته می‌ریزیم. همه‌ی مواد را در یک کاسه مناسب ریخته و دستکش می‌پوشیم و مواد را خوب مخلوط کرده و چندبار آن را برداشته و در کاسه می‌کوبیم تا کاملاً مخلوط و یکدست شوند. حالا از این مخلوط به اندازه یک گردو برداشته و گرد می‌کنیم. وقتی همه‌ی کوفته‌ها آماده شد، روغن را در تابه داغ می‌کنیم و کوفته‌ها را با حرارت ملایم، کمی تفت می‌دهیم. سیب‌زمینی‌ها را هم به همین ترتیب تفت داده، در قابلمه می‌ریزیم. سپس پیاز را خرد کرده و در همین روغن سرخ می‌کنیم تا طلایی شود. آب گوجه و یا رب را به پیازداغ اضافه کرده باز کمی تفت می‌دهیم و در قابلمه می‌ریزیم و روی آن آب داغ اضافه می‌کنیم به قدری که روی کوفته‌ها قرار بگیرد. آب هویج و پیاز را هم اضافه کرده و در حدود ۲۰ دقیقه آن را می‌پزیم. حالا کوفته آماده است. آن را در ظرف مناسب سرو می‌کنیم. نوش جان. این غذا سرشار از آهن و ویتامین‌های A و B می‌باشد.

این غذا برای پذیرایی از ۴ نفر کافی است.



**یادآوری:** آموزش این غذا را من در حدود ۰۶ سال پیش که دانش‌آموز دبیرستان پوراندخت شبستر بودم، یاد گرفتم. در آن زمان شادروان فضل‌الهی که انسانی بسیار فعال و خیرخواه بودند، سمت ریاست فرهنگ شبستر را داشتند. ایشان عقیده داشتند که آموزش آشپزی، خیاطی، بچه‌داری و کمک‌های اولیه برای دختران لازم و ضروری است که آن‌ها را برای تشکیل زندگی و موقعیت‌شان آماده می‌کند. ما دانش‌آموزان هفته‌ای یک روز این کلاس‌ها را داشتیم و دسته‌جمعی به کمک دبیرانمان غذای پختیم. میز ناهارخوری داشتیم که طرز چیدن و تزیین آن و پذیرایی از مهمانان را می‌آموختیم و چند نفر از دبیرانمان را دعوت می‌کردیم و با هم ناهار می‌خوردیم. یادش به خیر، که ما کلاس‌های شاد و مفیدی داشتیم.

## بیش از ۶ میلیارد مترمکعب آب به سمت دریاچه ارومیه رهاسازی شد

تهیه و تنظیم: جاهد فیضی زاده

کشاورزی نیز با اجرای طرح‌های متعدد در این منطقه ۸ درصد کاهش یافته که کمک خوبی به احیای دریاچه ارومیه بوده است. اردکانیان از آماده بهره برداری شدن دو تصفیه خانه ارومیه و تبریز با هدف کمک به احیای دریاچه ارومیه و رهاسازی پساب‌های تصفیه شده این دو تصفیه خانه تا پایان فعالیت دولت خبر داد و افزود: همچنین سد سیلوه و سد چپرآباد نیز در شرف اتمام هستند تا روند احیای دریاچه ارومیه تسریع یابد. وزیر نیرو در ادامه با اشاره به تشدید برخورد با چاه‌های غیرمجاز در حوزه آبریز دریاچه ارومیه خاطر نشان کرد: امروز با بهره برداری از سد کانی سیب مهمترین طرح احیای دریاچه ارومیه و انتقال ۶۰۰ میلیون مترمکعب آب به سمت دریاچه ارومیه شاهد تحقق وعده دولت در زمینه حفظ و احیای دریاچه ارومیه خواهیم بود.



دریاچه ارومیه از ۱.۵ میلیارد مترمکعب به ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون مترمکعب رسیده است که دو برابر رشد نشان می‌دهد.

### دو تصفیه خانه تبریز و ارومیه تا پایان دولت افتتاح می‌شود

وزیر نیرو با بیان اینکه در کنار رهاسازی ۶ میلیارد و ۱۳۳ میلیون مترمکعب حق آبه دریاچه ارومیه از سازه‌های آبی کشور مصارف

وزیر نیرو از رهاسازی ۶ میلیارد و ۱۳۳ میلیون مترمکعب حق آبه دریاچه ارومیه از سال ۹۳ تاکنون خبر داد.

رضا اردکانیان صبح پنجشنبه (۱۱ دی ۱۳۹۹) در آئین بهره برداری از طرح‌های صنعت آب و برق آذربایجان غربی با حضور رئیس جمهوری کشورمان به صورت ویدئوکنفرانس افزود: دریاچه ارومیه در دو دهه گذشته بین سال‌های ۷۴ تا ۹۳ با وجود بارش‌ها هر سال ۴۰ سانتیمتر افت تراز داشت، در صورت ادامه این روند این دریاچه سال ۹۶ باید کاملاً خشک می‌شد. وی ادامه داد: از سال ۹۳ با توجه ویژه دولت به احیای دریاچه ارومیه تاکنون ۷۱ سانتیمتر تراز دریاچه ارومیه افزایش یافته و احیای دریاچه به وضعیت مطلوبی رسیده است. اردکانیان با بیان اینکه از سال ۹۳ تا کنون وسعت دریاچه ارومیه ۷۵۰ کیلومترمربع و آب

## وسعت دریاچه ارومیه ۲ برابر شد

رئیس دفتر استان‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه در آذربایجان غربی با اشاره به اینکه در سال گذشته بیش از یک میلیارد و ۴۲۵ میلیون مترمکعب آب به عنوان حق آبه به دریاچه سرازیر شده است، افزود: شاهد افزایش دوباره تراز دریاچه ارومیه با سرازیر شدن حق آبه آن طی هفته‌های آتی خواهیم بود.

سرخوش با اعلام اینکه طرح‌های مهم انتقال آب به دریاچه ارومیه طی سال جاری و به تدریج به بهره‌برداری می‌رسد، افزود: طرح انتقال آب از جنوب آذربایجان غربی تا پایان امسال و توسط رئیس جمهوری افتتاح می‌شود.

وی با بیان اینکه دریاچه ارومیه یک حوضه آبی بسته است و میزان تبخیر آب آن در فصل گرما سبب کاهش تراز آن می‌شود، گفت: طرح‌های انتقال آب به دریاچه ارومیه سبب جبران میزان تبخیری این دریاچه شده و پیش‌بینی می‌شود سالانه تراز آن حدود یک متر افزایش یابد.

رئیس دفتر استان‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه با بیان اینکه وسعت دریاچه به بیش از ۲ هزار و ۷۸۵ کیلومتر مربع رسیده گفت: این میزان نسبت به کمترین حجم ثبت شده در سال ۹۳ بیش از صد درصد افزایش یافته است.

فرهاد سرخوش با اعلام اینکه تراز دریاچه ارومیه به یک هزار و ۲۷۱ متر و ۲۴ سانتی‌متر رسیده است، اظهار داشت: اقدامات دولت تدبیر و امید از سال ۹۳ در احیای نگین آبی آذربایجان سبب شده تا تراز آن نسبت به کمترین میزان ثبت شده بیش از یک متر و ۲۰ سانتی‌متر افزایش یابد.

وی در رابطه با میزان آب دریاچه ارومیه نیز گفت: حجم آب نگین آبی آذربایجان نیز از مرز ۳ میلیارد و ۲۶۰ میلیون مترمکعب گذشته که نسبت به سال ۱۳۹۴ و قبل از آغاز اقدامات عملی ستاد احیا بیش از ۵ برابر افزایش یافته است.

## بی توجهی به ذخایر هفت میلیارد تنی طلای شور دریاچه ارومیه



دریاچه به اندازه‌ای بالاست که بهرام طاهری از پژوهشگران برجسته حوزه محیط زیست ایران، ارزش اقتصادی آن را بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار عنوان می‌کند که بهره برداری حتی از یک هزارم این ظرفیت عظیم اقتصادی می‌تواند منجر به انقلاب اقتصادی در منطقه شود.

### برداشت سالانه ۷۰۰ هزار تن نمک از دریاچه ارومیه

معاون فنی اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی در این زمینه در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا گفت: میزان نمک موجود در دریاچه ارومیه بین ۶ تا هفت میلیارد تن بوده و سالانه تا ۷۰۰ هزار تن نمک از بستر این دریاچه برداشت می‌شود.

حجت جباری افزود: هم اکنون برداشت نمک از بستر دریاچه در استان آذربایجان غربی و توسط یک شرکت انجام می‌شود و در بخش آذربایجان شرقی به علت اینکه نمکی وجود ندارد، هیچ برداشتی صورت نمی‌گیرد. وی با بیان اینکه برداشت نمک از دریاچه ارومیه در مسیر شهرستان سلماس بوده، گفت: برداشت نمک خشک فقط در «آق زبارت سلماس، قالچاقی و قره باغ» ارومیه انجام می‌شود.

اطلاعی از میزان درآمدزایی برداشت نمک از دریاچه در دست نیست

معاون فنی اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان

دریاچه ارومیه به عنوان شورترین دریاچه جهان با دارا بودن حدود هفت میلیارد تن نمک، معدنی در حد و اندازه آوازه جهانی است که در سایه بی توجهی به این ظرفیت، بهره برداری اقتصادی آنچنانی از آن نمی‌شود.

اولین شواهد استخراج نمک (با جوشاندن آب چشمه) از رومانی به دست آمده است؛ نمک یکی از متداول‌ترین و در عین حال بحث برانگیزترین مواد روی زمین است که بدون آن نمی‌توان زندگی کرد و زیادی آن هم سبب مرگ می‌شود.

در نیم‌نگاهی به تاریخ مشخص می‌شود که نمک به شدت برای چینی‌ها، عرب‌ها، رومیان و یونانیان با ارزش بوده است و این تا حدی رسیده که در برخی اوقات حقوق سربازان رومی با نمک پرداخت می‌شد؛ ممکن است باورتان نشود، اما جنگ‌هایی هم حتی بر سر نمک سر می‌گرفتند.

جالب است بدانید امروزه تنها ۶ درصد نمک تولید شده در جهان مصرف خوراکی دارد و از مابقی آن نیز ۱۲ درصد صرف روند تصفیه آب، هشت درصد برای برف‌روبی، ۶ درصد برای کشاورزی و مابقی ۶۸ درصد آن نیز مصرف صنعتی دارد. دریاچه ارومیه یکی از معادن عظیم نمک در جهان به شمار می‌رود، به طوریکه که ظرفیت اقتصادی نمک این



نمک دریاچه ارومیه بدون تصفیه قابلیت خوراکی ندارد معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی با تاکید بر اینکه نمک موجود در دریاچه ارومیه بدون تصفیه، قابلیت خوراکی ندارد گفت: تالاب‌ها بنابر ذات و ماهیت خود آلودگی‌های بالا دست خود را تصفیه و در بستر خود ته نشین می‌کند و دریاچه ارومیه نیز از این قاعده مستثنی نیست و لجنی از آلودگی‌های تصفیه شده‌اش را در بستر نمکی خود گنجانده است. جلال غفارزاده با اشاره به فروش نمک بدون تصفیه دریاچه ارومیه در برخی از مناطق، اظهار داشت: متاسفانه برخی‌ها شخصا و در اندازه بسیار محدود اقدام به برداشت نمک از دریاچه ارومیه کرده و آن را به فروش می‌رسانند.

وی ادامه داد: باید اعلام کنیم که تبلیغ نمک دریایی خوراکی بدون مجوز بهداشتی در فضای مجازی ممنوع و غیر مجاز است و با ناقضان سلامت مردم و کسانی که با ادعای کذب و تبلیغات اغواگرانه سعی در فروش محصول خود را دارند، با جدیت برخورد می‌شود. وی اضافه کرد: درج تبلیغات گمراه کننده بر روی بسته بندی نمک دریایی غیرمجاز بوده و سلامت شهروندان، خط قرمز معاونت غذا و دارو است.

معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی با اشاره به اینکه نمک دریا دارای انواع ناخالصی از جمله مواد نامحلول مانند شن، ماسه، خاک، گچ و مواد آلوده کننده، مواد محلول سخت از جمله کلسیم و منیزیم و فلزات سنگین مانند سرب، جیوه، آرسنیک و کادمیوم است، گفت: نمک دریا می‌تواند عوارض نامطلوبی در دستگاه گوارش، کبد، کلیه‌ها و ریه ایجاد کند و حتی منجر به مسمومیت شود. وی افزود: اختلال در جذب ریز مغذی‌ها همچون آهن و روی از دیگر مضرات استفاده از نمک دریا می‌باشد و این نمک فاقد ید کافی مطابق با استانداردهای اعلام شده برای پیشگیری از گواتر و اختلال‌های ناشی از کمبود ید است.

در چند سال گذشته به علت کاهش تراز آب دریاچه ارومیه درصد نمک در بستر آن بالا رفته است از این رو برداشت آن نه تنها خللی در کار ستاد احیا ایجاد نمی‌کند بلکه کمکی به احیای دریاچه خواهد بود.

بر این اساس برداشت نمک از بستر دریاچه با مجوز سازمان حفاظت محیط‌زیست امکان‌پذیر است اما باید این برداشت از مکان‌های تعیین شده انجام شود تا آسیب به دریاچه ارومیه وارد نشود. نمک به عنوان ماده اولیه در صنایع شیشه و شوینده مورد استفاده قرار می‌گیرد. منبع: سایت امانت آذربایجان

غربی با بیان اینکه میزان درآمد زایی از برداشت نمک دریاچه ارومیه برای سازمان محیط زیست مشخص نیست، گفت: مجوز اولیه برداشت نمک بر عهده سازمان صمت است و هر معدنی در خواست مجوز کند از محیط زیست فقط استعلام می‌شود تا از لحاظ زیست محیطی مشکلی نداشته باشد. وی با اشاره به اینکه امسال هفت شرکت برای برداشت نمک از دریاچه ارومیه مجوز گرفته‌اند، اظهار داشت: سال قبل ۲۰ شرکت مجوز داشت که اغلب آن‌ها اقدام به برداشت نکردند.

جباری با اشاره به اینکه برای برداشت نمک فقط در مساحت‌های ۲۰ هکتاری مجوز داده می‌شود، افزود: شرکت‌های مجوزدار مجازند تا برداشت در حد عمق ۳۰ تا ۴۰ سانتیمتری انجام داده و سپس پس از تسطیح مکان را تحویل محیط زیست می‌دهند. وی با اشاره به نظارت محیط زیست بر جمع آوری و انتقال مناسب نمک‌های برداشت شده بیان کرد: در سال گذشته با وجود مجوزهای بسیار فقط ۲ شرکت برداشت کردند و بقیه برداشتی انجام ندادند. در همین راستا میزان درآمدزایی و اشتغال‌زایی حاصل از برداشت نمک دریاچه ارومیه شاید یکی از مهمترین بخش این گزارش باشد که متاسفانه در سایه پاسخگو نبودن اداره کل صمت بی جواب ماند.

### خام فروشی نمک دریاچه ارومیه بی تدبیری است

نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه خام فروشی نمک دریاچه ارومیه بی تدبیری است، گفت: می‌توان صنایع تبدیلی منحصر به فردی در استان آذربایجان غربی ایجاد کرد که ارزش افزوده برداشت نمک از این دریاچه بزرگ آب‌شور جهان را افزایش داد.

روح الله حضرت‌پور افزود: ایجاد صنایع تبدیلی نه تنها میزان بهره وری اقتصادی از نمک دریاچه ارومیه را چند برابر می‌کند، بلکه میزان اشتغال‌زایی را نیز چند ۱۰ برابر افزایش خواهد داد. وی با بیان اینکه متاسفانه برداشت نمک از دریاچه ارومیه و انتقال خام آن به خارج از استان در انحصار چند شرکت غیر بومی قرار دارد، اظهار داشت: برداشت غیر اصولی نمک توسط این شرکت‌ها و ریخته شدن بخشی از آن در جاده‌ها به هنگام حمل آن، سبب تخریب راه‌ها مواصلاتی و زمین‌های کشاورزی به خصوص در منطقه انزل می‌شود. حضرت‌پور با بیان اینکه مجوز هرگونه برداشت از نمک دریاچه ارومیه مستلزم دریافت مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست است، بیان کرد: برداشت غیر اصولی نمک از دریاچه ارومیه منجر به تخریب محیط زیست خواهد شد که نباید این اتفاق رخ دهد.

## ۲۰۰ کیلومتر از رودخانه‌های حوزه دریاچه ارومیه لایروبی شد



این دریاچه از اواسط دهه ۱۳۸۰ شروع به خشک شدن کرد و بنا بر آمار بین‌المللی تا سال ۲۰۱۵ میلادی حدود ۸۰ درصد از مساحت آن خشک شد. تراز دریاچه ارومیه از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۷۲ خورشیدی، بین یک هزار و ۲۷۴ متر تا یک هزار و ۲۷۸ متر متغیر بود، اما از این تاریخ به بعد روند کاهشی تراز دریاچه آغاز شد و تا سال ۱۳۹۳ کاهش متوسط سالانه ۴۰ سانتی‌متر و در مجموع ۸ متر از تراز دریاچه ارومیه به ثبت رسید. پس از تصویب طرح نجات دریاچه ارومیه و با وجود تغییر نداشتن چشمگیر بارش‌های حوزه در چهار سال گذشته، تراز دریاچه ارومیه نسبت به تراز احتمالی از روند گذشته با افزایش همراه شد که این نشان دهنده توقف روند کاهشی و تثبیت وضعیت دریاچه است.

رودخانه‌ها اعلام کرد. معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی با بیان اینکه ۱۵ کیلومتر از رودخانه مردق چای نیز لایروبی شده است، گفت: امسال نیز ۹ کیلومتر آن لایروبی می‌شود که پنج کیلومتر آن در حوزه شهرستان ملکان است.

وی افزود: برای لایروبی مردق چای ۴۰ میلیارد ریال اعتبار اختصاص یافته است که با اتمام آن گلوگاه‌هایی که سیلاب در آنجا می‌ایستد و مانع حرکت به دریاچه ارومیه شده و خسارات زیادی می‌زند برداشته می‌شود تا سیلاب‌ها به راحتی به دریاچه ارومیه بریزند. به گزارش ایرنا، دریاچه ارومیه در قالب طرح‌های ستاد احیا قرار است تا سال ۱۴۰۴ به تراز اکولوژیک خود برسد که حدود ۱.۵ تا ۲ سال از برنامه عقب است؛

معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی گفت: بیش از ۲۰۰ کیلومتر از مسیر چهار رودخانه پرآب حوزه دریاچه ارومیه در این استان لایروبی شده است. مجتبی جلیل زاده روز جمعه (بیست و هشتم آذرماه ۹۹) در گفت و گویی اظهار کرد: عملیات لایروبی در پنج سال گذشته بیش از ۸۰ کیلومتر در رودخانه آجی چای، ۱۷ کیلومتر در رودخانه قلعه چای و بقیه رودخانه‌ها با اعتبار ۷۰۰ میلیارد ریال انجام شده است.

وی اهداف لایروبی رودخانه‌های حوزه دریاچه ارومیه را تسهیل جریان آب در مواقع سیلابی و هدایت آن به دریاچه ارومیه، ساماندهی برداشت‌های غیر مجاز آب از رودخانه‌ها و کاهش خطر سیلاب برای زمین‌های کشاورزی در حاشیه

## اولین شهر الکترونیک شهرستان شبستر در شهرداری کوزه کنان استقرار می‌یابد

جهان پور کوزه کنانی با تاکید بر مزایای این طرح گفت: الکترونیکی شدن تمام فرایندها مربوط به صدور مجوزهای ساخت و ساز و محاسبات آنها، برون‌سپاری تشکیل شناسنامه واحد ملک و ثبت درخواست به دفاتر پیشخوان شهری، کاهش هزینه‌های مالی و زمانی ارباب رجوع، استقرار سامانه مذکور و تشکیل پرونده واحد الکترونیکی، کاهش هزینه‌های مالی و زمانی ارباب رجوع، کاهش هزینه نقشه برداری املاک، افزایش سرعت ارائه خدمت تشکیل پرونده به نسبت تعداد دفاتر پیشخوان و کاربران آنها از جمله مهم ترین اتفاقاتی است که با عملی شدن این طرح به وقوع پیوسته است.



به وجود آمده به دلیل شیوع کرونا و لزوم کاهش مراجعات حضوری شهروندان و متقاضیان خدمات، شهرداری درصد درآمد تمام خدمات حضوری را که پتانسیل الکترونیکی شدن دارد به منظور تأمین رفاه حال شهروندان و رعایت پروتکل‌های بهداشتی به صورت الکترونیکی ارائه کند.

تفاهم نامه همکاری فی مابین شهرداری کوزه کنان و شرکت فن آوری اطلاعات ایده گستر و با حضور ریاست و اعضای محترم شورای اسلامی شهر و کارشناسان شهرداری به امضا رسید. به گزارش خبرگزاری برنا در آذربایجان شرقی، شهردار کوزه کنان گفت: این شهرداری به عنوان پیشگام در ارائه خدمات غیرحضوری با همکاری شرکت فن آوری اطلاعات ایده گستر، خدمات قابل ارائه خود به شهروندان را در بعضی از موضوعات به صورت الکترونیکی پیاده سازی و پس از انجام مراحل پالایش و ارزیابی به طور رسمی ارائه می‌کند. جهان پور کوزه کنانی در گفت و گو با خبرنگاران، اظهار کرد: با توجه به شرایط

## فرماندار شهرستان شبستر از عدم اجرای مصوبات کارگروه تخصصی امور اجتماعی و فرهنگی شهرستان انتقاد کرد



جدید پیگیری شود. فرماندار شهرستان شبستر گفت: همچنین با توجه به وجود ۷ دانشگاه در شهرستان و ظرفیتهای اساتید آنها، به ارائه راهکارهای عملیاتی و اجرایی در مباحث تخصصی برای کاهش آسیبهای اجتماعی تاکید کرد.

از ظرفیت فضای مجازی برای کارهای فرهنگی و اجتماعی اقدامات شایسته ای انجام دهند. وی با قدردانی از مشارکتهای اجتماعی و همدلی آحاد مردم و خیرین منطقه در بحث کمکهای مومنانه برای حمایت از اقشار آسیب پذیر گفت: رزمایش مواسات و کمکهای مومنانه موج عظیمی از همدلی برای کمک به افراد آسیب پذیر جامعه ایجاد کرد که استمرار این کمکها قطعاً می‌تواند در بلند مدت به کاهش آسیبهای اجتماعی کمک کنند. عبداللهی ضمن تاکید بر فعال سازی کمیته‌های کارشناسی ذیل کارگروه اجتماعی و فرهنگی گفت: استفاده از صاحب نظران و اساتید دانشگاه در مباحث اجتماعی و فرهنگی باید با

حسین عبداللهی در جلسه کارگروه تخصصی امور اجتماعی و فرهنگی شهرستان ضمن انتقاد از عدم اجرای مصوبات جلسات گذشته کارگروه اظهار کرد: اعضا کارگروه بر اساس شرح وظایف سازمانی بایستی اقدامات فرهنگی و اجتماعی خود را در این جلسات گزارش و راهکار پیشنهادی ارائه کنند. وی گفت: انتظار می‌رود روسای دستگاههای مرتبط با اقدامات خود هدف دشمن مبنی بر تغییر هویت فرهنگی جوانان را ناکام گذاشته و برنامه ریزی مدونی داشته باشند. فرماندار شبستر تاکید کرد: ادارات آموزش و پرورش، کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بایستی در مباحث استفاده



## نخستین مرکز رشد خیرساز کشور در شبستر راه اندازی می شود



رشد این دانشگاه است که راه اندازی آن موجب اشتغال، توسعه فناوری و خودکفایی در منطقه خواهد شد. رییس مجمع خیران بنیس هم با اشاره به آمادگی خیران این روستا برای حمایت از توسعه فناوری با توجه به افزایش واحدهای تولیدی و صنعتی در این روستا گفت: برای ایجاد مرکز رشد بنیس، خیران حدود ۲۰ میلیارد ریال هزینه کرده اند. مرکز رشد واحدهای فناور بنیس قرار است در دانشگاه پیام نور بنیس به عنوان نخستین روستای دانشگاهی کشور که این دانشگاه نیز با هزینه خیران این منطقه ساخته شده است، دایر شود.

رییس پارک علم و فناوری آذربایجان شرقی گفت: نخستین مرکز رشد خیرساز کشور در آینده نزدیک در روستای بنیس شهرستان شبستر راه اندازی می شود.

عبدالرضا واعظی روز یکشنبه در گفت و گویی اظهار کرد: این مرکز برای استقرار واحدهای فناور شهرستان شبستر به منظور حمایت از کسب و کارهای فناورانه و دانش بنیان با حمایت پارک علم و فناوری استان در دانشگاه پیام نور بنیس ایجاد می شود. رییس پارک علم و فناوری آذربایجان شرقی گفت: مرکز رشد واحدهای فناور بنیس با هدف حمایت از ایده های فناورانه برای رسیدن به محصول، در مرحله نخست با استقرار هشت شرکت فناور فعالیت خود را آغاز می کند. واعظی افزود: خیران بنیسی که به عرصه فناوری ورود کرده اند قرار است با تامین زیرساخت های لازم در مجتمع دانشگاهی پیام نور این روستا در آینده، زمینه را برای راه اندازی شهرک تحقیقاتی در این مجموعه آماده کنند تا امکان تولید محصولات دانش بنیان در این شهرک فراهم شود. معصومی، رییس دانشگاه پیام نور آذربایجان شرقی هم گفت: مرکز رشد بنیس نخستین مرکز

## وقف یک قطعه زمین در شهرستان شبستر برای توسعه ورزش



قدیمی، امکان تبدیل به یک موزه را داشت و اکنون این امر از سوی مسئولان محلی در حال پیگیری است. وی در خصوص مزیت های عمل وقف گفت: من قبلاً وقفی را انجام نداده بودم و با این کار حس خوبی در من ایجاد شد؛ معتقد هستم هر کسی که علاقه و توان مالی دارد می تواند در این عمل خدا پسندانه شرکت کند و باعث توسعه، پیشرفت و آبادانی یک منطقه شود. دکتر بهروز صدقی، متولد تبریز، بزرگ شده تهران و ساکن مشهد مقدس است؛ وی به رشته ورزشی کوهنوردی علاقه دارد و جزو اولین ایرانیانی است که به ارتفاعات هیمالیا صعود کرده است.

یک پزشک ساکن مشهد به خاطر تعلق خاطر به سرزمین مادری یک باغ سه هزار و ۳۵۰ متر مربعی را برای توسعه ورزش در شهرستان شبستر به اداره کل ورزش و جوانان آذربایجان شرقی وقف کرد.

بهروز صدقی روز چهارشنبه در گفتگو با خبرنگار ایرنا افزود: این وقف را با هدف توسعه ورزش در شهرستان شبستر انجام دادم و در اختیار اداره کل ورزش و جوانان آذربایجان شرقی گذاشتم. صدقی دیگر هدف از این وقف را زنده نگه داشتن نام و یاد پدر بزرگ مرحومش، حسن صدقی شبستری عنوان و خاطرنشان کرد: مرحوم حسن صدقی مرد بزرگی بود که برای رضای خدا و راحتی مردم منطقه اش از هیچ تلاشی فروگذار نبود و حتی در زمان حیات خود آب انباری را ساخت و وقف مردم شهرستان شبستر کرد. وی با ابراز تاسف از کوتاهی در نگهداری موقوفه قبلی پدر بزرگ مرحوم اش حسن صدقی در شهرستان شبستر که یک آب انبار بوده، اظهار کرد: این آب انبار چهار دهه داشت که هر دهه آن به محله ای در شهرستان شبستر باز می شد و وقتی شنیدم که از ۲ سال پیش این آب انبار موقوفه را خراب کردند، خیلی ناراحت شدم؛ این آب انبار

## اتمام مرمت و بازسازی حمام تاریخی تسوج منوط به اجرای تعهدات شهرداری است

مکاتبات انجام گرفته، تعهدات از سوی شهرداری شهر مغفول مانده است و از این رو شهرداری تسوج موظف به اجرای تعهدات خود در قبال حمام تاریخی این شهر است.

به گزارش ایرنا، حمام تاریخی بازار تسوج در دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار از طرف مردم کوچه حصار با کمک آقایی از مهاجرین و تبعیدی‌های شیراز به تسوج در بخش غربی بازار ساخته و یا بازسازی شده است که از نکات جالب توجه در مورد این حمام واقع شدن آن در کنار مسجد جامع تسوج است.

حمام تاریخی تسوج همانند سایر حمام‌های تاریخی آذربایجان در سطحی پایین تر از سطح معابر پیرامون خود واقع شده، به گونه ای که برای دستیابی به حوض‌ها و محل‌های استحمام باید حدود ۳۰ پله را به طرف زمین حرکت کرد.

این حمام زیبا که تا دهه‌های میانی ۱۳۷۰ فعال بود در سال ۱۳۸۴ با شماره ۱۳۸۴ ثبت ملی شده است.



آخرین مرحله مرمت و بازسازی حمام تاریخی تسوج توسط این اداره کل اقداماتی نظیر سبک سازی، استحکام بخشی پوشش حمام، تکمیل پلان معماری حمام، نما سازی و عایق کاری انجام گرفته است.

وی با تاکید به اینکه اتمام کامل مرمت و بازسازی حمام تاریخی تسوج منوط به اجرای تعهدات شهرداری است، ادامه داد: عملیات مرمت و بازسازی حمام تاریخی تسوج طرحی مشارکتی بین میراث‌فرهنگی و شهرداری است که متأسفانه به رغم پیگیری‌های مستمر و

معاون میراث‌فرهنگی آذربایجان شرقی اتمام مرمت و بازسازی حمام تاریخی تسوج شهرستان شبستر را منوط به اجرای تعهدات شهرداری عنوان کرد.

علیرضا قوچی روز پنجشنبه (۴ دی ۱۳۹۹) در جمع خبرنگاران اظهار کرد: اداره کل میراث‌فرهنگی آذربایجان شرقی به دنبال اهداف صیانتی و حفاظتی خود از بناهای تاریخی، مرمت و بازسازی آثار و بناهای شهر تسوج را بصورت مستمر طی سال جاری در دستور کار قرار داده است.

وی همچنین به اتمام تعهدات اجرایی این اداره کل در مرمت حمام تاریخی تسوج اشاره کرد و گفت: این اداره کل عملیات مرمت و بازسازی حمام تاریخی تسوج را از سال ۹۷ در دستور کار خود قرار داده که امسال با تلاش متخصصان حوزه معاونت میراث فرهنگی تعهدات خود را به پایان رساند.

قوچی به اقدامات صورت گرفته در آخرین عملیات مرمت و بازسازی حمام تاریخی تسوج اشاره کرد و گفت: در

## آئین کلنگ زنی احداث مدارس خیر ساز بخش صوفیان با حضور جمعی از مسئولان برگزار شد



خیرین برای ساخت این واحدهای آموزشی حدود ۷۶ میلیارد ریال هزینه می‌کنند.

بر این اساس، حاج علی ایروانی مدرسه ای به متراژ ۷۰۰ مترمربع با هزینه تقریبی ۲۸ میلیارد ریال در شهر صوفیان می‌سازد. بیوک بخشی خیر دیگر مدرسه ساز این منطقه برای ساخت مدرسه ای به مساحت ۶۰۰ متر مربع ۲۴ میلیارد ریال هزینه می‌کند. احداث مدرسه شش کلاسه در روستای سرکنددیزج بخش صوفیان هم با هزینه ۲۴ میلیارد ریالی حاج سعید هراتی انجام خواهد شد.

## شرکت تعاونی توسعه و عمران شهرستان شبستر



آن، دیدگاههای خود را در این خصوص بیان داشتند و مقرر گردید جهت پایداری و توسعه فعالیتها، ضمن بهره گیری از ظرفیت‌های مشابه مانند شرکت توسعه پایدار میشو، ساختار مناسبی برای شرکت تعاونی تدوین و در جلسات بعدی مورد بررسی و تصویب قرار گیرد.

میزبانی جناب آقای رسولی برگزار گردید. ابتدا آقای مهندس عبداللهی فرماندار محترم شبستر گزارش کوتاهی از اقدامات و برنامه‌های خود ارائه نمودند سپس حاج آقا رسولی به تشریح نحوه تاسیس و برنامه‌ها و پروژه‌های مورد نظر شرکت تعاونی پرداختند. حاضرین ضمن استقبال از تشکیل شرکت تعاونی و برنامه‌های

به منظور تبیین وظایف و تعیین اولویت‌های کاری شرکت تعاونی توسعه و عمران شهرستان شبستر جلسه‌ای در محل کارخانجات درنا با حضور فرماندار محترم شهرستان شبستر و تعدادی از نمایندگان در تاریخ ۱۲ دی ۹۹ ادواری مجلس شهرستان آقایان دکتر امین لو، مهندس غیائی، دکتر مطهری و تعدادی از همشهریان به

### با مخاطبین

تهیه و تنظیم: سیدمحمد ورددیلی

**تهران: آقای جواد روح زنده** مطالب مجله جالب و خواندنی می‌باشد، برای مثال آثار باستانی و وقایع تاریخی شهرستان شبستر را منعکس می‌نماید. خواندن مقالات ترکی سخت است سعی شود از زبان شهریار و معجز استفاده شود تا قابل خواندن و فهمیدن باشد. در مورد مؤسسه‌هایی که توسط خیرین ایجاد شده اطلاع‌رسانی شود، مانند درمانگاه شهید روح زنده در قلعه باغ شبستر که تاکنون مطلبی در این باره در مجله نوشته نشده است.

**پیام شبستر:** از توجه‌ای که نسبت به مجله خودتان دارید سپاسگزاریم. یکی از وظایف مهم مجله معرفی خیرین و نیکوکاران و شرح کارهای ارزنده‌ای است که برای استفاده عموم مردم از خود به یادگار گذاشته‌اند، نظرات مفید آن جناب را حداکثر برآورده خواهیم کرد.

**تهران: آقای داریوش نژادگندم** مطالب مجله عالی و پرمحتوا می‌باشد ولی جای شعرهای شعرای شهرستان شبستر در مجله خالی می‌باشد، بهتر است نسبت به معرفی شعرا و آثار آن‌ها اقدام شود.

**پیام شبستر:** از اشعار شعرای شهرستان شبستر استفاده می‌شود با این حال نظر آن جناب را هرچه بیشتر لحاظ خواهیم کرد.

**تهران: امید فرخی** مجله خوبی است و راضی هستم و از زحمات کارکنان مجله پیام شبستر ممنونم.

**پیام شبستر:** از توجه و الطاف آن جناب نسبت به مجله خودتان سپاسگزاریم.

**تهران: علیرضا صرافی** مطلب مجله خیلی خوب است و کیفیت چاپ مجله در سطح بالایی می‌باشد، فقط خواندن مطالب ترکی مشکل است طوری نوشته شود که قابل خواندن و فهم باشد، و از اشعار شهریار نیز استفاده شود.

**پیام شبستر:** از دقت نظر آن جناب سپاسگزاریم و موارد اشاره شده را مدنظر خواهیم داشت. منتظر نظرات ارزنده جنابعالی هستیم.

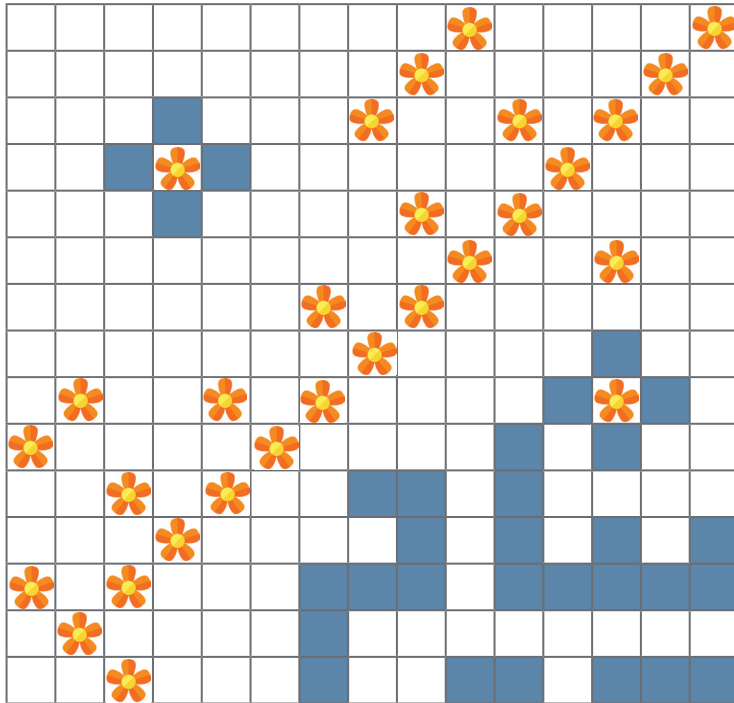
**تهران: خانم مهناز فیضی** مجله پیام شبستر از نظر کمیت و کیفیت بسیار مناسب و نیکوست ولی برای جوانان جذاب نیست و این طور تصور می‌شود که مطالب مجله فقط برای سالمندان نوشته می‌شود. باز هم عرض می‌کنم که کلیت مطالب مجله بسیار خوب است زیرا اطلاعات ذی‌قیمتی را از شخصیت‌های قدیمی و آبادی‌ها و خیرین نیکوکاران و ... به خوانندگان خود ارائه می‌نماید.

**پیام شبستر:** حسن توجه شما به مجله خودتان باعث دلگرمی ما می‌باشد و سعی بر آن است که محتوای مجله برای کلیه سنین از جوانان تا سالمندان جذاب و مفید باشد. درصدد هستیم که نظر دوستداران مجله را برآورده نماییم. منتظر نظراتتان هستیم.

(پیشنهادات، انتقادات و تشویقات مخاطبین همواره سرلوحه و راه‌گشای مجله پیام شبستر خواهد بود.)



۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



تهیه و تنظیم: غزل خواجهبوی

## افقی

۱ یکی از شعرای قدیم شبستر-کشوری که بعد از ۲۸ سال قره باغ را از ارمنستان پس گرفت ۲ به ترکی خانه و کاشانه-خوراکی از شیر و شکر و نشاسته و گلاب با یخ ۳ دست اعراب-مادراعراب-ماتم-از کارهای کشاورزی ۴ مسیر-فصلی که درآئیم-نصف فدیة ۵ شریان-بزرگان-بسیار ۶ از نت‌های موسیقی-ماده نیست-اسید سولفوریک ۷ هیئت وزرا-مرکزارمنستان ۸ از رودهای اروپا-باخبر-مواد منفجره ۹ خانه ی ترکها- مگس نشده ۱۰ تاب و توانایی-مقام و مرتبه- پیامبر صبور و بردبار ۱۱ من و تو لازم و ملزوم همدگر هستیم که در جهان نبود شهریار بی.....-تونستی-ناله ی ..... چون حکایت می‌کند از جدایی‌ها شکایت می‌کند ۱۲ محکم و استوار-از آبادی‌های زیبای شرق شبستر ۱۳ .....ز کوی تو بویی به من رساند باد به مژده جان گرمی-به باد خواهیم داد ۱۴ پریشان حال-پایتخت کشور آذربایجان ۱۵ مادر اعراب-میهن بی سر-رأس

## کلمه‌ی

۱ یکسال است مردم جهان را گریبانگیر کرده ۲ از شهرهای زیبا و کوهستانی غرب شبستر-بلا ۳ از شهرهای نزدیک تهران-بانگ ندا ۴ توان و نیرو-..... نیرزد آن که پریشان کنی دلی زنهار بد ممکن که نکرد است عاقلی-رواق منظر چشم من آشیانه ی توست کرم نما و فرود آ که خانه خانه ی توست-اسم ترکی ۵ زمین ترکی-رنگ شده ۶ اندیشیدن-وسیله ی نقلیه ی بزرگ بدون چرخ که روی یخ و برف حرکت می‌کند ۷ فلز سرخ و محکم-بی درو پیکر-حرف فاصله ۸ صاحب و مالک-یکی از بخش‌های سه گانه شهرستان شبستر-علامت بیماری-تلاش و کوشش ۹ چهره و صورت-اراده ساده و بی آرایش-یکی از اهالی معجز شناس آبادی دیزج خلیل شبستر ۱۱ یکی از وسایل موسیقی-زینت انگشتر-..... کن که نریزد دهی چو باده به دستم فدای چشم تو ساقی به هوش باش که مستم ۱۲ هنوز خشک نشده-از شهرهای نزدیک تهران-پایه و اساس ۱۳ کوشش و تلاش-کشمکش و مشاجره ی لفظی ۱۴ خانه ی اشرافی-از آبادی‌های کوهستانی و سرسبز شمال شبستر ۱۵ زبان موسیقی-نگریستن-بدن-تصدیق انگلیسی-ورودی خانه و اتاق

## حل جدول شماره ۲۴

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
۱	ش	ب	س	ت	ر	ت	ر	س	و	ج	ص	و	ف	ی	ا	ن
۲	ک	ا	ر	م	ن	د	ا	ن	م	م	و	ل	و	و	و	و
۳	س	ر	ر	ر	گ	ق	د	ی	ا	غ	و	ش	ش	ش	ش	ش
۴	ت	ا	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
۵	ش	ن	ی	د	س	ت	م	م	م	ق	ل	ب	ی	ا	ا	ا
۶	ی	ک	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و
۷	ش	ه	ر	ا	ت	م	ی	ش	ب	ی	ر	ی	و	ی	و	و
۸	ه	د	د	د	ی	ج	ر	ب	م	م	و	ل	و	ی	و	ی
۹	د	ر	س	ا	ر	ب	ا	ن	خ	ر	م	م	ی	ی	ی	ی
۱۰	ل	ر	ک	ت	ا	و	ه	م	و	س	س	ش	و	و	و	و
۱۱	ر	و	ا	ی	ح	ر	ه	ا	ی	ی	ع	ز	ب	ب	ب	ب
۱۲	ا	ی	ر	ق	ی	ز	ی	س	س	س	س	س	س	س	س	س
۱۳	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د
۱۴	م	س	ج	د	د	ج	ا	م	ع	ش	ب	س	ت	ر	ر	ر
۱۵	ن	د	ی	م	ا	ذ	ر	ب	ا	ی	ج	ا	ن	ی	ی	ی

به ۳ نفر از خوانندگان عزیز که جدول را حل و به واتساپ شماره ۰۹۱۹۴۱۷۵۸۷۴ ارسال نمایند به قید قرعه یک سال مجله پیام شبستر ارسال خواهد شد.



محصولات **صنایع چوب گیلانار**، توسط زبده ترین طراحان با سابقه کشور بر پایه سبک کلاسیک طراحی شده و با استفاده از با کیفیت ترین متریال ها، بوسیله پیشرفته ترین ماشین آلات، مطابق با استانداردهای روز دنیا تولید می گردند.  
متریال مورد استفاده در محصول فوق از چوب های آیوس آفریقایی بوده که با رنگ گردویی، فندقی و رنگ های الوان کلاسیک رنگ شده اند.

